غرب وحشی

نویسنده: استوارت موری
مترجم: دکتر پرویز دلیرپور



غرب وحشی



نویسنده: استوارت مورِی
مترجم: دکتر پرویز دلیرپور

سرشناسه	: موری، استوارت، ۱۹۴۸م Murray, Stuart
عنوان و نام پدیدآور	: غرب وحشی / نویسنده استوارت موری، مترجم: پرویز دلیرپور، ویراستار: یلدا بلارک
مشخصات ناشر	: تهران: سبزان، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۸ ص. مصور
شابک	: ۳-۰۶۸-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی Wild West, 2005
یادداشت	: واژه نامه
موضوع	: غرب آمریکا- تاریخ- از آغاز تا۱۸۴۸م- ادبیات نوجوانان
موضوع	: غرب آمریکا- تاریخ- ۱۸۴۸-۱۸۶۰م- ادبیات نوجوانان
موضوع	: غرب آمریکا- تاریخ- ۱۸۶۰-۱۸۹۰م- ادبیات نوجوانان
موضوع	: غرب آمریکا- تاریخ- ادبیات نوجوانان
شناسه افزوده	: دلیرپور، پرویز ۱۳۵۰، مترجم
شناسه افزوده	: بلارک، یلدا ۱۳۶۲، ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۴غ۸م / F ۵۹۱
رده بندی دیویی	: ۹۷۸/۰۲
	: ۹۷۸/۰۲ [ج]
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۶۰۱۲۷۶



انتشارات سبزان

میدان فردوسی ـ خیابان فرصت ـ ساختمان ۵۴ تلفن: ۸۸۸۴۷۰۴۴-۸۸۳۱۹۵۵۸

غرب وحشی

نویسنده: استوارت موری

مترجم: دکتر پرویز دلیرپور

ویراستار: یلدا بلارک

ناشر: سبزان

حروف‌چینی، طراحی و لیتوگرافی: واحد فنی سبزان

۸۸۳۱۹۵۵۷ - ۸۸۳۴۸۹۹۱

صفحه آرا: فاطمه ایمنی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

قیمت: ۳۸۰۰ تومان

چاپ و صحافی: معراج

فروش اینترنتی و online از طریق سایت‌آی‌آی کتاب www.iiketab.com

شابک: ۳-۰۶۸-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸ ISBN: 978-600-117-068-3

فهرست

حیات وحش غرب

دشت‌ها، کوه‌ها و صحراهای کشف نشده واقع در غرب آمریکا که طول بعضی از آنها تا ۵۰۰ کیلومتر می‌رسد، یادآور سرزمین‌های افسانه‌ای و دوران بی‌قانونی این کشور است. مناطقی که از گونه‌های جانوری و گیاهی فراوانی مثل تندرا، چمن‌زار، صحرا و جنگل پوشیده شده و در سواحل آن در کنار اقیانوس آرام درخت‌های عظیمی وجود دارد. بخش مرکزی این سرزمین پوشیده از مزارع وسیع پنبه است. در صحراهای خشک، که چندان پوشش گیاهی به چشم نمی‌خورد، بوته‌های تیغ، مار زنگی، خرگوش آمریکایی و سگ وحشی تقریباً همه جا دیده می‌شوند. زمانی گرگ، گوزن شمالی، خرس خاکستری، و آهو در ارتفاعات زندگی می‌کردند. گوزنِ اِلک و آنتلوپ (نوعی گوزن) در چمن‌زارها به چرا مشغول بودند، در این مکان‌ها روزگاری تعداد بوفالوها به حدود ۷۵ میلیون می‌رسید. تا اینکه در سال ۱۹۰۰، شکار بی‌رویه، جمعیت بوفالوها را به ۱۰۰۰ رأس کاهش داد.

در اواخر قرن نوزدهم، منطقهٔ آپاچی در منطقه آریزونا مملو از سارقان مسلح و دزدان اسب بود. در سال ۱۸۷۸، بیل کاوانا که با نام اسنایدر نیز شناخته می‌شد، رهبر باندی بود که برای ساکنان منطقهٔ مجاور رودخانه لیتل کلورادو مشکل ایجاد می‌کرد. آنها معدن‌چیان، مزرعه‌داران و دیگر مستعمره‌نشینان را غارت می‌کردند.

زوزه کایوت ◄



به هنگام غروب آفتاب، زوزه کایوت‌ها در سراسر غرب شنیده می‌شود.
کایوت‌ها به شکار جوندگان، جانوران علف‌خوار و گاه حیوانات اهلی می‌پردازند ولی به انسان حمله نمی‌کنند.
کایوت پستانداری از راستهٔ گوشت‌خواران و در ردیف سگ‌سانان می‌باشد. این حیوان به عنوان یکی از حیواناتی است که در بیشتر داستان‌های فولکوریک سرخپوستان ذکری از آن رفته است.



◄ سنجاب مرغزار

روزگاری این جانور در غرب آمریکا فراوان و محل تجمع آنها در دشت‌ها بود که برای خود لانه‌های قیفی می‌ساختند، که راه ورود به پناهگاه زیرزمینی آنها بود. کشاورزان و گله‌داران تلاش می‌کردند از دست این جانوران خلاص شوند، زیرا مدعی بودند این جانوران مزاحم گله‌شان بوده و مزارع را خراب می‌کردند.

◀ عقاب

کاوش‌گران پرندگان فراوانی در غرب یافتند که عقاب سرور تمامی آنها بود. عقاب‌ها از فراز کوه‌ها و دشت‌ها پرواز کرده آماده شکار سنجاب‌ها یا خرگوش‌ها یا به چنگ آوردن ماهی در آب‌های کم عمق بودند.



دشت‌های گسترده

«صحرای بزرگ آمریکا» نامی بود که کاشفان به منطقه‌ای نیمه خشک در امتداد رود میسوری تا کوه‌های راکی دادند. در ابتدا، این سرزمین فاقد درخت، کم باران، دارای نهرها و رودهای اندک ولی طولانی، و دارای تابستان‌های سوزان بود و بنابراین، سرزمین بیهوده‌ای فرض می‌شد. اما، دامداران در این جا علوفه فراوانی یافتند و به برداشت غلات به ویژه گندم پرداختند. آسیاب‌های بادی آب را به سطح زمین می‌رساندند. با احیای خاک و آب و ایجاد سیستم آبیاری، این دشت‌های وسیع به منطقه اصلی تولید گندم و گوشت جهان تبدیل شد.

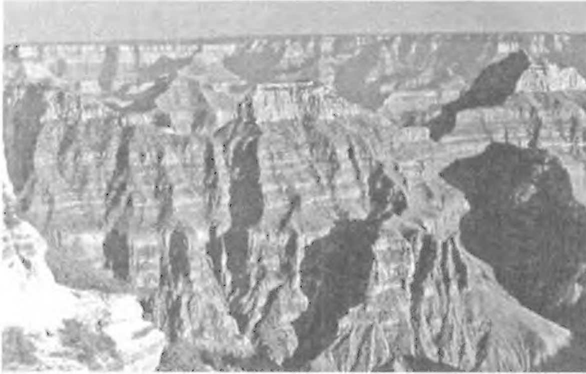
بوفالوها ▼

بوفالوها یا بیسون‌ها، همچون سایه بر روی دشت‌ها در گله‌های عظیم، درحال چرا و حرکت بودند. بوفالو یکی از قوی‌ترین جانوران آمریکا بود که وزن آن به ۱۰۰۰ کیلوگرم می‌رسید. بومیان آمریکا بوفالوها را به عنوان غذا و برای تهیه سایر نیازهای خود مثل لباس شکار می‌کردند. اما گسترش دهکده‌ها و شکارچیان حرفه‌ای، باعث نابودی این گله‌ها شد.



کوهستان‌های پرفراز و نشیب و صحراهای خشن

در ابتدا به نظر می‌رسید دشت‌های غرب برای گیاهان و جانوران وحشی ایده آل است، ولی گاه وضعیت هوا به شدت نامساعد شده و شرایط سختی بوجود می آید. با این حال، گیاهان و جانوران در جای جای این منطقه به چشم می‌خورند. غرب، سرزمین‌های پست مرکزی در مناطق شرقی که دارای رودخانه‌های بزرگ و دره‌های عمیق گل‌آلود است را نیز در بر می‌گیرد. کوهستان‌های مرتفع تا هزاران مایل، از کانادا تا مکزیک، در طول ساحل اقیانوس آرام امتداد دارند. جنگل‌های کاج و چمن‌زارهای کوهستانی و دشت‌های مرتفع در کنار صحراهای بزرگ و مناطق خشک و بی‌آب و علف به چشم می‌خورند. در هر منطقه،گیاهان به خوبی برای بقا با محیط خود سازگاری یافته‌اند.



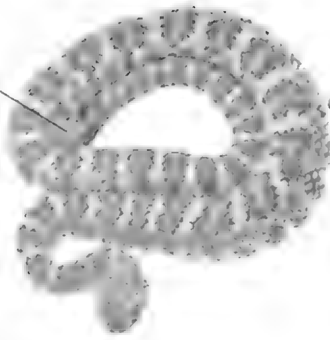
چشم انداز کوهستان ◄

آبشارهای ایالت واشینگتن در سلسله کوه‌های راکی در شمال قرار دارند که بخشی از سلسله قللی را تشکیل می‌دهند که به سوی جنوب تا نیومکزیکو امتداد می‌یابند. بسیاری از رودخانه‌های غربی در اثر برف و باران از کوه‌های راکی سرچشمه می‌گیرند که از آن جمله رودخانه‌های کلرادو، فلات شمالی، فلات جنوبی، اسنیک، آرکانزاس و ریوگرانده را می‌توان نام برد.



منطقه ژرف دره‌ها ▲

طی میلیون‌ها سال، در اثر فرسایش ناشی از باد و باران، منطقه مرتفع و خشک رودخانه فلات کلرادو، دچار بریدگی و شکاف‌های زیادی شده است. در نتیجه، سرزمین دره‌های ژرف با دندانه‌های تماشایی که گاه عمق دره‌های آن تا ۱۵۰۰ متر می‌رسد، شکل گرفته است. بزرگترین دره ، ژرف درهٔ عظیم آریزونا به طول ۲۱۷ کیلومتر است.



◀ مار زنگی

غرب زادگاه مارهای زنگی فراوانی است. پشت الماسی آنها بیش از سیصد نوع است. این مارها وقتی در خطر قرار می‌گیرند، پوست خشک انتهای دم آنها با صدای وزوز شروع به سر و صدا کردن می کند که علامت آماده شدن مار برای حمله است.

گربه‌های بی‌دم ◀

این نوع گربه‌ها، یا دارای دم کوتاه یا فاقد دم هستند و با پاهای بلند و پنجه‌های بزرگ همه جا دیده می‌شوند. آنها شکارچی‌های ماهری هستند. این گربه‌ها، تنها و شب‌زی (روزها خواب و شب‌ها پرفعالیت) بوده از جوندگان، خرگوش‌ها، علفخواران و پرندگان تغذیه می کنند.





◀ عمر طولانی سوآرو

این کاکتوس بلندقامت دارای بازوهایی مثل ستون، می‌تواند ۲۰۰ سال عمر کند. سوآرو نماد آریزونا است که گل‌های سفید آن روی پرچم این ایالت نقش بسته است. به علت عمر طولانی و بازوهای بلند که گاه تا ۵ متر می‌رسد، سوارو، کاکتوس لوله‌ای نامگذاری شده است. آنها در صحرای سونوران یافت می‌شوند که از خلیج کالیفرنیا از شمال شرقی تا آریزونا یعنی شمال غربی و جنوب کالیفرنیا امتداد دارد.

بومیان آمریکایی

ملت‌های بومی غرب آمریکا، با این سرزمین و جانداران موجود در آن با احترام رفتار می‌کردند. برای تهیه غذا، لباس و پناهگاه که ضروریات اصلی زندگی سرخپوستان بود، جانوران شکار می‌شدند. آنها عقیده داشتند برگزاری مراسم مختلف به حفظ روابط خوب مردم و دنیای طبیعی کمک می‌کند. برای مثال، برای کمک به شکار، تصاویر بوفالو و اِلک را روی سلاح‌های خود می‌کشیدند و جنگجویان به نشانه قدرت، پر عقاب به سر و تن خود نصب می‌کردند. مردم بومی عقیده داشتند باید مراسم خاصی برگزار کنند تا برای تماس و ارتباط با دنیای روحانی آمادگی یابند.



پرنده با پر و منقار قوسی

نمادهای مقدس ◄

مردم ساحل شمال غربی، مانند تسیمشیان و هایدا، روی چوب، تصاویر حیوانات و مخلوقات افسانه‌ای را حکاکی می‌کردند زیرا عقیده داشتند این عمل باعث حفظ خانه آنها می‌شود. گاهی نیز برای علامت‌گذاری قبر از این تصاویر استفاده می‌کردند. این تصاویر به توتم معروف هستند و به خانواده‌ای که آنها را حکاکی کرده بود تعلق داشت.



دود مقدس ▲

در دهه ۱۸۸۰، هنرمندی تصویر مردان قبیله پاسیاه واقع در جنوب غربی مونتانا که مشغول آتش زدن یونجه بودند را نقاشی کرد. آنها عقیده داشتند دود مقدس، روح آنها را پاک می‌سازد. این مردان در حال آماده کردن کیف‌های طبابت خود، که یک مجموعه طلسم بود، هستند که در آن، استخوان، دانه تسبیح، گیاهان طبی، پر، طلسم شانس، و موی حیوان و انسان به چشم می‌خورد. این طلسم‌ها با دود تطهیر می‌شدند.

◀ رویدادنامه آپاچی

هنرمندی از قبیله آپاچی با استفاده از تصویرنگاری - یعنی تصاویری که داستانی را بیان می‌کنند - «رقص سلطنتی» را نقاشی کرده است. این نقاشی روی پوست نوعی گوزن کشیده شده است. رقاصان آپاچی، نمادهای چوبی رنگارنگ روی سر می‌گذاشتند و از گنگ‌ها، یعنی ارواح طبیعی، درخواست می‌کردند، مردم را راهنمایی و بیماران آنها را شفا بخشند.



رقص ملازمان رئیس قبیله آپاچی

پوست گوزن که روی آن نقاشی شده است.



توتم برای نشان دادن محل یک قبر

وداع در دشت ◀

یک زن عزادار، برای شوهرش مرثیه‌می‌خواند، جسد شوهر او روی یک سکو قرار داده شده و سر اسب‌های مورد علاقه‌اش به تیرک‌های سایه‌بان قبر او آویزان گشته است. تصور می‌شد این اسب‌ها در دنیای دیگر همراه وی خواهند بود.



پر عقاب

گیره مو که از دشمنان کشته نشده در نبرد غنیمت گرفته شده است.

◀ حفاظت در جنگ

این رئیس قبیله پاسیاه، قبیله قدرتمند دشت‌های عظیم، وقتی برای ترسیم چهره‌اش در سال ۱۸۳۲ اقدام کرد در جنگ برای دستیابی به مقام پادشاهی بود. لباس بلند او از پوست آهو به مدال‌های مختلف مزین شده است.

طراحی الهام گرفته از تیغ‌های خارپشت

حمایل تشریفاتی پنج فوتی

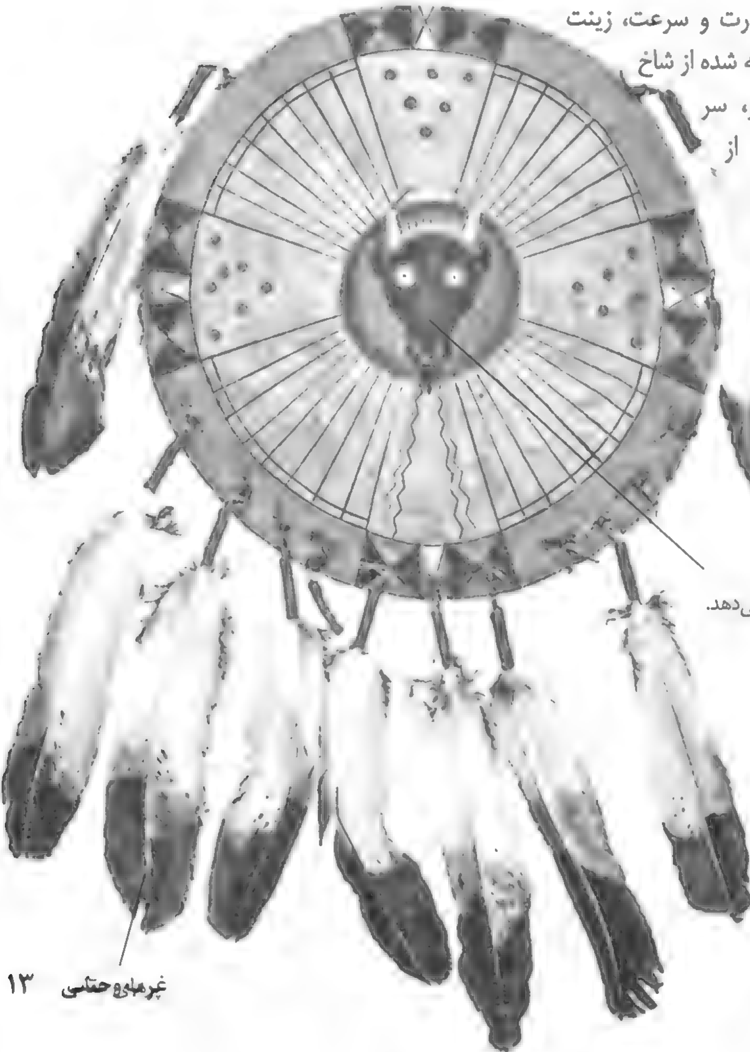
ایجاد باران


موی بوفالوی سفید، درخواست باران از سوی یک جوان آپاچی

در یک نقاشی به جا مانده از اوایل سده نوزدهم میلادی، جوانی از قبیله ماندان را می‌بینیم که بر بالای چادر سرخپوستان نزدیک رودخانه میسوری ایستاده و از طبیعت درخواست باران فراوان می‌کند. بر اساس رسوم ماندان‌ها، از مردان جوان خواسته می‌شد تا جایی که می‌توانند به رقص و آواز مخصوص بارش باران ادامه دهند و این کار را حتی بعد از خسته شدن خود ادامه دهند. این مراسم ویژهٔ باران، موفقیت به دنبال داشت. زیرا وقتی آنها تیری به سوی ابرهای سیاه بالای سرشان پرتاب می‌کردند، باران سیل آسا شروع به باریدن می‌کرد.

سپر بوفالو

پرهای عقاب، نمادی از قدرت و سرعت، زینت بخش این سپر پاونی، ساخته شده از شاخ بوفالو است. در میان سپر، سر بوفالو به چشم می‌خورد تا از این قدرتمندترین مخلوق دشت‌های عظیم تجلیل شده باشد. بوفالوها، ضروریات اساسی مانند غذا، لباس و سرپناه بسیاری از قبایل سرخپوست را تأمین می‌کردند.


نمادی که بوفالو را نشان می‌دهد.

زندگی روزمره در آمریکا

زندگی آمریکایی‌های بومی به شدت وابسته به سرزمین‌شان بود. نحوه زندگی آنها اساساً به شکل قبیله‌ای و محلی و اطفال از آزادی بسیار زیاد و خیلی بیشتر از آنچه آداب و رسوم اروپایی در آن زمان مجاز می‌دانست برخوردار بوده‌اند. به هر حال مردمان بومی غرب در اوایل سده نوزدهم، به اندازه سرزمینی که در آن می‌زیستند با یکدیگر تفاوت داشتند. بعضی سرخپوستان سوارکاران ماهری بودند که می‌توانستند روی گردن اسب در حال تاخت خم شوند و با دقت تیری را پرتاب کنند. اکثر آنها کشاورز، پیشه‌ور، و ماهیگیر بودند. جنگجویان سوارکار دشت‌های مرکزی دائماً به همسایگان خود حمله می‌کردند ولی جوامع صلح‌جوی ساکن در جنوب غربی بیشتر به مهارت در هنرهای دستی مانند سفالگری، بافندگی و جواهرسازی معروف بودند. قبایل چادرنشین، بوفالوها را شکار و از پوست آنها در بیشه‌زارها خانه های موقتی چرمی می‌ساختند. مردم ساحل شمال غربی آمریکا از ساختمان‌های چوبی استفاده می‌کردند و برای شکار نهنگ، کشتی‌های درازی می‌ساختند. سایر قبایل تاجران و مسافران موفقی بودند و با سفیدپوست‌ها تماس دائمی و معمولی داشتند. صرف نظر از محل و نحوه زندگی بومیان غرب، ورود ناگهانی و ناخواسته خیل عظیمی از بیگانگان سفیدپوست به سرزمین‌آنها، باعث تغییراتی در سبک زندگی سرخپوستان برای همیشه گردید.



◀ چادر اسباب بازی

این چادر کوچک برای یک کودک اهل لاکوتا سیوکس ساخته شده است که نمونه کوچکی از چادرهای واقعی سرخپوستان است. برای ساخت چادرهای بزرگ، چرم روی چند تیرک بلند قرار داده می‌شد که از بالا به یکدیگر متصل بودند. دود آتشی که در وسط چادر برای پخت و پز و غیره ایجاد می‌شد از قسمت بالایی چادر که بصورت دایره‌ای شکل بود خارج می‌شد. این قسمت را با باز و بسته کردن لبه‌های چادر می‌توانستند بزرگتر و یا کوچکتر کنند.

ضربه مرگبار ▲

شکار یک بوفالوی در حال فرار توسط یک سوارکار، مستلزم مهارت و دلاوری زیادی بود که نمونه‌ای از آن را در این نقاشی از یک سرخپوست در حال تعقیب گله بوفالو می‌بینید. یک جنگاور پا به پای بوفالو می‌تاخت تا برای پرتاب نیزه به سوی حیوان موقعیت مناسب را به دست آورد.

مردم دشت‌ها

قبایلی مانند سیوکس، کومانچ و کراو که در دشت‌ها و صحراهای بزرگ زندگی می‌کردند، با شکار گله‌های بوفالو زندگی می‌گذراندند و همراه با این گله‌ها به این سو و آن سو مهاجرت می‌کردند. این سرخپوستان، سوارکاران ماهری بودند که برای شکار و جنگ، اسب‌های سریع و نیرومندی را تربیت می‌کردند. وقتی یک خانواده تصمیم به جابجایی می‌گرفت، چادر خود را پایین می‌کشید و آن را برای اردوگاه بعدی، تا زده و آماده حمل و نقل می‌کرد. در عرض تنها چند ساعت، این چادر دوباره بر پا می‌شد. چادرها از نظر اندازه با هم فرق داشتند. ولی بزرگترین آنها حدود ۸ متر قطر داشت و برای قرار دادن آن روی تیرک‌های خیمه به ۱۴ پوست بوفالو نیاز بود.



◀ مادر و کودک

جرج کاتلین نقاش در طول سفر در غرب وحشی، این زن سرخپوست جوان به نام چی - آ - کا - تچی را همراهِ کودکش نقاشی کرد. او کودک را محکم در گاهواره‌ای رنگارنگ و آرام بسته است.



لباس کودک ◀

برخی از کودکان خوش‌بخت قبیله کراو این لباس را به تن می‌کردند که احتمالاً به دلیل عشق و علاقه به این سبک دوخته شده است. احتمالاً یکی از زنان عضو خانواده، مثل مادربزرگ یا خواهر بزرگتر این لباس را به دقت با دندان‌های الک (نوعی گوزن) تزئین کرده است. مردم قبیله کراو در کوه‌های راکی در شرق و رودخانه میسوری زندگی می‌کردند.

ورود برای بردن عروس ▼

تازه داماد با یک کانو آورده می‌شود تا با عروس خود برای اجرای مراسم در قبیله کواکیوتیل، ساکن در ساحل شمال غربی اقیانوس آرام، دیدار کند. نشان جلوی کانو به شکل پرنده آذرخش آراسته شده است تا برای عروس جدید بخت عالی به دنبال آورد.



کوله بار اسب برای یک سیوکس ◄

سوارکاران آنچنان مهارت داشتند و با سرعت می‌راندند که هنگام سوارکاری در دشت‌های بزرگ غرب، سوارکار و کوله‌بار او روی اسب، همانند هم به نظر می‌رسید. در واقع، بین اسب و سوارکار فاصله اندکی وجود داشت، چون معمولا بدون زین سوارکاری می کردند و کوله‌باری هم که همراه‌شان بود، سبک وزن و با بندهای ظریف به خود می‌بستند. یکی از این کوله بارها که در عکس دیده می‌شود، متعلق به یک سیوکس بوده است. بسیاری از سرخپوستان بدون زین بر اسب سوار می‌شدند ولی در سفرهای طولانی، زین چرمی ساخته شده از پوست بوفالو یا موی آهو راحت‌تر بود و مورد استفاده قرار می‌گرفت.



خانه‌های خشتی ▼

سرخپوستان قبیلهٔ هوپی در این دهکده واقع در آریزونا در طبقات مختلفی در یک خانه زندگی می‌کردند، برای رسیدن به این طبقات، نردبام‌های بلند ساخته می‌شد. این خانه خشتی در میان زمین‌های کشاورزی قرار داشت. این خانه که به والپی معروف است در دهکده‌ای قرار گرفته، که مدت‌ها قبل از ورود اروپاییان در سده شانزدهم میلادی وجود داشت و به همین دلیل یکی از قدیمی‌ترین مکان‌هایی است که در آمریکای شمالی همیشه دارای سکنه بوده است.

کاشفان

دولت آمریکا منطقه بزرگ غرب را به نام لوئیزیانا، از فرانسه در سال ۱۸۰۳ خریداری کرد و یک سال بعد کاشفانی را برای نقشه‌برداری از این سرزمین و کشف منابع و معادنی که در آن‌جا وجود داشت، گسیل نمود. این سفر اکتشافی به رهبری هریونز لوئیس و ویلیام کلارک دو سال طول کشید تا آن‌که آنها به ساحل اقیانوس اطلس رسیدند. مترجم آنها اسکاجاویا، یک زن سوشونی، بود که به مردم بومی منطقه اطمینان می‌داد که آنها کاشفان دولت هستند. طی ۹۰ سال بعد، سفرهای اکتشافی بسیاری انجام گرفت که هدف از آنها، یافتن رودخانه‌ها، و پیدا کردن مسیرهای مناسب برای عبور از صحرای خشک جنوب غربی و شناسایی رشته‌کوه‌های ناشناخته بود. نقشه برداران، سنجش‌گران، دانشمندان، هنرمندان، عکاسان همراه این گروه‌های اکتشافی بودند. جان وسلی پاول، با مقام ریاست سازمان تازه تأسیس زمین‌شناسی آمریکا از سال ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۴، تحقیق علمی از این منطقه را شروع نمود. زیرا به ویژه قصد داشت منابع ارزشمند آب منطقه را کشف کند.



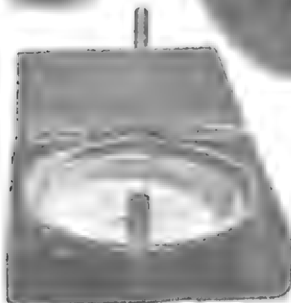
◀ راه غرب

گروه اکتشافی لوئیس و کلارک، از سمت غرب، رودخانه میسوری را برای رسیدن به سرچشمه دنبال کرده، از کوه‌های راکی عبور نمود. سپس به جایی سفر کردند که رودخانه کلمبیا به اقیانوس آرام می‌ریزد.



لوئیس و کلارک ◀

رئیس جمهور آمریکا، توماس جفرسون، گروه لوئیس و کلارک را به سفر اکتشافی ۸۰۰۰ کیلومتری، به سرزمین ناشناخته و دست‌نخورده غرب، فرستاد. این سفر انگیزه آمریکایی‌ها را برای تصرف هرچه بیشتر زمین‌های سرخپوستان را تقویت کرد و آنها بیشتر از قبل مدعی سرزمین‌های غرب در آن سوی می‌سی‌سی پی شدند.



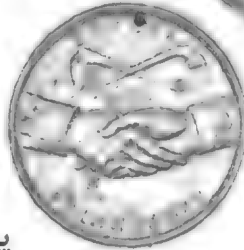
قطب‌نمای لوئیس و کلارک

◀ مدال‌های صلح

تصویر رئیس جمهور جفرسون و شعار «صلح و دوستی» زینت‌بخش این مدال نقره‌ای و مسی لوئیس و کلارک است که به مردم بومی منطقه داده شد تا اعتماد آنها جلب گردد.







پیروزی فرمونت ▲

در سال ۱۸۴۲ به افتخار گروه اکتشافی جان فرمونت که موفق به شناسایی و نقشه‌برداری از کوه‌های راکی شد، یک تمبر پستی چاپ گردید. چند سال بعد، از سال ۱۸۴۶ تا ۱۸۴۷، فرمونت رهبر جنگجویان داوطلب برای تسخیر کالیفرنیا و گرفتن آن از مکزیک شد.

خشن اما دوستانه ▼

در رودخانه کلمبیا، در سال ۱۸۰۵، سرخپوستان در قایق‌های جنگی و با لباس رزمی برای نخستین بار با گروه اکتشافی لوئیس و کلارک روبرو می‌شوند. ساکاجاویا با زبان اشاره به قایق در حال نزدیک شدن، سلام می‌فرستد.







◀ دوربین نقشه بردارها

این دوربین قطور به همراه سه پایه‌اش به وزن تقریباً ۳۵ کیلوگرم در سفر پاول، در سال ۱۸۷۲، زمانی که گروه اکتشافی از دره ژرف و عظیم رودخانه کلرادو گذار می‌کردند همراه آنها بود.



دانشمند و زبان‌شناس ◀

کاشف، نقشه‌بردار، و طبیعت‌شناس آمریکایی، جان ولسلی پاول (۱۹۰۲-۱۸۳۴) که زبان‌های بومیان را بررسی می‌کرد، با رئیس قبیله پایوت به نام تاو - گو دوست شده بود و در عکس روبرو او را در حال صحبت با رئیس قبیله دیده می‌شود. پایوت‌ها قبیله‌ای ساکن در منطقه آبریز بزرگ بود که نوادا و غرب یوتا، همچنین بخش‌هایی از کالیفرنیا و اورگون را در برمی‌گرفت. دریاچه‌ای که پاول خود در این منطقه به وجود آورد، به افتخار این دانشمند دریاچه پاول نام‌گذاری شد.



کوه‌های کُلرادوی شمالی ▲

نقاش، تامس موران (۱۹۲۶-۱۸۳۷)، در حال سفر به قصد شناسایی وضعیت زمین‌شناسی منطقه در سال ۱۸۷۱ این تصویر را رسم نمود و در آن از رنگ‌های غلیظ استفاده کرد تا انعکاس نور خورشید در دهانه رودخانه کلرادو را نشان دهد، که در منطقه ویومینگ جاری است. نقاشی موران کمک کرد تا دولت متقاعد شود تا بخش‌های عظیمی از زمین های غرب را تحت عنوان پارک‌های ملی تحت محافظت خود قرار داده و از دسترس سوداگران محافظت نماید. در حال حاضر تعداد زیادی از این پارک‌های ملی همچنان مورد بازدید مردم قرار می گیرد.



◀ دره خطرناک

عکاسی شجاع دوربین خود را بالای نقطه یخچال قرار می‌دهد تا از آبشار یوزهایت در کالیفرنیا عکس بگیرد. این عکس در دهه ۱۸۸۰ هنگام سفر اکتشافی گرفته شده است.
گاهی عکاسان سعی می‌کردند با عبور از کوه‌ها و دره‌های خطرناک حیرت‌انگیزترین عکسی که می‌توانند را بگیرند.

سراسر آپالاچیان

در سده ۱۷۰۰ میلادی، جنگل‌ها و رودخانه‌های خروشان فراسوی کوه‌های آپالاچیان، پذیرای هزاران آمریکایی شدند که احساس می‌کردند در شرق و جنوب شرقی آمریکا جمعیت و ازدحام سرسام‌آوری وجود دارد. اکثر آنها کشاورزانی بودند که می‌خواستند در سرزمین حاصلخیز جدیدی که تا آن زمان هیچ سفیدپوستی را به خود ندیده بود، سکنی گزینند. صدها خانواده به رهبری شکارچیان باتجربه‌ای مثل دانیل بون، راه خود را به سوی آپالاچیان آغاز کردند و سعی کردند به منطقه‌ای برسند که امروزه به کنتاکی معروف است. برای رسیدن به آن‌جا، پیشاهنگان از جاده صحرایی گذشتند که از شکاف کامبرلند، یعنی راه باریکی در میان کوه‌ها، می‌گذشت. این آغاز مهاجرت به سوی غرب بود که به سرعت تبدیل به سیل مهاجرت گردید. بین سال‌های ۱۷۷۵ و ۱۸۰۰، بیش از ۳۰۰۰۰۰ مهاجر به کنتاکی وارد شدند. در آن‌جا آنها دژهای بزرگ و قلعه‌هایی برای دفاع در مقابل مردم بومی ایجاد کردند که از اشغال سرزمین‌شان به دست این تازه واردها خشمگین بودند. مهاجران در دیوار کلبه‌های چوبی خود سوراخ‌هایی برای قراردادن تفنگ سر پر ایجاد کرده و درهای شان را مستحکم می‌ساختند تا در برابر حمله سرخپوست‌ها از خود دفاع کنند. در این زمان، سکونت‌گاه‌هایی واقع در کنتاکی و تنسی، به نقطه آغازی برای موج بعدی مهاجرت به سوی غرب و تصرف هرچه بیشتر زمین‌های بومیان تبدیل شدند.



در درون صحرا ▲

دانیل بون (۱۸۲۰-۱۷۳۴) رهبر مهاجران در جاده موسوم به شکاف کامبرلند در سال ۱۷۷۳ بود که انتهای آن به کنتاکی می‌رسید. چروکی‌ها به گروه بون حمله کردند و آنها را به عقب راندند. دو سال بعد او و مهاجران جدیدی که همراه خود آورده بود، مجدداً بازگشتند و این بار آنها برای ماندن آمده و آماده هرگونه جنگ برای تصرف زمین‌های جدید و عقب‌راندن سرخپوستان بودند.



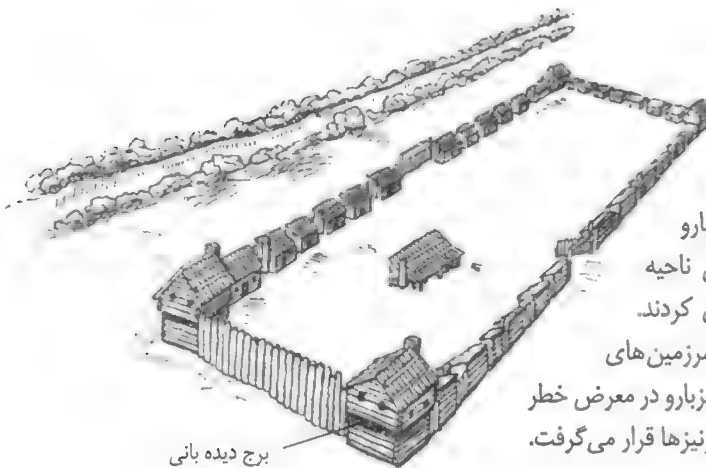
راه جنگجویان ◄

مهاجران جدید به سرعت در مناطق شکار و جاده‌های مناسب برای جنگ مثل این جاده که در کوه‌های آلگنی وجود دارد، حرکت کردند. مسیرهای جنگل باعث می‌شد دهکده‌های دوردست سرخپوستان با سکونت‌گاه‌های سفیدپوستان کشاورز در شرق و جنوب مرتبط شوند.



◄ ساختن کلبه

دوستان و همسایگان به کمک مهاجران تازه وارد، آمده و منزل‌های محکم می‌ساختند که مانند قلعه‌های کوچک بود. کلبه‌های چوبی کوچک و محکم، ساخته شده از صنوبر یا چوب کاج، رایج‌ترین کلبه‌هایی بود که مهاجران جدید برای خود می‌ساختند.



قلعه بونز بارو ◄

نخستین اقامتگاه بون، دارای دیوارهای ۳ متری بود که نزدیک رودخانه کنتاکی در سال ۱۷۷۵ ساخته شد و به قلعه بونز بارو مشهور گردید. ساکنان جدید، این ناحیه را از رئیس قبیله چروکی خریداری کردند. اما تمامی قبایل راضی به فروش سرزمین‌های خود نبودند. هر از چندگاهی قلعهٔ بونزبارو در معرض خطر حمله دیگر قبایل چروکی و نیز شاونیزها قرار می‌گرفت.

تفنگ دراز ▼

شکارچیان سفیدپوست تفنگ‌هایی مثل این تفنگ همراه داشتند که متعلق به دانیل بون است. این تفنگ‌ها با لوله یک متری، تفنگ دراز نامیده می‌شدند و بی‌نهایت دقیق بودند. بهترین نوع آنها در پنسیلوانیا ساخته می‌شد ولی به تفنگ کنتاکی معروف بود زیرا مهاجران این نام را بیشتر دوست داشتند.





تیر و کمان قبیله شاونی ▲

از سال ۱۷۵۰، شکارچیان و جنگجویان بومی در برابر آتش تفنگ و مواد منفجره سفیدپوست‌ها قدرت مقاومت نداشتند و از این تیر و کمان‌ها استفاده می‌کردند. بسیاری از سرخپوست‌ها سعی می‌کردند با اتحاد با قبیله‌های دیگر و افزایش نفرات خود به مقابله با سفیدپوستان بپردازند و به سلاح‌های خود ایمان داشتند، ولی بعضی قبایل به تجارت با سفیدپوست‌ها نیاز داشتند و با آنها همکاری می‌کردند.



جنگجوی شاونی ◄

هیچ قبیله‌ای همچون قبیله شاونی که در بخش بالایی رودخانه اوهایو ساکن بودند، در برابر سفیدپوست‌ها مقاومت نکردند. رئیس آنها تکومسه نام داشت و سعی کرد با متحد کردن سرخپوستان، از سرزمین‌های خود دفاع کند و سرخپوستان اعتقاد داشتند این زمین ها را روح بزرگ به آنها اعطا کرده و آن را مقدس می‌دانستند. مقاومت آنها تا سال ۱۸۲۵ ادامه داشت. این تصویر متعلق به جنگجوی شاونی به نام پی‌تا کوتا است که نشان می‌دهد مردم این قبیله چهره خود را با رنگ روشن نقاشی می‌کردند ولی پوشیدن لباس سبک را ترجیح می‌داده‌اند.



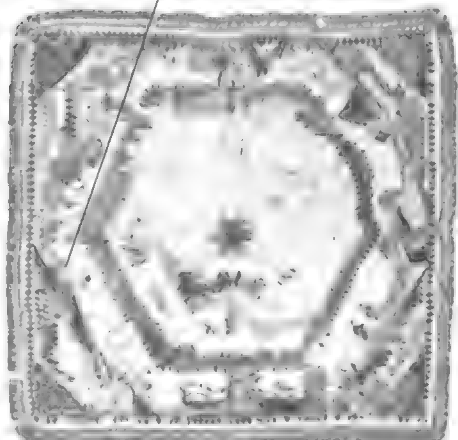
◀ بون افسانه‌ای

تصاویر جنگ معمولاً سفیدپوست‌ها را قهرمان و سرخپوستان را ابله و وحشی جلوه می‌دادند. اما در واقع، قهرمانی و وحشی‌گری در هر دو طرف بود و بیشتر سفیدپوستان مهاجر و تشنهٔ ثروت، آماده هرگونه خشونت و قتل عام برای بدست آوردن زمین‌های جدید بودند دانیل بون در این عکس در حال نجات یک زن و کودک از خطر حمله یک سرخپوست نشان داده می‌شود. این عکس معروف‌ترین عکس قهرمان نهایی سفیدها در قرن هیجدهم بود.



جنگ و بیماری طاعون مهم ترین اخبار روزنامه‌ها! ◀

خوانندگان روزنامه‌ها سعی می کردند روزنامه‌ای را بخرند که آخرین اخبار هیجان‌انگیز درباره حمله سرخپوستان و سرایت طاعون در منطقه را برای آنها بازگو کند. معمولاً اخبار مربوط به شیوع وبا در شهرها و حمله سرخپوستان به مهاجران جدید، باعث می شد لرزه به اندام سفیدپوستان شرق آمریکا بیفتد. روزنامه‌ها سعی می کردند هرچه بیشتر سرخپوستان را وحشی و سفیدپوستان را محق جلوه دهند.



◀ تصویر قلعه روی لحاف

گلدوزی در اوقات فراغت به شدت مورد علاقه زنان سرخپوستی بود که در اوایل سده نوزدهم این «لحاف بزرگ» را پدید آوردند. در این گلدوزی، طرح قلعه دیر بورن در ساحل دریاچه میشیگان دیده می‌شود. صحنه‌ای از قتل عام سفیدپوستان و متحدان سرخپوست آنها در جنگ سال ۱۸۱۲ در این جا دیده می‌شود. قلعه دیربورن سرانجام تبدیل به شهر بزرگ شیکاگو گردید.

هجوم به سوی غرب

«پنج قبیله متمدن» جنوب به نام های چروکی، سمینول، چاکتاو، کریک، و چیکاسا، صاحب ساختمان‌های خوش ساخت در روستاها و مدارس مبلغان مذهبی سفیدپوست‌ها بودند. حتی چروکی‌ها با استفاده از الفبای خود که بزرگ‌ترین دانشمندان‌شان، سکویا اختراع کرده بود، روزنامه نیز چاپ می‌کردند. این مردم خواستار صلح و آرامش بودند. اما سفیدپوستان آزمند به سرزمین آنها حمله بردند و بنابراین جنگ درگرفت. یکی از بدترین نبردها در سال ۱۸۱۳ در کمربند نعل اسب روی داد که در آلاباما واقع است. در این نبرد ارتش ژنرال اندرو جکسون بیش از ۸۰۰ مرد، زن و کودک قبیله کریک را قتل عام کرد. دادخواست قبیله چروکی در دادگاه‌های آمریکا بدون پشتیبان بود و به هیچ نتیجه‌ای نرسید. اگرچه دادگاه عالی از آنها حمایت کرد ولی حکومت ایالت آلاباما، کنگره و رئیس جمهور، اندرو جکسون، با آنها مخالفت ورزیدند. قانون سال ۱۸۳۰ که بر ضد سرخپوستان بود باعث شد اکثر این قبایل به سرزمین جدید سرخپوستان، واقع در آن سوی رودخانه می سی سی پی رانده شوند. بسیاری در حین سفر در این جاده که به جاده اشک موسوم است، جان باختند. قبیله سمینول در فلوریدا به رهبری رئیس اوسیولا، دست به طولانی‌ترین جنگ سرخپوستان زد که تا سال ۱۸۴۷ ادامه یافت.



◄ مزین به پر
چروکی‌ها در مراسم سنتی خود از این چوب مخصوص رقص که با پر مزین شده استفاده می‌کردند.



◄ دانشمند چروکی
سکویا (۱۸۴۳-۱۷۷۰) که نقره کار ویک چروکی بود در سال ۱۸۱۸ همراه قبیله‌اش به سرزمین سرخپوستان مهاجرت نمود. او که از مادری سرخپوست و پدری سفیدپوست بدنیا آمده بود در آن جا، با استفاده از ۸۸ علامت که با آواهای زبان گفتاری مطابقت می‌کرد، زبان نوشتاری چروکی را به وجود آورد و زبان سرخپوستان را قابل خواندن و نوشتن کرد. در سال ۱۸۲۸ روزنامه چروکی‌ها به چاپ رسید که چروکی فونیکس نام داشت.

به درون اردوگاه

در نیمه اول قرن نوزدهم، مشهورترین کسی که در ضدیت و جنگ با سرخپوستان تلاش و کوشش فراوانی کرد شخصی به نام اندرو جکسون بود که از اولین مهاجران به غرب وحشی به شمار می‌رفت. او در جنگ ۱۸۱۲ میلادی رهبری سفیدپوستان مسلح را برعهده داشت که با بی‌رحمی هرچه تمام سرخپوستان کریک را سرکوب کرد. اندرو جکسون بعداً به ریاست جمهوری آمریکا رسید.

دولت فدرال آمریکا، بعداز جنگ‌های فراوان و از بین بردن قبیله های سرخپوستان، بالاخره سیاست جابجایی مردم سرخپوست از وطن خودشان را به اجرا گذاشت و این مستلزم آن بود که زمین‌های جدیدی به آنها اختصاص یابد. در دهه ۱۸۲۰، یک اردوگاه به نام سرزمین سرخپوستان، در غرب می سی‌سی پی ایجاد شد. در سال ۱۸۸۵، حدود ۵۰ قبیله به این منطقه نقل مکان داده شدند که به اوکلاهماما معروف است. اوکلاهماما واژه‌ای متعلق به قبیله چاکتاو به معنی سرخپوستان می‌باشد.



جاده اشک

چروکی‌ها، ناگزیر از نقل مکان به سوی غرب و تحت تأثیر محاصره سربازان سفیدپوست، سفر سخت و غم‌بار خود را در جاده‌ای که جاده اشک می‌نامیدند، آغاز کردند. از ۱۵۰۰۰ مردم چروکی که وطن خود را ترک کردند، حدود ۴۰۰۰ نفر در این راه جان باختند. سایر قبایل نیز چنین وضعیتی را داشتند؛ از گروه ۱۰۰۰ نفری چاکتاوها فقط ۸۸ نفر زنده ماندند.

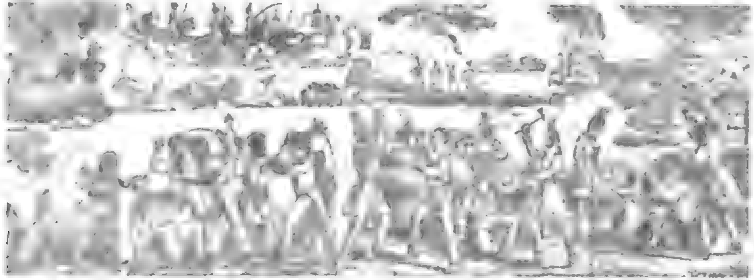


طراحی سمینول

مدت‌ها پیش از ورود سفیدپوست‌ها به آمریکا، سمینول‌ها از الیاف نخل، عروسک‌های دستی می‌ساختند و گاه در تجارت با قبایل دیگر از آنها استفاده می‌کردند. به این عروسک لباس کار مردها پوشانیده شده که به لباس گشاد معروف است. این لباس‌های گشاد به گلدوزی‌های رنگارنگ مزین می‌شدند و با آستین‌های گشاد متناسب بودند زیرا بدین سان، فردی که از این نوع لباس استفاده می‌کرد، از گرما در امان بود و خنک می‌ماند.

جنگ‌های سمینول ▼

مردم سمینول در فلوریدا در کنار سیاهانی که قبلاً برده بودند و از مزارع پنبه فرار کرده بودند، زندگی می‌کردند. وقتی دولت فرمان نقل مکان قبیله سمینول به اردوگاه را صادر کرد، آنها به شدت مقاومت کرده و در سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۸۱۶ دو جنگ با دولت مرکزی انجام دادند. در نهایت، نفرات آنها کاهش یافت، بسیاری از سمینول‌ها به درون زمین‌های باتلاقی گریختند و در باتلاق فرو رفتند اما حاضر به ترک وطن خود نشدند.



تجاوز و کشتار

پس از آن که در سال ۱۸۱۷ سربازان آمریکایی به فلوریدا تجاوز کردند، جنگی خونبار به مدت بیش از ۳۰ سال درگرفت. هردو طرف پیروزی‌هایی به دست آورده یا متحمل شکست‌هایی شدند، که از جمله قتل عام ساکنان سرخ پوست را می‌توان نام برد.



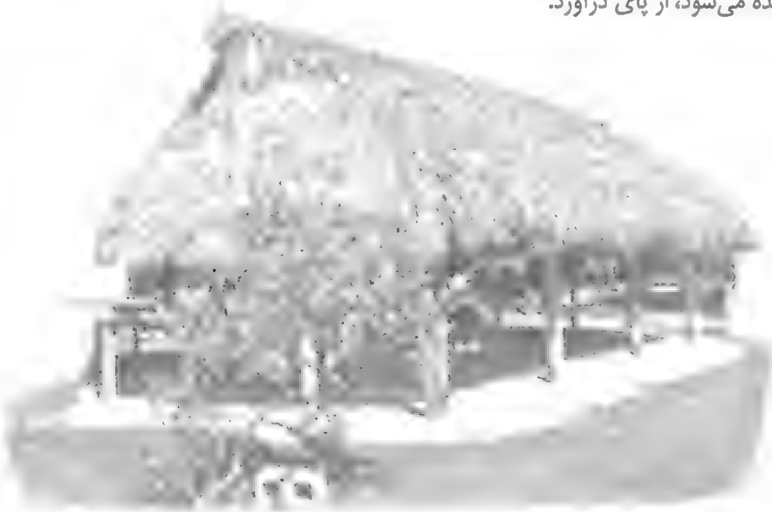
اوسیولا ◀

رئیس اوسیولا به مدت ۲۰ سال به خاطر قبیله سمینول جنگید و بزرگترین رهبر آنها به شمار می‌رفت. اوسیولا در ابتدا با سفیدپوستان به خوشرویی رفتار می‌کرد اما وقتی حرص و طمع آنها را برای غصب زمین‌ها دید به جنگ با آنها پرداخت، در نهایت سفیدپوستان، او را با برافراشتن پرچم صلح فریب داده در سال ۱۸۳۷ دستگیر نمودند و سپس اعدامش کردند. افراد اوسیولا به مدت ده سال دیگر به جنگ ادامه دادند.



نبرد دریاچه اوکی چوبی ▲

اکثر جنگ‌های سمینول حالت ضربه زدن و بزن و بگریز داشت. اما نبرد سال ۱۸۳۷ در ساحل دریاچه اوکیِ چوبی روی داد که ۱۰۰۰ سرباز آمریکایی و ۵۰۰ سمینول در آن شرکت داشتند. فرمانده ارتش آمریکا که بعداً رئیس جمهور این کشور نیز شد، سرهنگ زاخاری تیلور بود. ارتش شمار زیادی از بومیان را در نزدیک پادگان نظامی که در نقاشی دیده می‌شود، از پای درآورد.



خانه در زمین باتلاقی ▲

خانه‌های سمینول در تابستان‌های داغ فلوریدا، سایه ایجاد کرده و سرپناهی برای مردم در زمان بارش باران‌های سیل آسا بودند، این خانه‌ها فاقد دیوار، دارای سکوی داخلی بوده و بام آنها از الیاف گیاهان ایجاد شده بود. این خانه به چیکی معروف بود و معمولاً اعضای یک خانواده در آن ساکن می‌شدند. چیکی‌های بدون سکو دورتادور محل آتشی که بین افراد قبیله مشترک بود، ساخته می‌شدند. چیکی‌ها در زمین‌های باتلاقی و بخارآلوده فلوریدا، سرپناه خوبی بودند، سمینول‌ها امروزه نیز در این منطقه زندگی می‌کنند.

شکارچیان و کوهنوردان

آن عده‌ای «جوانان چابک» و «تله‌گذاران کوهستان» معروف بودند. در دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ زندگی آنها شبیه نامشان بود. تله گذاشتن برای سمور در رودخانه‌های یخ‌زده، زندگی کردن همچون مردمان سرخپوست، باعث شده بود این افراد جان سخت شده و کسی را قوی‌تر و زرنگ‌تر از خود ندانند. آنها در معرض خطر مرگ ناشی از سرمای خشن یا دشمنان بومی خشن‌تر از سرما، خطر افراط کاری در نوشیدن یا خطر روبه‌رو شدن با خرس‌های وحشی گریزلی قرار داشتند. بزرگترین تفریح آنها در اوقات تابستانی بود که پوست سمور می‌فروختند، به مسابقه اسب‌دوانی، کشتی‌گیری، نوشیدن و پایکوبی کردن تا نیمه‌های شب می‌پرداختند. معروف‌ترین مردان کوهستان، جیم بریجر، جیم بکورث و جددیا اسمیت بودند که از بهترین اکتشاف‌گران و راهنمایان محسوب می‌شدند. آنها پیشاپیش سربازان، مبلغان مذهبی، و ترن‌های قطار حرکت و راه را به آنها نشان می‌دادند. با گسترش تمدن و شهرنشینی، مردان کوهستان همچون قبایل سرخپوست، شکار سمور و زندگی در کوهستان را که باعث تداوم آزادی بدون قید و بند و تنوع زندگی‌شان بود، به کلی رها کردند.



◄ جیم بک ورث (۱۸۶۶-۱۸۰۰)

کوهنورد، جیم بک ورث پیشتاز تجارت خز، جنگ با سرخپوستان، پست‌چی و راهنمای ترن‌های قطار و سواره نظام بود. بک ورث از پدری سفیدپوست و مادری سیاه پوست به دنیا آمد. او معروف‌ترین پیشاهنگ آمریکایی - آفریقایی در غرب وحشی بود و اکثراً در پیشاپیش نیروهای مهاجم سفیدپوست و بر علیه سرخپوستان حرکت می‌کرد.



شاخ باروت ◄

شاخ‌های توخالی برای ذخیره باروت وسیله‌های بسیار مناسب و خوبی بودند که کوهنوردان توسط یک نوار آن را از شانه خود آویزان کرده به راه خود ادامه می‌دادند.



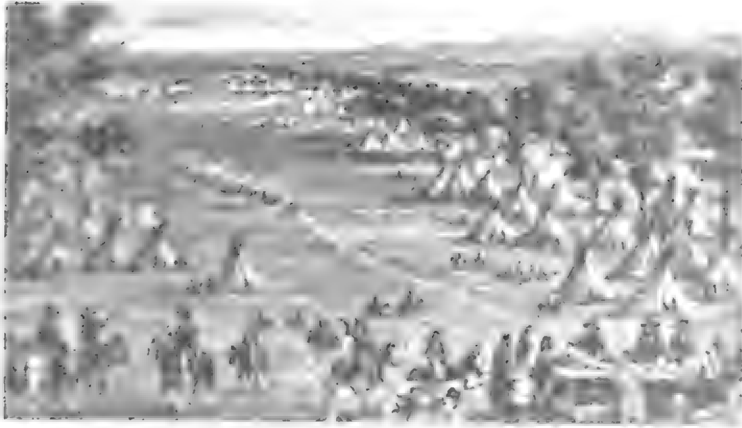
در آب‌های غربی ▲

از سال ۱۶۵۸ تا ۱۶۷۱، کاشفی بنام پیر رادیسون (۱۷۱۰-۱۶۳۶) به دنبال آبراهی به سوی اقیانوس آرام می‌گشت.
رادیسون هنگام راهنمایی گروه‌های اکتشافی به سوی ناحیه ویسکانسین
و ناحیه بالایی دره می‌سی‌سی‌پی، هیچ راهی به سوی اقیانوس آرام نیافت. اما به جای آن باعث شد پای تاجران خز که به دنبال وی آمده بودند، بدین منطقه باز شود.



ره‌یاب‌های مرزی ▲

تاجر خز و اکتشاف‌گری به نام جددیا اسمیت (۱۸۳۱-۱۷۹۹) از جنگ‌های با سرخپوستان جان سالم به در برد، اما بر اثر تشنگی در زمان کاوش در صحرای موهیو کالیفرنیا تقریباً به مرگ نزدیک شد و کم مانده بود طعمه خرس گریزلی شود. اسمیت قبل از کشته شدن در جنگ با کومانچوها در جنوب غربی، راه‌های مهم قطار به سوی اورگون و کالیفرنیا را کشف کرد و اولین کاشفی است که در سال ۱۸۲۸ کل منطقه ردوود در شمال کالیفرنیا را مورد کاوش دقیق قرار داد. این منطقه هم اکنون به پارک ردوود مشهور است و بزرگترین درختان موجود در کره زمینی را در خود جای داده است.



اجتماع مسالمت آمیز ▲
هر تابستان، شکارچیان، تاجران و سرخپوستان در اجتماعی همچون اجتماع تصویر بالا در نزدیکی رودخانه پلات گرد هم می‌آمدند. در آن‌جا آنها در مقابل خز کالاهایی را مبادله می‌کردند و با مسابقه اسب‌دوانی، میهمانی و نوشیدن جشن می‌گرفتند، سپس کوه‌پیمایان به تله‌گذاری برای شکار حیوانات خزدار باز می‌گشتند که اغلب با شکست مواجه می‌شد.

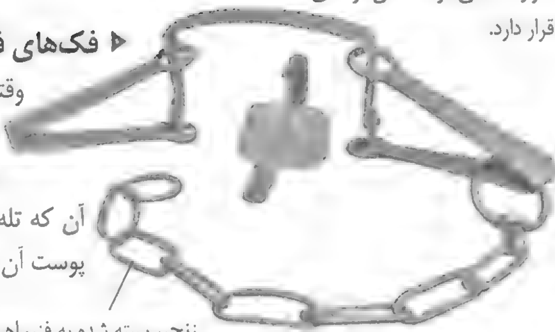


شکارچیان و تله‌گذاران ◄
مهمترین جانوری که خز خوبی داشت، سگ آبی بود که از خز نرم آن برای ساختن کلاه در آمریکا و اروپا استفاده می‌شد؛ از سال ۱۸۰۰ تا ۱۸۵۰، حدود ۵۰۰۰۰۰ سگ آبی در هر سال به همین دلیل توسط تله‌گذاران و شکارچیان کشته شدند.



► کالاهای تجاری ارزشمند
تاجران خز ابزار ساخته شده مانند این تبر متعلق به پیش از سال ۱۸۵۰ را در ازای خز و شاخ بوفالو به مردم بومی می‌دادند. اگر یک تاجر قصد انجام تجارت و زنده ماندن را داشت باید با قبایل سرخ پوست طرح دوستی می‌ریخت.

► چاقوی شکارچی
کوه‌پیمایان چاقوهای قصابی بزرگی را برای پاک کردن گوشت شکار و قطع زوائد پوست خز با خود حمل می‌کردند.



فک‌های فولادی

وقتی سگ آبی به این تله پا قدم می‌گذاشت، فک‌های تله ناگهان بسته و حیوان را اسیر می کرد. تا آن که تله‌گذار سر رسیده حیوان را کشته و پوست آن را بکند.

کلاه تله‌گذاران به نام اتوراسکین

تله‌گذاران و پیشاهنگان سفیدپوست و کوهنوردان از کلاه‌ها و لباس‌های مردم بومی مانند کلاه اتوراسکین استفاده می‌کردند که کوهنوردان به تن می‌کردند.





معروف‌ترین کوه‌پیما

بسیاری از کاشفان، نویسندگان و نظامیان، جیم بریجر (۱۸۸۱-۱۸۰۴) را به خاطر موفقیت‌هایش در تله‌گذاری، راهنمایی واگن‌ها و کشف راه‌هایی جدید ستایش می‌کنند؛ بریجر به بزرگ‌ترین کوه‌پیمای آن عصر معروف است. او حافظه‌ای فوق العاده در بخاطر سپردن علائم طبیعی نوع گیاهان هر منطقه داشت و توانست طول ۵۰۰۰ کیلومتری رودخانه می سی سی پی را با قایق بپیماید. جیم بریجر در سال ۱۸۵۹ مسئول ادارهٔ هدایت مهاجران به کالیفرنیا شد.

زندگی روی رودخانه

پیش از ساخته شدن راه آهن، رودخانه‌ها مهم‌ترین بزرگراه‌ها برای رسیدن به نقاط دوردست غرب بودند. می‌سی‌سی‌پی بزرگترین رودخانه غرب در ایالت میسوری جریان دارد که دشت‌های عظیم و کوه‌های راکی را سیراب می‌سازد. رودخانه‌های اسنیک و کلمبیا در شمال غربی جریان دارند و رودخانه‌های کلرادو، آرکانزاس، و ریوگرانده آبراه‌های مهم جنوب غربی هستند. کاشفان اولیه سوار بر قایق‌های سریع و بعداً لنج‌های تقریباً بزرگ در این رودخانه‌ها به حمل و نقل مسافر، خز و کالاهای تجاری می‌پرداختند. در میانه سده نوزدهم، رودخانه‌های غربی مملو از کشتی‌های بخار دارای توربین شده بود که مواد معدنی مثل زغال سنگ، آهن، یا غلات، دام و میوه را جابجا می‌کردند. کشتی‌های بخار مسافری زیبا، سلطان کشتی‌های دیگر بودند. در آنها کابین‌های مجلل و سالن‌های زیبای ناهارخوری و نیز سالن‌های بازی وجود داشت. سرعت این کشتی‌ها نیز معروف بود. بنابراین، بعضی از ناخدایان این کشتی‌ها با سایر کشتی‌ها مسابقه می‌گذاشتند. ولی خطر افزایش فشار بخار ممکن بود به انفجار مخزن بخار و نابودی جان مسافران کشتی منجر شود.

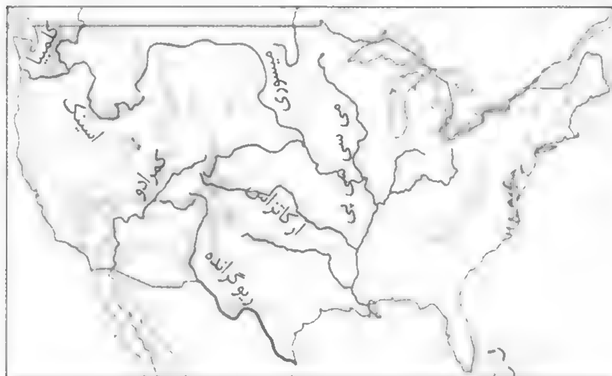


◀ مسابقه برای تجلیل

چاپ سنگی «قهرمانان می‌سی‌سی‌پی» اثر کوریر و آیوز؛ آنها تصویر دو کشتی بخار پرسرعت را ترسیم نمودند که در حال مسابقه دادن روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی هستند. سرعت باعث ستایش و تشویق مردم و مشتریان مغرور می‌شد ولی گاهی کشتی‌های بخار در حال مسابقه به سایر کشتی‌ها برخورد می‌کردند یا دیگ جوشان کشتی با خطر افزایش فشار روبرو و منفجر می‌شد که باعث کشته شدن مسافران، خدمه و غرق شدن کشتی می‌گردید.

تبلیغ برای سفر به غرب وحشی

آگهی‌های تبلیغی زیادی در سال ۱۸۷۰ برای سفر به غرب با کشتی بخار و دلیجان از طریق مینسوتای غربی، داکوتا، مونتانا و راه آهن شمال چاپ و در بین مردم پخش می شد. عبور از ساحل اقیانوس آرام نیز بخشی از مسیر مسافران را تشکیل می‌داد.



رودخانه‌های بزرگ غرب ▲

می‌سی‌سی‌پی و بزرگترین شاخه آن، میسوری، بخش اعظم غرب آمریکا را سیراب می‌سازند. سایر رودخانه‌های بزرگ عبارتند از: ریوگرانده و کلرادو در جنوب غربی و اسنیک و کلمبیا در شمال غربی.



خطر حمله ▲

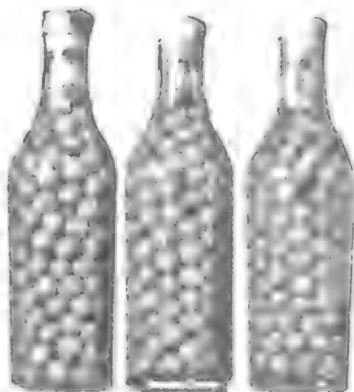
کانوها، قایق‌های پهن و قایق‌های چهارگوش روی رودخانه‌های غربی بیشتر دیده می‌شدند. قایق‌های پهن برای جابجایی کالا ساخته شده بودند و در آب‌های کم‌عمق نیز قادر به حرکت بودند. قایق‌های چهارگوش ملوان‌ها را جابجا می‌کردند و سریع‌تر بودند ولی به آب‌های عمیق نیاز داشتند و همه جا قادر به حرکت نبودند. کانوها سریع بودند، اما قادر به حمل بار خیل زیاد نبودند. گاهی سرخپوست‌ها به قایق‌های پهن تاجران حمله می‌کردند که نمونه‌ای از آن را در تصویر ملاحظه می‌کنید.

به سوی زمین‌های طلایی ▲

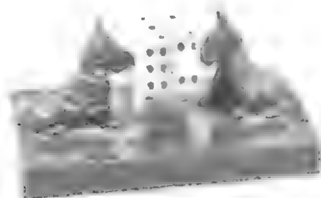
هرکس و هر شرکتی از هر وسیله‌ای استفاده می‌کرد مهاجران جدیدی را به سرزمین‌های تازه کشف شده انتقال داده و از این طریق سودی بدست آورد. در سال ۱۸۵۰، کشتی بخار رودخانه‌ای کالیفرنیا به نام لیندا یک آگهی ترابری برای نقل و انتقال مسافر به شهرهای طلاخیز مریسویل، یوباسیتی، و الیزا چاپ کرده و وعده ثروتمند شدت یک شبه را می داد.

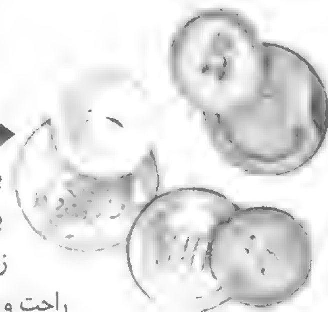


روزباد ▲
این کشتی بخار میسوری، به نام رودخانه روزباد در ایالت داکوتا بدین نام خوانده شده است. کشتی مزبور سربازان و تجهیزات نظامی را برای جنگ‌ها با سرخپوستان در دهه ۱۸۷۰ حمل می‌نمود. تصویر آن در سال ۱۸۷۸ گرفته شد. مسیر معمولی آن بین بیسمارک، داکوتای شمالی و کول بانکز در مونتانا بود که مقصد آن محسوب می‌شد.

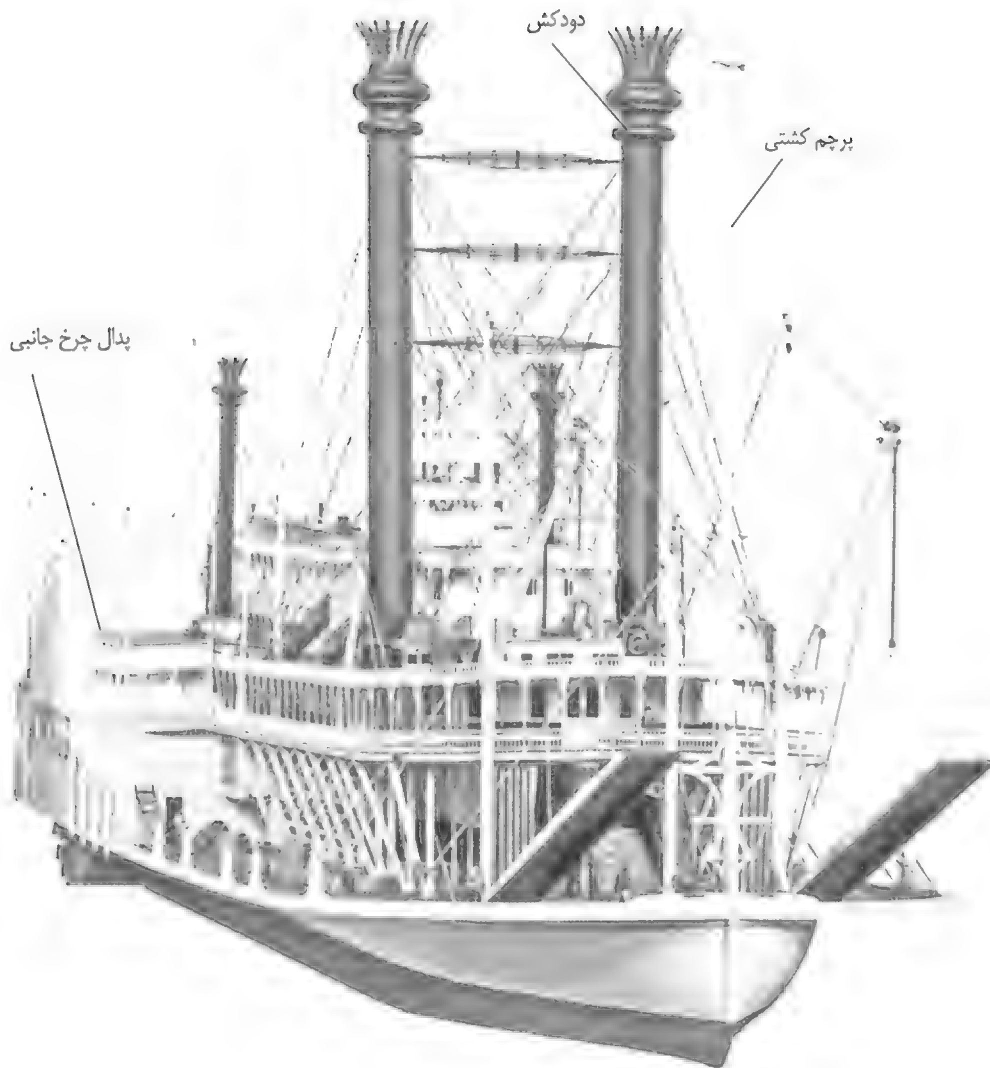


◀ بازیافت ظروف قدیمی
ظرف‌های دارای علامت تجارتی متعلق به کشتی بخار برتراند بودند که از سمت لوئیس به سوی مونتانا از روی رودخانه میسوری در حرکت بود. برتراند به صخره برخورد کرد و در ایووا غرق شد، این ظرف‌ها به مثابه یادبود سفر این کشتی بخار از آب بیرون کشیده شده و نگهداری می‌شوند.





◀ شرط‌بندی در روی کشتی
با استقرار سفیدپوستان در سرزمین‌های جدید و کسب درآمد بیشتر و بهبود اوضاع اقتصادی، بتدریج زندگی تجملاتی گسترش یافت. در آن زمان با راه افتادن کشتی‌های بخار، سفر با کشتی در رودخانه‌ها به سفری راحت و مفرّح و حتی تشریفاتی تبدیل شده بود و کسانی که سرمایه‌ای اندوخته و پولدار شده بودند، با این کشتی‌ها به مسافرت رفته و در سالن‌های مجلل کشتی مسابقات شرط‌بندی راه انداخته و معمولاً عده‌ای با اغوای مسافران معمولی و ناآگاه، پول آنها را به جیب می‌زدند.



کشتی توربین‌دار رودخانه می‌سی‌سی‌پی ▲

این مدل از کشتی بخار با نام جی. ام. وایت دارای دودکش، عرشه مسافران و پدال چرخ‌های جانبی برای حرکت کشتی بود که در بسیاری از رودخانه‌ها به چشم می‌خوردند. ساختمان زیبای جی. ام. وایت بهترین طراحی در بین کشتی‌های مسافربری بود؛ این کشتی یکی از قدرتمندترین کشتی‌های روزگار خود بود. ابتدا، ارزش آن بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ دلار در سال ۱۸۷۰ بود. ولی رشد سریع ساخت راه آهن باعث کسادی بازار آن شد. جی. ام. وایت در سال ۱۸۸۶ در اثر آتش‌سوزی نابود شد.

غرب اسپانیایی

سربازان اسپانیایی در جستجوی شهرهای افسانه‌ای طلا، هزاران مایل در دشت‌های عظیم جنوب غربی مسافرت کردند. اگر چه آنها موفقیتی به دست نیاوردند و به مستعمره خود، مکزیک، بازگشتند، اما کشفیات آنها راه را برای اسکان اسپانیولی‌ها در این منطقه باز کرد. کشیش‌های کاتولیک رم به سرعت گروه‌های مبلّغ خود را به میان قبایل سرخپوست فرستادند که در ابتدا تحت ظلم شدید حکومت های استعماری قرار داشتند. بسیاری از کشیشان حق اساسی مردم بومی برای پرورش دام و کشت محصولات را همه جا اعلام کردند. فرهنگ‌ها و مذهب‌های بومی و اسپانیولی با یکدیگر آمیخته شده و فرهنگ جدیدی به وجود آمد و در نهایت این ترکیب جدید جمعیتی در سال ۱۸۲۱ استقلال خود را از اسپانیا به دست آورد. در این زمان، ساکنان آمریکایی در حال ایجاد مزارع و مکان‌های تجارتی در جنوب غربی بودند که یکی از مراکز تجاری عمده آن سانتافی نام داشت. جنوب غربی و کالیفرنیا از دسترس حکومت مستقر در شهر مکزیکو دور بود و آنها از استقلال زیادی برخوردار بودند. اما استقلال نیم‌بند کافی نبود و در سال ۱۸۳۵ ساکنان ایالت تگزاس دست به دست هم دادند تا جمهوری جدید و کاملاً مستقلی برای خود ایجاد کنند.





◀ بارتولومه دلاس کاساس

کشیش قرن شانزدهمی اهل اسپانیا به نام بارتولومه دلاس کاساس (۱۵۶۶-۱۴۷۴) تلاش سختی برای جلوگیری از تبدیل شدن مردم بومی به برده انجام داد. او از رفتار استعمال‌گران اروپایی با بومیان به شدت ناراضی بود و زندگی مسالمت‌آمیز بین سفیدپوستان و سرخپوستان را سرلوحهٔ فعالیت‌های خود قرار داد. نه تنها استعمال‌گران به بومیان آمریکا رحم نکردند بلکه سیاه‌پوستان را از آفریقا آورده و سخت‌ترین کارا را بر عهده آنها گذاشتند.

شمشیر کانکویستادور ◀

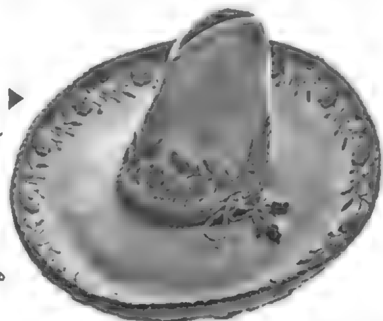
تا سده هیجدهم میلادی، نفوذ اسپانیایی‌ها همچنین گروه‌های اکتشافی و تاجران اسپانیایی در سراسر منطقه وسیعی که بخشی از ساحل جنوب شرقی را شامل می‌شد، گسترده شده بود. این شمشیر تشریفاتی که در جورجیا یافته شده به سبک سلاح‌هایی ساخته شده که کانکویستادورها به کمر می‌بستند؛ سربازان اسپانیایی آن زمان اصطلاح کانکویستادور را که به معنی فاتح بود معمول ساختند.



در جستجوی شهرهای طلایی ▲
در ۱۵۴۰، ژنرال فرانسیسکو دو کرونادو (۱۵۵۴–۱۵۱۰) رهبری گروهی اکتشافی از مکزیک به جنوب غربی را به عهده گرفت. در جستجو برای یافتن هفت شهر طلایی افسانه‌ای، او ۳۰۰ سرباز و مبلّغ مذهبی و ۸۰۰ سرخپوست را با خود همراه کرد. دو سال بعد، او هیچ طلایی پیدا نکرد اما اکتشافات او باعث شد مکزیک مدعی مالکیت این منطقه گردد.

مأموریت اولیه ◄
بعد از فعالیت‌های تبلیغ مذهبی در سده هفدهم، سازمان تبلیغات مذهبی سنت آنتونیوریور در تگزاس در قرن بعدی پایه‌گذاری گردید. این سازمان در نزدیکی جامعه سرخپوستان ایجاد شد زیرا هدف آن بود تا عقاید مسیحی کاتولیک رم به آنها آموخته شود. سازمان تبلیغات مذهبی نمونه‌ای قدیمی از روش‌های استعماری اسپانیولی‌ها برای تسلط بیشتر در مستعمرات جدید بود.





► سایه خوش
کلاه‌های نمدی لبه برگشته مکزیکی‌ها، سومبررو نام دارد که از واژه اسپانیولی سومبرا به معنی سایه گرفته شده است. این کلاه‌ها با گلدوزی زیبای دور تا دورشان دارای تاج بلندی معروف به نیشکر هستند، زیرا تاج کلاه همچون ساقه نیشکر به نظر می‌رسد.

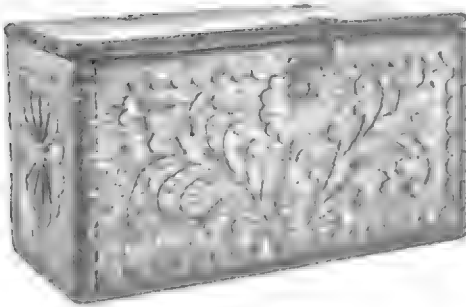
زندگی در غرب اسپانیولی

فرهنگ مردمان دنیای جدید، تلفیقی از فرهنگ اسپانیا و فرهنگ باستانی بومیان بود که در جنوب غربی و کالیفرنیا گسترش یافت. کالاها، ابزار دستی، غذا، لباس، ابزارآلات و کشاورزی، همگی ترکیب فرهنگ‌های اسپانیایی و بومی را نشان می‌دادند. دین کاتولیک رم نیز گسترش یافت و به یکی از پایه‌های زندگی روزمره تبدیل شد. یکی از بزرگترین کمک‌های اسپانیا به غرب رواج اسب بود که به سرعت بسیاری از قبایل بومی استفاده از آن را شروع کردند.



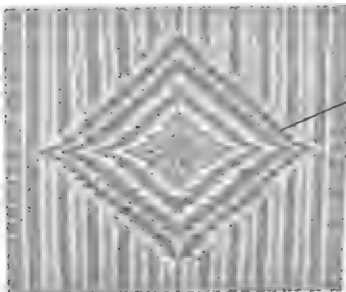
◀ غرور هاشیندا
عشق مکزیکی‌ها به اسب‌های خوب در این کارگاه نعل‌بندی و زین بندی روی کوهی خارج از ایالت‌ها شیندا دیده می‌شود.

جعبه نیومکزیکو ▶
کنده‌کاری گل سرخ و انار زینت‌بخش این صندوق شش طبقه‌ای چوبی است که حدود سال ۱۸۰۰ در نیومکزیکوی شمالی ساخته شده است. از این صندوق برای نگاهداری بافتنی‌ها، لباس، ابزار و اشیاء ارزشمند استفاده می‌شده است. ساکنان اسپانیولی بعد از سال ۱۶۹۵ به نیومکزیکو نقل مکان کردند و در نهرهای فرعی رودخانه ریوگرانده سان گردیدند.





◀ پرچم مکزیکو
پرچم مکزیک در ۱۸۲۳ بعد از اعلام استقلال از اسپانیا به وجود آمد. رنگ سبز نشانه امید و باروری است، رنگ سفید به معنی خلوص است و قرمز نماد خون میهن‌پرستان است. علائم دیگر، عقاب، بلوط و برگ بو هستند.



الگویی ترکیبی از سبک اسپانیولی و بومی

شنل پشمی که در آمریکای اسپانیا به عنوان کت پوشیده می‌شد.

سرباز با ژاکت چرمی ◄

سربازان مکزیکی، که ژاکت‌های چرمی ضخیم به نام کیوراس به تن می‌کردند به سولدادا دو کوئرا معروف بودند که به معنی «سرباز ژاکت چرمی» می‌باشد. این سربازان که سوارکاران ماهری بودند در سراسر جنوب غربی و کالیفرنیا مستقر شده بودند.

لاکوئرا

لاس بوتاس (ساق پیچ چرمی)

گاری‌های محکم گاو ▼

گاو اهلی در اکثر بخش‌های جنوب غربی اسپانیولی محبوب‌ترین حیوان محسوب می‌شد و این گاری‌های چرخ چوبی، رایج‌ترین وسیله مورد استفاده بود. گاری به دو گاو نیاز داشت؛ راننده با شلاق یا نشان دادن راه به گاوها، در کنار گاری حرکت می‌کرد.

نرده‌های چوبی

چرخ چوبی محکم

تیرک راندن

عزاداری ◄

مذهب کاتولیک رم، تقریباً به بخشی از زندگی روزمره مردم، در جنوب غربی تبدیل شد. همراه با کشیش و پسران محراب در وسط، دسته تشییع جنازه به آرامی در خیابان‌های سن آنتونیو در اوایل قرن نوزدهم حرکت می‌کرد.

نبرد بر سر جنوب غربی

در اوایل ۱۸۲۰، آمریکایی‌ها در حال اسکان در تگزاس بودند که متعلق به مکزیک بود و تا سال ۱۸۳۵ تعداد آنها به ۲۵۰۰۰ نفر رسید. آمریکایی‌ها و بسیاری از سکنه اسپانیایی زبان تگزاس، خواهان استقلال از مکزیک بودند. آنها متحد شدند و خود را «تگزاسی» نامیده در برابر حکومت مکزیک مقاومت ورزیدند. در سال ۱۸۳۵ جنگی درگرفت و ژنرال سانتا آنا مکزیکی در نخستین جنگ‌ها پیروز شد. در سال ۱۸۳۶ ارتش او مدافعان قلعه یک هیأت مبلّغ مذهبی در سن آنتونیو را قتل عام کرد که به آلامو معروف بود. در بین کشته‌شدگان جسد یکی از جدایی طلبان به نام داوی کروکت و قهرمان تگزاسی، جیمز بووی به چشم می‌خورد. اما خیلی زود، تگزاسی‌ها به رهبری استفان اف. اوستن و سم هوستن (نخستین رئیس جمهور این کشور جدید) ژنرال سانتا آنا را شکست دادند. تگزاس در سال ۱۸۴۵ به ایالات متحده پیوست ولی مکزیک مخالف این کار بود و بنابراین میان آمریکا و مکزیک جنگ در گرفت. پس از یک سال و نیم جنگ، آمریکایی‌ها پیروز شدند و موفق به تسخیر سرزمین وسیعی شدند که ساحل طولانی با اقیانوس آرام داشت.



سم هوستن (۱۸۶۳-۱۷۹۳) ◄

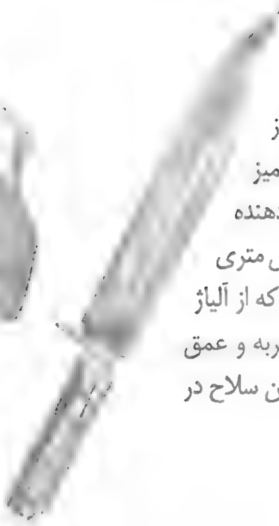
حقوق‌دان و سرباز پیشین، هوستن قبل از نقل مکان به مکزیک در دهه ۱۸۳۰، نماینده کنگره از ایالت تنسی آمریکا بود. در دوران شورش علیه مکزیک او فرمانده کل ارتش تگزاس بود. در سال ۱۸۳۶، هوستن به سمت نخستین رئیس جمهور جمهوری تگزاس برگزیده شد.



◄ ماشین پنبه پاک کنی

ماشین پنبه پاک کنی در سال ۱۷۹۳ برای جداسازی دانه از الیاف اختراع شد و باعث گردید تولید پنبه به شدت سودآور شود. تا اواخر دهه ۱۸۲۰، کشت‌کاران شرق تگزاس از نیروی کار بردگان سیاهپوست برای برداشت محصول پنبه استفاده می‌کردند. این در حالی بود که دولت مکزیک برده‌داری را ممنوع اعلام کرده بود.





خنجر مخصوص ▲

این خنجر توسط یکی از ماجراجویان تگزاسی به نام جمیز بووی ساخته شده و نشان‌دهنده خشن بودن او بود. تیغهٔ ۴۰ سانتی‌متری و دسته مخصوص و عاج‌دار آن که از آلیاژ برنج بود باعث می‌شد شدت ضربه و عمق جراحت بیشتر شود. استفاده از این سلاح در میان تگزاسی‌ها عادی بود.

پرچم تک‌ستاره ▲

جمهوری تگزاس این پرچم را در سال ۱۸۳۹ برای خود برگزید که در میان مردم به «پرچم تک‌ستاره» معروف بود.



◀ داوی کروکت (۱۸۳۶-۱۷۸۶)

کروکت در تنسی به دنیا آمد و به سیاستمداری ایالتی تبدیل شد. سپس به نمایندگی کنگره آمریکا انتخاب شد. وی در انتخاب مجدد شکست خورد و به تگزاس رفت و در ۱۸۳۶ در نبرد آلامو کشته شد. داستان‌های بلند بسیاری درباره کروکت گفته شده است که باعث شد وی پس از مرگ به قهرمان مردمی تبدیل شود.

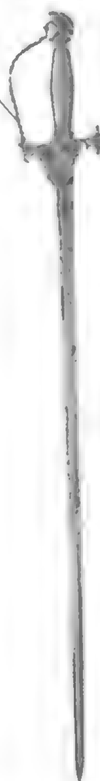
آلامو ▼

در سال ۱۸۳۶، این هیأت مبلّغ مذهبی در سن آنتونیو قلعه و استحکاماتی برای شورشیان «تگزاسی» به وجود آورد. در ماه مارس ارتش چهار هزار نفری مکزیک به آلامو حمله کرد و ۱۸۷ مدافع آن را از پای درآورد. شعار جنگ «آلامو را به یاد آورید» الهام‌بخش تگزاسی‌ها در کسب استقلال از مکزیک در سال بعد گردید.



◄ ورود به مکزیکوسیتی

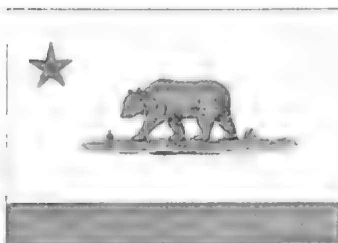
نیروهای آمریکایی به فرماندهی ژنرال وینفیلد اسکات در سپتامبر ۱۸۴۷ پیروزمندانه در میدان مرکزی مکزیکوسیتی رژه رفتند. این نخستین بار بود که ایالات متحده پرچم خود را در پایتخت کشوری خارجی بر می‌افراشت. بر اساس پیمان گوادولوپ هیدالگو در فوریه ۱۸۴۸ مکزیک مجبور شد جنوب غربی و کالیفرنیا را به ایالات متحده آمریکا واگذار کند.





نبرد پیش از جنگ ▲

ژنرال زاخاری تیلور نیروهای مکزیک را در پالو آلتو، تگزاس، در ۸ مه ۱۸۴۶ شکست داد. این نبرد قبل از اعلان جنگ بین آمریکا و مکزیک روی داد. تیلور در بوئنا ویستا، مکزیک، فوریه ۱۸۴۷، به پیروزی قاطعی دست یافت.



پرچم خرس جمهوری کالیفرنیا

به افتخار پیروزی ▲

این شمشیر با غلاف از طرف مردم لوئیزیانا به ژنرال وینفیلد اسکات به افتخار خدماتش طی جنگ مکزیک و آمریکا اهدا شد. اسکات فرمانده ارتش آمریکا بود و با موفقیت حمله سال ۱۸۴۷ به مکزیک را رهبری کرده بود.



تسخیر کالیفرنیا ▲

ماجراجویان آمریکایی که به تسخیر کالیفرنیا توسط نیروهای آمریکا کمک کردند، نماد استقلال جمهوری یعنی پرچم خرس را با خود حمل می‌کردند. فرمانده این ماجراجویان شخصی بنام سرهنگ جان سی فرمونت بود. او قبلاً رئیس گروهی بود که از اراضی اورگون نقشه برداری می کردند. ارتش آمریکا نه فقط با ارتش مکزیک جنگید، بلکه با داوطلبان کالیفرنیایی که جنگ چریکی کوچکی علیه آمریکایی‌ها به راه انداخته بودند نیز وارد نبرد شد.

◀ چریک‌های کالیفرنیا

در ژوئن ۱۸۴۶، آمریکایی‌هایی که در ایالت کالیفرنیای مکزیک زندگی می‌کردند بر علیه دولت مکزیک شورش کردند و سربازان آمریکایی به کمک آنها آمدند. اگرچه نیروهای دولت مکزیک شکست خوردند، اما تا مدتها نیروهای داوطلب مکزیکی شجاعانه در برابر مهاجمان آمریکایی مقاومت کردند. تا اینکه در ژانویه ۱۸۴۷ داوطلبان نیز مجبور به تسلیم شدند.



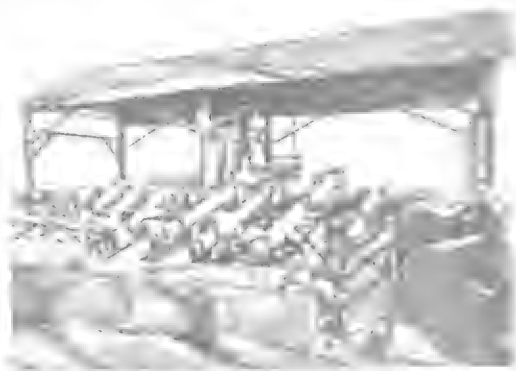


فرمونت وارد مونتری می‌شود ◀

بالاخره در ژوئیه ۱۸۴۶، سرهنگ جان سی فرمونت به همراه ۱۶۰ نفر از نیروهای نظامی آمریکایی و به شهر مونتری در کالیفرنیا حمله کرد و به نیروهای آمریکایی داخل شهر پیوست که تازه موفق به اشغال شهر شده بودند و این چنین کالیفرنیا به تسلط آمریکا در آمد.

معدن‌چیان و جویندگان طلا

وقتی در سال ۱۸۴۸ در ساترس میل در حوالی کوه‌های سیرا در نوادای کالیفرنیا طلا کشف شد، اخبار آن به سرعت در همه جا گسترش یافت. «تب طلا» بسیاری از آمریکاییان را هیجان‌زده کرد و در عرض یک سال هزاران خیال‌پرداز و فرصت‌طلب به سوی ساحل غربی هجوم آوردند. بسیاری از راه خشکی و بسیاری دیگر از طریق کشتی روانه شدند. جویندگان اولیه به چهل و نه تایی‌های معروف بودند، که در سال ۱۸۴۹ وارد شدند ولی در عرض ده سال بعد ۲۶۰۰۰۰ جوینده دیگر از چندین کشور از جمله چین، پرو و استرالیا بدین منطقه سرازیر شدند. سال به سال، شرکت‌های جدید، معدن چیانی را از غرب، از جمله آریزونا به داکوتا برای یافتن طلا گسیل می‌داشتند. بعضی از جویندگان، طلا را به صورت تکه تکه، یا در خاک می‌یافتند و برخی دیگر به نقره می‌رسیدند. اما بسیاری دیگر از پیدا کردن طلا مأیوس شده و شکست می‌خوردند و کنار می‌رفتند. این گرگ‌های تنها، به سرعت جای خود را به مردان اجیر شده‌ای دادند که در تونل‌های تاریک و عمیقی مثل کامستاک نوادا به دنبال طلا می‌گشتند. اگرچه رویای یک شبه ثروتمند شدن گاهی درست از آب در می‌آمد ولی بسیاری از تازه واردها وقتی از پیدا کردن طلا نا امید شدند به ایجاد خانواده و ساختن منزل در این منطقه اقدام کرده و بعد از فروکش کردن تب طلا، مدت‌ها در آنجا ساکن شدند.



◀ هجوم از این جا آغاز شد

در سال ۱۸۴۸ ، اخبار تکان‌دهنده‌ای مبنی بر این که در ساترس‌میل کنار ساحل رودخانه آمریکا طلا کشف شده است، در دنیا پراکنده شد و باعث گردید هزاران معدن‌چی و جویندگان طلا به کالیفرنیا و غرب سرازیر شوند.



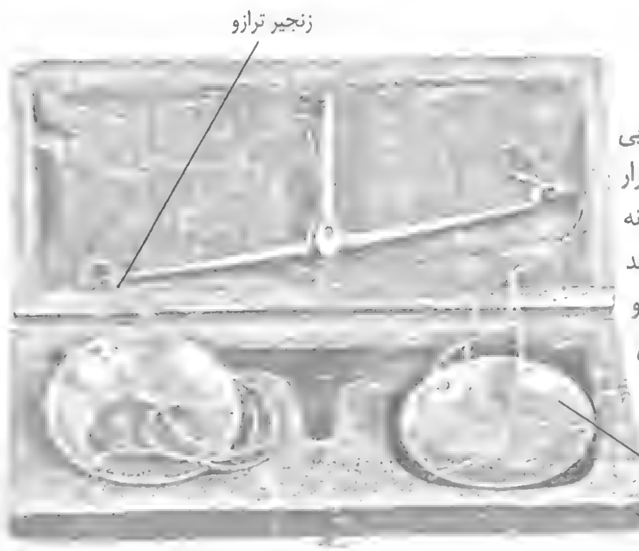
چگونه به آن‌جا برسیم ◀

کتاب‌های «راهنمای غرب» بعد از سال ۱۸۵۰ بسیار محبوب و رایج شدند. زیرا جویندگان طلا تشنه این گونه اطلاعات برای رسیدن به کالیفرنیا بودند.



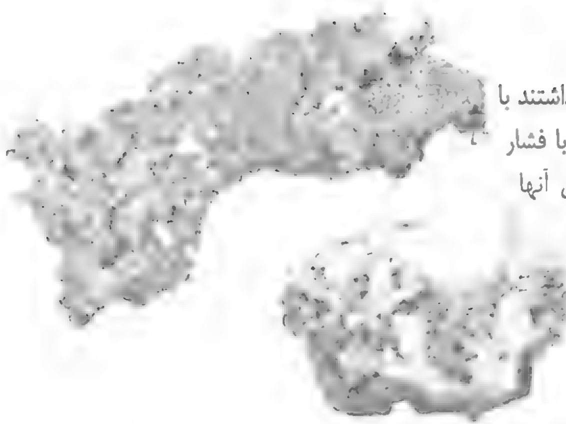
شستشوی گل و لای نهرها ▲

چهل و نه تایی‌ها در کوه‌های سیرا نوادای کالیفرنیا گل بستر رودخانه را در یک کانال چوبی می‌ریختند و سپس با کمک جریان آب گل و لای سبک‌تر را می‌شستند و طلا که سنگین‌تر بود در ظرف باقی می‌ماند.



وزن آن به طلا ◄

نتیجهٔ کار جویندگان، هر روز با ترازوهایی که در یک صندوقچه مخصوص قرار داشت؛ اندازه‌گیری می‌شد یک وزنه مشخص در یک طرف قرار داده می‌شد و در طرف دیگر طلا ریخته می‌شد تا دو کفه هم وزن شوند، به این ترتیب وزن طلا مشخص می‌گردید.



طلا در تپه‌ها ◄

رگه‌های طلا که در صخره‌های محکم وجود داشتند با بیل و کلنگ خرد می‌شدند سپس معدن‌چیان با فشار زیاد روی آنها آب می‌پاشیدند تا ذخایر طلای آنها آشکار شود.

رگه های معدن در زیر پای آنها ▼

مردان در ایالت های مختلف در زمین‌های طلاخیز کار می‌کردند. در سال ۱۸۵۲، در اوبرن راوین کالیفرنیا، این آمریکایی‌ها و چینی‌ها کانالی روی سواحل ماسه‌ای رودخانه ای به نام پلاسر بنا کردندکه به معنی مکان‌هایی پرسود برای دستیابی به گِل و کلوخ دارای طلا می‌باشد.



دروغی به بزرگی فیل ◄



اگر کسی ادعا می‌کرد فیلی را در یک سیرک دیده، مردم براحتی باور نمی‌کردند مگر اینکه به چشم خود دیده باشند. اما اگر یکی از آن چهل و نه تایی‌ها ادعا می‌کرد که فیلی را در خیابان دیده، همه باور می‌کردند. جویندگان طلا این موضوع را در سال ۱۸۵۳ به تصویر کشیدند و این نشان دهنده تب طلا در مهاجران و وجود شایعان فراوان در مورد معادن طلا بود.



◀ کند و کاو برای نقره

شرکت‌های معدن‌کاوی چاه‌های عمیقی مانند تونل حفر می‌کردند؛ نمونه آن‌را در تصویر معدن نقره شهر ویرجینیا، نوادا، مشاهده می‌کنید که دارای تونل‌های هم عرض می‌باشد. در قسمت پایین، تصویر پالایشگاه‌هایی را می‌بینید که نقره را از خاک و سنگ جدا می‌سازند.



سرد، خیس و کُند ◀

حدود سال ۱۸۷۸، معدن‌چیان سرزمین داکوتا، گل و لای اطراف تاوه‌های خود را با زحمت فراوان می‌شستند تا به طلا که از گل و لای سنگین‌تر بود و ته ظرف می‌ماند، برسند. شستشوی طلا مستلزم بدن قوی و شکیبایی فراوان بود. زیرا آب نهر سرد، و این عمل بسیار وقت گیر بود.

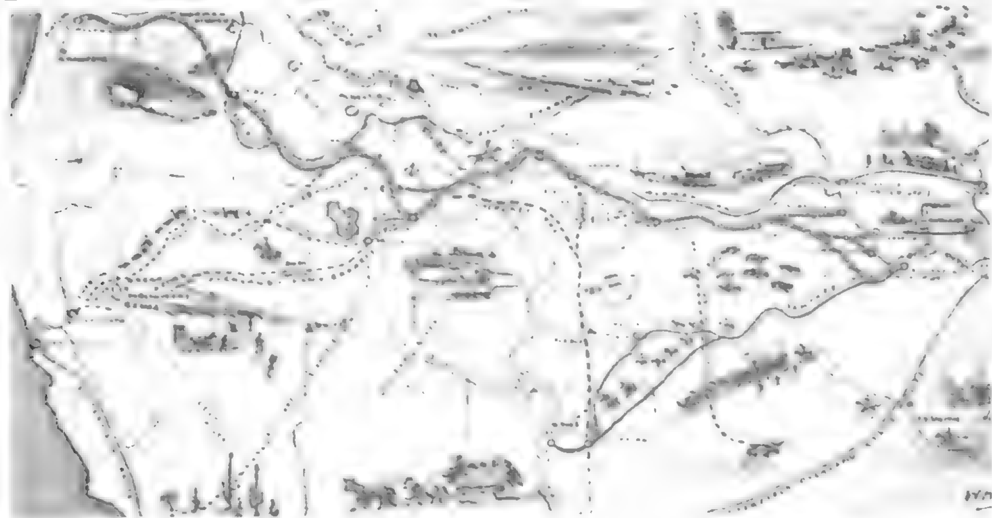


◀ لامپ معدن‌چی

چراغ‌های آهنی یا برنجی، چاله‌های معدن‌چیان را روشن می‌کرد. آنها این چراغ‌ها را از افراد کنار تپه‌ها قرض می‌گرفتند؛ بعضی از چراغ‌ها با روغن نهنگ کار می‌کردند و بعضی مثل نمونه در تصویر با شمع نورافشانی می‌کردند.

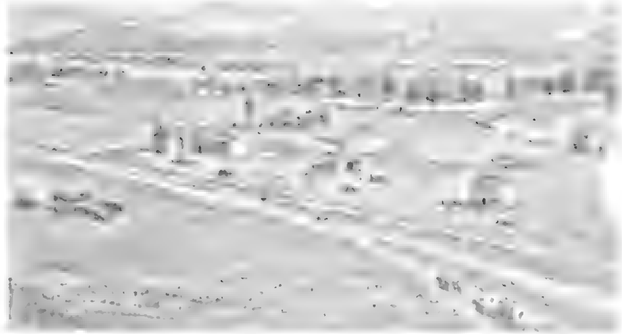
جابجایی در غرب

در اواسط سده نوزدهم، اکثر مسافران در خشکی، فقط می‌توانستند با سرعت یک گاری متصل به اسب یا یک گاو حرکت کنند. نزدیک به یک سال برای رسیدن به نقاط دوردست غرب طول می کشید و موفقیت در این راه مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و تجهیزات مناسب بود. بسیاری از مسافران در طی راه از پای در می‌آمدند و بسیاری در سرزمینی که برای اسکان مناسب تشخیص می‌دادند، از ادامه سفر منحرف می‌شدند. و همان‌جا خانه و کاشانه‌ای برای خود می‌ساختند. هیچ مسیر و راه مشخصی وجود نداشت هرکس از هر کجا که می‌خواست می‌رفت و ردی از چرخ گاری باقی نمی‌ماند. در اواخر دهه ۱۸۴۰ ، نوید آزادی مذهبی الهام‌بخش هزاران مورمون برای اسکان در دره دورافتاده‌ای در یوتا به نام دره دریاچه نمک بود. فرصت رسیدن به سرزمینی آزاد باعث شد که عده‌ای دیگر گذرگاه‌های کوهستانی به اورگون و مجراهای خشک و بی‌آب و علف را به مقصد کالیفرنیا پشت سر بگذارند. مسافران با انگیزه‌های مختلفی به راه می‌افتادند و عده‌ای به طمع دستیابی به ثروت یک شبهٔ طلا یا نقره و عده‌ای دیگر به دنبال سرزمین‌های جدید برای کشت و زرع و تجارت سفر می‌کردند. بیشتر آنها آمده بودند تا روی زمین کار کنند و خانه بسازند و هرگز قصد ترک دوباره آن جا را نداشتند.



راه‌های فراوان به سوی غرب ▲

سفر در غرب معمولاً از میسوری آغاز می‌شد و بسیاری از گاری‌سواران از یک مسیر مرکزی دارای چند راه فرعی می‌گذشتند. مسیر ۲۴۰۰ مایلی اورگون از ایندیپندنس، میسوری شروع و به شهر اورگون در منطقه اورگون می‌رسید. سایر مسیرها به سوی جنوب غربی رفته و به کالیفرنیا یا از سوی جنوب به یوتا می‌رسیدند. مسیرهای مورد استفاده دلیجان‌ها، گاری‌ها، کاروان‌ها، تاجران و گاوچران‌ها روی این نقشه به نمایش درآمده است.



درگیری در مسی اورگون ▲

هزاران مهاجر هنگام عبور از جاده اورگون در محل اقامت هیأت مبلغ مذهبی نارسیسا و دکتر مارکوس ویتمن در حوالی والا والا، واشینگتن، توقف می‌کردند. مردم بومی بشدت از این هیات مذهبی خشمگین بودند و ویتمن را متهم می‌کردند که بیشتر نگران حال سفیدپوست‌ها و نه سرخپوستان است. در سال ۱۸۴۷، این هیأت مبلغ مورد حمله قرار گرفت و ویتمن به قتل رسید.

راهنمای مهاجران ▲

مسافران در مسیرهای زمینی به کتابچه‌های راهنما حاوی روش‌هایی برای گذر از منطقه به وسیله گاری و تجهیزات و تدارکات مورد نیاز و چیزهایی که مناسب منطقه بود، احتیاج داشتند. در این کتابچه‌ها معمولاً سعی می‌شد مقصد را آنچنان توصیف کنند که مسلماً مسافران از سکونت در آنها رضایت خاطر خواهند داشت.



جوزف اسمیت (۱۸۴۴-۱۸۰۵) ◄

جوزف اسمیت، بومی ورمونت، بنیانگذار کلیسای عیسی مسیح قدیسیان روز آخرت، الهام‌بخش هزاران مورمون برای سفر به غرب و انجام مناسک مذهبی در صلح و آرامش بود. در سال ۱۸۴۴، وی توسط دسته‌ای ضد مورمون در ایلینویز به قتل رسید و جانشین او، ورمونتر بریگام یانگ رهبری مورمون‌های یوتا را به دست گرفت.

صخره دودکشی ▼

علائم موجود در جاده دراز منتهی به غرب به مسافران یادآور می‌شد که در چه محلی هستند. یکی از شناخته شده‌ترین این علائم صخره دودکشی بود که در منطقه رودخانه پلات در بنر اسکا قرار دارد و از مایل‌ها دورتر دیده می‌شود.



مسیر مورمون‌ها

یکی از بزرگ‌ترین گروه‌هایی که به غرب مهاجرت نمود، یک فرقه مذهبی مسیحی معروف به کلیسای عیسی مسیح قدیسان روز آخرت – مورمون – بود. مورمون‌ها به دلیل عقایدشان تحت تعقیب بودند بنابراین گروه‌هایی را برای مسافرت به سوی غرب سازماندهی کردند. از میانه دهه ۱۸۴۰ تا اواخر ۱۸۶۰ ، گروه‌های مورمون از مسیری می‌گذشتند که از ناووو، ایلینویز، ساحل شمالی رودخانه پلات آغاز و سرانجام به دریاچه بزرگ نمک در یوتا ختم می‌شد. بعضی به «شرکت‌های گاری دستی» معروف بودند زیرا به جای استفاده از اسب برای کشیدن گاری که توان خرید آن را نداشتند از نیروی بدنی خود برای کشیدن گاری استفاده می‌کردند. یکی از این گروه‌ها تقریباً ۳۰۰۰ عضو و ۶۵۵ گاری دستی در اختیار داشت و بیش از ۱۳۰۰ مایل را برای رسیدن به یوتا پیمود.



◀ شرکت‌های گاری دستی

شرکت‌های گاری دستی متعلق به مورمون‌ها در جستجوی وطنی که بتوانند در صلح و آرامش زندگی و عبادت کنند، سرتاسر غرب را درنوردیدند. بسیاری از مومنان تازه از اروپا به غرب وارد شده بودند؛ آنها در اروپا به این فرقه گرویده بودند. سکونت‌گاه‌های اصلی مورمون – عمدتاً در یوتا – به دلیل ورود مداوم این شرکت‌های جدید استحکام بیشتری یافت.

استراحت درست و حسابی ▼

در حالی که حیوانات اهلی آنها به چرا مشغول بودند، این مهاجران با گاری‌های روپوشیده که به پرایوری شونر معروف بود، در جاده منتهی به یوتا در دهه ۱۸۷۰ مشغول استراحت می‌شوند. این دسته‌ها معمولاً به هنگام ظهر توقف می‌کردند که آفتاب در داغ‌ترین موقعیت خود قرار داشت. آنها فقط ده یا دوازده مایل در روز حرکت می‌کردند تا مطمئن شوند که گروهشان خسته نشده است.

پرایوری شونر

گاری‌های هو!

گاری‌های اسبی بعد از عزیمت از ایندیپندنس، میسوری، تقریباً دو هزار مایل علفزار، دشت‌های خشک، کوهستان، و صحرا و بیابان را باید برای تکمیل سفر خود پشت سر می‌گذاشتند. گاری‌های بزرگ معروف به کانستوگا در سفرهای شرق مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این گاری‌ها از نو طراحی شدند و گاری سبک‌تری به نام «پرایوری شونر» به وجود آمد که بسیاری محکم‌تر و برای سفر در غرب مناسب‌تر بود. بزرگترین مشکلات مهاجران، بدی آب و هوا، خستگی و گرسنگی بود، علاوه بر این، سرخپوستان نیز گاه به گاه، به سرقت دام و حمله به گاری‌چی‌های تنها اقدام می کردند و درگیری‌هایی به وجود می‌آمد.

گاری کانستوگا

حلقه‌هایی که روی آنها یک پارچه برزنتی کشیده شده بود باعث می‌شد این گاری «گاری سرپوشیده» نامیده شود. یکی از اولین این نوع گاری‌ها، کانستوگا بود که نام آن از جماعتی به همین نام در پنسیلوانیا گرفته شده که در اصل این گاری را اختراع کردند. اما، کانستوگاهای عظیم به شش اسب یا گاو نیاز داشتند و قادر بودند چند هزار کیلو بار را حمل کنند، این مقدار بار برای راه‌های گل آلود غرب بسیار زیاد بود.



یوغ گاو

برای کشیدن گاری‌ها، گاو نر قوی به حیوانات دیگر ترجیح داده می‌شد. یک جفت یا تعدادی گاو توسط چارچوبی چوبین به نام یوغ به یکدیگر متصل می‌شدند به گونه‌ای که سر هر حیوان از درون حلقه یوغ رد می‌شد. شخصی با نگه داشتن یک تکه چوب یا شلاق در بالای سر حیوانات در کنار آنها قدم زده و حیوانات را وادار به حرکت می‌کرد.



پرایوری شونر ▼

شونر یک جور قایق موج سواری کوچک است و اصطلاح پرایوری شونر بهترین نام برای گاری‌های مخصوص حرکت در صحرا است. این واگن سبک و بادوام به آرامی در دشت‌ها سیر می‌کرد و پارچه برزنتی آن همانند یک موج حرکت می‌کرد. نیروی محرکه آن معمولاً گاوهای نر بودند. پرایوری شونرها هنگام بارگیری کامل، نزدیک به ۲ تن وزن داشتند. زنده ماندن یک خانواده بستگی به دوام آوردن گاری در هوای خشن و در جاده‌های سنگلاخی بود که ممکن بود باعث شکسته شدن چرخ‌ها و محورهای گاری شود.



حمله ناگهانی ◄



حملات سرخپوستان به کاروان‌ها و مهاجران سفیدپوست همیشه موضوع فیلم‌ها و داستان‌های هیجان‌انگیز غربی بوده است. بعضی از این حملات، بصورت غافل‌گیرانه و پراکنده توسط سرخپوستانی که با سفیدپوست‌ها در جنگ به سر می‌بردند صورت می‌گرفت. سرخپوستان هر موقعی که مناسب می‌دیدند برای دفاع از سرزمین‌شان به سفیدپوستان حمله می‌کردند مثل تصویر مقابل، که هنگام عبور سفیدپوستان از رودخانه مورد حمله سرخپوستان قرار گرفته‌اند.

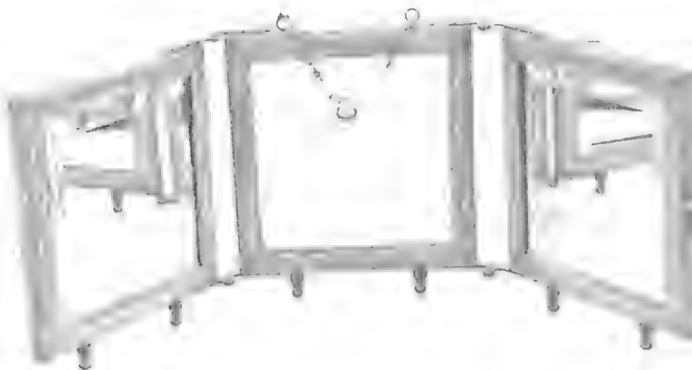


زین برای وسایل

چارچوب‌های چوبی به کمک نوار به پشت حیوان بارکش مثل قاطر و اسب بسته می‌شدند و ابزار مطمئنی برای جابجایی بسته‌ها، کیف‌ها، جعبه‌ها و سبدها بودند. این اسب و قاطرها به کمک دست هدایت می‌شدند و گاهی به پشت گاری بسته می‌شدند یا به دنبال حیوان بارکش، اسب یا راننده گاری به راه می‌افتادند.

بستن بار و بنه سفر

خانواده‌ها ناگزیر بودند تصمیم بگیرند چه چیزی را همراه خود به غرب برده و چه چیزی را بر جا گذارند. غذا، ابزار، وسایل خانه‌داری و مقداری اثاثیه بار گاری می‌شد. آینه‌ها، عروسک‌ها، سازهای موسیقی،یا کتاب ممکن بود تجملی محسوب شوند ولی گاه جایی برای آنها پیدا می‌شد. حتی گاه خانواده‌ها مجبور بودند با مقداری تلاش جایی برای آنها بیابند.



آینه سفری

یک آینه سه وجهی بر روی سطح صاف گاری یا بالای آن قرار داده می‌شد تا استفاده کننده بتواند موقع اصلاح صورت یا شانه‌زدن یا حتی موقع آماده شدن برای جشن ناهار به صورت جمعی و دست از آن استفاده کند.



عروسک سفری

عروسک مورد علاقه بچه‌ها، محموله ارزشمندی محسوب می‌شد و حتی در سفرهای بسیار طولانی در غرب، جایی برای آن در نظر گرفته می‌شد زیرا وقتی به نظر می‌رسید راه خیلی طولانی و بی‌انتها است، موجبات راحتی خانواده را فراهم می‌آورد.



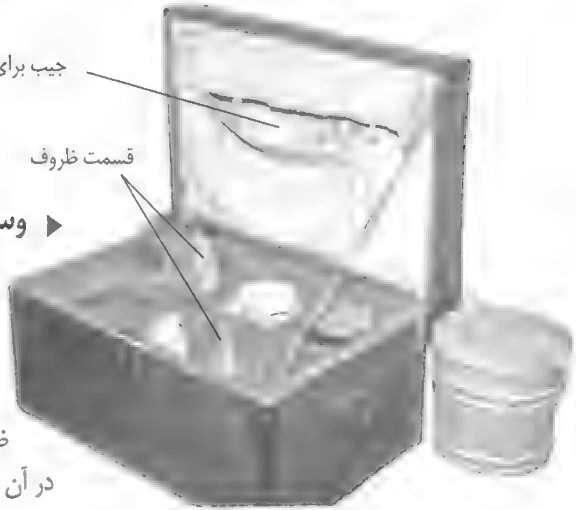
وسایل ضروری

بشکه‌های چوبی یا در گاری‌ها نگاهداری می‌شدند یا از بیرون گاری آویزان می‌گردیدند. در بشکه‌ها آرد، گوشت، نمک، غلات، گوشت، لوبیا، میوه و نان خشک (ویفرهای نانی خشک) نگاهداری می‌شد تا از گزند حشرات، گردوغبار و گرما در امان باشند.

آذوقه کیسه، شده ◄



لازم بود بعضی غذاها، مثل قهوه، چای، شکر، برنج، و نمک در کیسه نگاهداری شوند تا مدت بیشتری ماندگاری داشته باشند. زیرا کیسه باعث خشک ماندن و آسان شدن حمل و نقل این گونه خوردنی‌ها می‌گردید.



◄ وسایل خانه به صورت آماده

هر چیزی که برای پخت و پز لازم بود در یک جعبه آشپزخانه نگاهداری می‌شد ولی غذا در این جعبه قرار داده نمی‌شد. جابجایی جعبه آسان بود و وسایلی مثل کارد، ادویه‌جات، ظروف شیشه‌ای، قابلمه و حتی سفره و دستمال در آن قرار داده می‌شد.

آتش در زمان اطراق ▼

راهنماهای خسته و رانندگان گاری‌ها گاهی در جاده اورگون به دور آتش پخت و پز حلقه می‌زدند و نوازندگان شروع به نواختن آهنگی می‌کردند تا آن که دوستان و بستگان آنها که عقب مانده بودند از راه برسند.

واگذاری زمین‌های دولتی

براساس قانونی که در سال ۱۸۶۲ بنام «قانون ملی» واگذاری زمین، تصویب شد به مهاجرانی که خواهان زندگی حداقل پنج سال روی زمین‌های جدید بودند، ۱۶۰ هکتار زمین رایگان واگذار می‌شد. این ساکنان جدید در سرزمین‌های تقریباً فاقد درخت برای ساختن اولین پناهگاه‌های خود از زباله استفاده می‌کردند به همین دلیل خانه‌های آنها کپر نامیده می‌شد. آجرهای زباله‌ای حدود یک متر طول و چند سانتی متر ضخامت داشت. برای ساختن دیوار، این آجرها روی هم قرار داده می‌شد؛ برای سقف، این آجرها به کمک تیر شیب‌دار کنار هم قرار داده می‌شدند. وسایل خانه‌ای که خانواده‌ها به غرب آورده بود باعث می‌شد یک سرپناه معمولی به خانه تبدیل شود. ساختمان چوبی و مدرن تا زمان شکل‌گیری شهرهای کوچک، که در آنها از الوار و آجر استفاده شود، ممکن نبود. پس از آن که خانواده مزرعه‌ای ایجاد می‌کردند می‌توانستند از عهده ساختن خانه‌ای دارای آشپزخانه، بخاری، پنجره‌های شیشه‌ای و کفپوش چوبی برآیند.

به افتخار واگذاری زمین ◄

این تمبر در سال ۱۸۶۲ به افتخار قانون ملی واگذاری زمین که در سال ۱۸۶۲ تصویب شده بود، طراحی و به چاپ رسید که راه ورود به غرب را به روی بسیاری از آمریکاییان گشود. خانه کپری و خانواده‌ای که تصویر آن روی تمبر آمده بر اساس تصویری قدیمی از یک خانه است که مهاجران بلژیکی در آن‌ها زندگی می‌کردند و تصویر آن خانه‌ها را در صفحات بعد می‌توانید مشاهده کنید.

میسوری آزاد است!

بعداز تصویب قانون واگذاری زمین‌های دولتی، هرکس به هر عنوانی می‌خواست زمینی برای خود بدست آورده و با کشاورزی در آن، وضع اقتصادی خود را بهبود بخشد. شرکت‌ها و موسسات فراوانی برای فروش این زمین بوجود آمدند. آنها با چاپ و پخش آگهی‌های اغوا کننده و گاه گمراه کننده سعی داشتند زمین‌های دور دست را به مردم بفروشند.

در یکی از این آگهی‌ها در سال ۱۸۷۰ نوشته شده بود «میسوری آزاد است» و تداعی آزادی برده‌داری در این ایالت را کرده و مردم را به خواندن ادامه آگهی ترغیب می‌نمود. در حالی که آگهی فقط برای فروش زمین‌هایی به ارزش ۳ تا ۱۰ دلار برای هر هکتار بود.

کنترل این زمین‌ها در اختیار شرکت هاینبال و راه‌آهن سنت جوزف بود. طبق این قانون بخش دیگری از زمین‌ها به صورت خیلی ارزان و تقریباً مجانی به مهاجران واگذار می‌شد. به شرطی که اقدام به کشاورزی و آباد کردن آن می‌کردند. شعار بیشتر روزنامه‌ها برای تشویق مردم به مهاجرت به سرزمین‌های جدید این بود: به غرب بروید و همراه آن رشد کنید.

غرور به خاطر موفقیت ▼

نگاهی دقیق نشان می‌دهد که این خانواده چقدر موفق شده‌اند در جایی خانه بسازند که قبل از آمدنشان فقط باد و علفزار وجود داشت. کپری که خوب ساخته شده است می‌تواند وزن یک گاو در حال چرا را تحمل کند. پنجره‌های بلند، همچون چراغ، اجازه ورود روشنایی روز را به داخل می‌دادند اما کنار آمدن با شرایط دشت و علفزار کار بسیار سختی بود. غذا روی میز است و تعدادی قاطر نیرومند در کناری ایستاده‌اند، و هر نشانه‌ای از خوشبختی در آینده را می‌توان در این خانواده مشاهده کرد.



◄ اداره زمین کانزاس

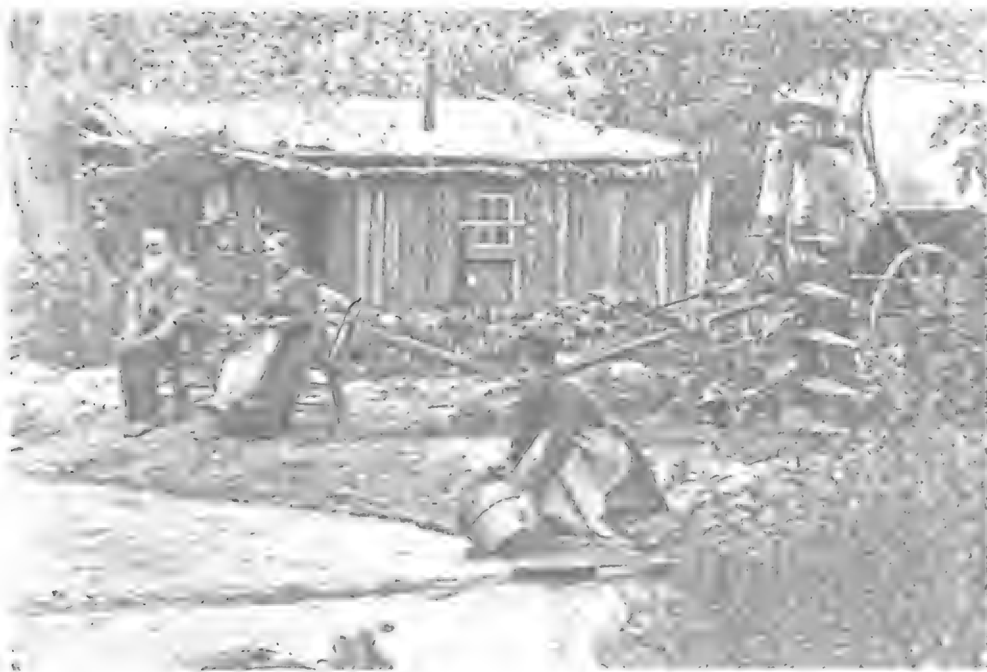
در دهه ۱۸۷۰، دریافت کنندگان بالقوه زمین در مورد مساحت موجود زمین‌های قابل واگذاری، در اداره فروش زمین، واقع در ناحیه ساجویک کانزاس بحث می‌کنند. بعضی ها نقشه روی دیوار را بررسی می‌کنند که قطعات زمین را نشان می‌دهند و مقدار زمینی که در آن زمان هنوز قابل واگذاری بوده است را به یکدیگر نشان می‌دهند.





تکه دوزی ◄

بسیاری از زنان مهاجر به مهارت خود در تکه دوزی افتخار می‌کردند. سال‌ها بعد، هر وصله‌ای دوخته شده یادگاری از رویداد خاصی در زندگی شخصی آن فرد محسوب می‌شد. این وصله دوزی که در کنتاکی دوخته شده توسط خانواده‌ای مهاجر به غرب آورده شد.



در منزل، کنار رودخانه ▲

بخش‌هایی از نبراسکا، مکان‌های بسیار خوبی برای اسکان مردم در میان درخت‌ها و چشمه‌های نزدیک به حساب می‌آمدند. خانواده‌های مهاجری که به آب فراوان و آسیاب نیاز داشتند به دنبال این گونه مکان‌ها می‌گشتند. این خانواده اهل ناحیه ناکس خانه‌ای چوبی در کنار رودخانه نیوبرارا ساخته‌اند.

◀ ابزار نجاری

ابزار نجاری که به دقت انتخاب شده بودند در جعبه ابزاری به غرب آورده می‌شدند. این جعبه ابزار، که در جاده اورگون پیدا شده دارای تبر تیغه بلند، مته دستی، تیشه، رنده، فرو، کلوخ کوب و اره دو تیغه کوچک است که در نجاری و ساخت اثاثیه به کار می‌آیند.

اره دو تیغه کوچک

مته دستی

تیشه

رنده

کلوخ کوب

فرو

نوعی مته

تبر تیغه بلند

زندگی یک خانواده مهاجر

زنده ماندن در مزرعه‌ای دورافتاده نیازمند کار سخت بود. مردان و پسران در مزرعه، چراگاه یا طویله کار می‌کردند ولی زنان و کودکان به آماده کردن غذا، تهیه لباس و نگهداری خانه مشغول می‌شدند. در ابتدا، کالاهای فاسدشدنی تجملی محسوب می‌شدند زیرا اکثر نیازها، از سوپ گرفته تا کره در منزل تهیه می‌شد. در سال ۱۸۷۰، خانواده می‌توانست کاموای بافتنی یا نخ ریسندگی را معمولاً با قیمت ارزان از فروشگاه عمومی خریداری کند. با این حال، گاه جایی برای چرخ ریسندگی در گوشه‌ای از منزل پیدا می‌شد. همین که خانه‌ای امن ساخته می‌شد، گام بعدی همکاری با دیگران در ایجاد جامعه‌ای پایدار و دائمی بود. گشایش مدرسه برای خانواده‌های مهاجر بی‌نهایت اهمیت داشت زیرا آنها عقیده داشتند آموزش بهترین فرصت برای موفقیت آینده فرزندان‌شان است.



قهوه‌ساز ◀

اکثر خوردنی‌ها باید قبل از خوردن، فرآوری می‌شدند. برای مثال، غلات باید آرد یا پرک می‌شد یا دانه‌های قهوه باید در دستگاهی مانند دستگاه مقابل پودر می‌گردید.



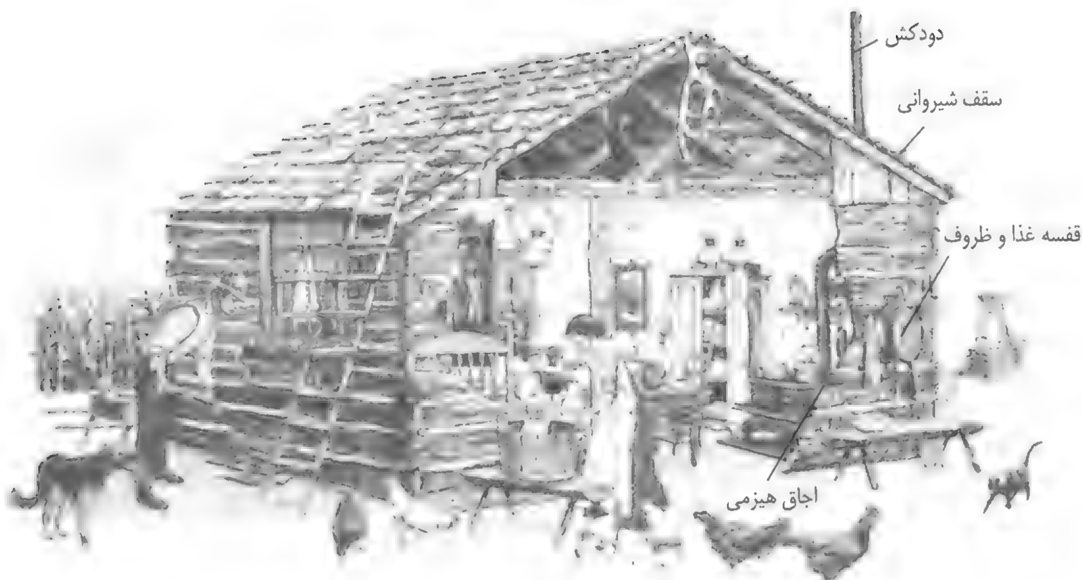
◀ اجاق آشپزخانه

بسیاری از اجاق‌های آهنی هر چند صدها کیلو وزن داشتند، ولی خانواده‌ها به هر زحمتی بود آنها را با خود می‌آوردند. بعضی مجبور می‌شدند از آوردن اجاق صرف‌نظر کنند ولی آنهایی که موفق می‌شدند، اجاق به وسیله اصلی منزل تازه ساخته شده تبدیل می‌گردید.



چراغ نفتی ◀

چراغ‌های شیشه‌ای دودکش مانند به نفت برای روشنایی منزل نیاز داشتند بعضی چراغ‌ها از برنج بعضی از قلع ساخته می‌شدند و بعضی ـ همانند این چراغ که روزی در یک کشتی بخار زیبا مورد استفاده بود – از شیشه تزئینی ساخته می‌شدند.



نمای یک کلبه متعلق به مهاجران ▲

مهاجران جدید غرب به داشتن زندگی راحت و غیرملال‌آور نیاز داشتند. سقف شیروانی و چهار دیوار مربعی شکل آجری که با ملات گل محکم شده بود به معنی خشک و محکم بودن خانه، مقاومت در برابر زمستان‌های خشن و راحتی در تابستان‌های گرم بود. در ابتدا فقط یک کف کثیف در خانه به چشم می‌خورد، ولی به مرور زمان کف‌پوش چوبی و دیوارهای تیغه‌ای برای ایجاد اتاق خواب‌های کوچک معمول شدند.

◀ چرخ ریسندگی آبا و اجدادی

مهاجران به فروشگاه‌های جدید برای خرید ملزومات زندگی از جمله خرید نخ و کاموا نیاز داشتند. چرخ ریسندگی وسیله‌ای سنگین و گران‌قیمت بود و خانواده، نسل‌های متمادی از آن استفاده می‌کردند. این چرخ‌ها یادگاری از گذشته محسوب می‌شد. چرخ برای ریسیدن نخ از پشم ساخته شده بود.



جعبه و قاشق‌های چوبی ▲

این ابزارهای چوبی که بسیار هنرمندانه ساخته شده‌اند متعلق به دهه ۱۸۵۰ هستند و در آن جعبه ادویه‌جات، فلفل و ... به چشم می‌خورد. روی این جعبه‌های خاص آشپزخانه برچسب حبه سیر، چهار ادویه و دارچین حک شده و جعبه بزرگتر به درد نگهداری آرد می‌خورد.

مدرسه رفتن کودکان مهاجر

اکثر ساکنان غرب، آموزش کودکان را نخستین اولویت خود می‌انگاشتند. خانواده‌هایی که کیلومترها دورتر از یکدیگر زندگی می‌کردند مدرسه‌ای ایجاد و معلمی که معمولاً زنی جوان بود را استخدام می‌کردند که باید به دانش‌آموزان سنین مختلف آموزش می‌داد. وضعیت تحصیل در منطقه غرب عالی بود، زیرا خانواده، دانش آموزان را به تحصیل تشویق می‌کردند. نوجوانان تکالیف زیادی را در کنار امور روزمره خود باید به انجام می‌رساندند ولی در تابستان، مدرسه بسته بود و آنها می‌توانستند کاملاً وقت خود را در مزرعه بگذرانند.



حلقه به دور معلم مدرسه ◄

در زمان بازی و تفریح مدرسه در لوینگستون، مونتانا، کودکان دست به دست هم داده و حلقه‌ای به دور خانم معلم خود زده‌اند. این صحنه که در پس زمینه آن کوهستان راکی به چشم می‌خورد، در دهه ۱۸۹۰ روی داده است.



▶ جوهر نوشتن

دانش آموزان نحوه استفاده از قلم‌های سر آهنی را که باید در بطری جوهر یا حفره‌های جوهر موجود در میز مدرسه آنها فرو می‌رفت، یاد می‌گرفتند. داشتن دست خط خوب نیازمند تمرین زیاد بود و فن خوب نوشتن به عنوان موفقیت در آموزش، مورد تحسین قرار می‌گرفت.

▼ مدرسه و اداره پست

در ساختمان‌های عمومی غرب باید کارهای بسیاری انجام می‌شد. ساختمان‌های چوبی خوش ساخت مثل این تصویر در داکوتای شمالی هم به عنوان مدرسه هم به عنوان اداره پست مورد استفاده قرار می‌گرفتند ولی تعداد آنها بسیار کم بود. دانش آموزان و معلمان و احتمالاً بعضی از اعضای خانواده در این عکس از مدرسه، در سال ۱۸۹۶، دور هم جمع شده‌اند.

اسب‌های پیشتاز

یکی از قدیمی‌ترین نمادهای غرب، تصویر سوارکاران جوان و شجاع است که در حال جابجایی مرسولات پستی با کمک اسب‌های پیشتاز هستند. اما، افسانه «اسب تیزرو» فقط ۱۸ ماه دوام آورد زیرا در اکتبر ۱۸۶۱ خط تلگراف بین قاره‌ای به اتمام رسید. شرکت راسل، ماژورز و وادل که خدمات پست زمینی و جابجایی مسافر در خشکی را به انجام می‌رساندند در ۳ آوریل ۱۸۶۰، شرکت اسب‌های پیشتاز را تأسیس کردند که اولین سوارکار آن از سنت جوزف میسوری اعزام شد. هر سوارکار فاصله ۱۰ الی ۱۵ کیلومتری را بین هر ایستگاه پستی طی می‌کرد و گاه اسب‌ها را تعویض می‌نمود. زنجیره ۱۹۰ ایستگاه پستی برای اسب‌های تیزرو باعث می‌شد، سرعت بخشیدن به مرسولات پستی با تعویض اسب‌های تازه نفس و سوارکاران جدید امکان‌پذیر شود. امکان جابجایی نامه‌ها در عرض ۱۰ روز و در فاصله ۱۸۰۰ مایلی از میسوری تا کالیفرنیا به وجود آمد که نصف زمانی بود که دلیجان‌ها برای تحویل مرسولات نیاز داشتند.

پست پیشتاز

پست از طریق اسب تیزرو با سفارش خصوصی انجام می‌شد و نرخ خاص خود را داشت و همه مردم نمی‌توانستند از خدمات این پست استفاده کنند و برای مثال هزینه ارسال یک نامه معمولی از نیویورک به سان فرانسیسکو یک دلار بود.



زین برای سرعت ◄

کیف چرمی موسوم به «موچیلا» با جیب‌هایی برای قرار گرفتن مرسولات پستی روی زین اسب‌های تندرو قرار داده می‌شد. در ایستگاه، موچیلا روی زین اسب تازه نفسی قرار داده می‌شد و معمولاً سوارکار جدیدی هدایت اسب را به عهده می‌گرفت. بنابراین، حتی یک لحظه وقت تلف نمی‌شد.



تحت تعقیب پیشرفت ▲

یک سوارکار اسب پیشتاز در حال سلام گفتن به افرادی است که می‌کوشند تیرهای تلگراف را در نزدیکی کوه دودکش نبراسکا برپاسازند. تکمیل خطوط تلگراف میان قاره‌ای در اکتبر ۱۸۶۱ به معنی انتقال سریع پیام‌های تلگرافی بود و باعث بی‌نیازی به اسب‌های پیشتاز گردید.

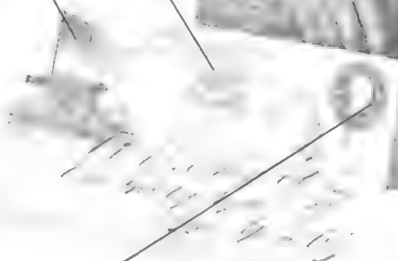
اولین سوارکار ▼

مردم برای تماشا و شادمانی از عزیمت کردن اولین سوارکار به هنگام گشایش شرکت خدمات اسب‌های پیشتاز از سنت جوزف میسوری در سال ۱۸۶۱،گرد هم آمده‌اند.

سوارکار برجسته

طی یک سال و نیمی که اسب‌های پیشتاز فعالیت داشتند، سواران جوان آنها، درخشان‌ترین شخصیت‌های غرب محسوب می‌شدند. سواران تندرو فقط اسب‌سواران عالی نبودند، بلکه در صورت نیاز مجبور بودند در دفاع از خود در برابر راهزنان و اشرار خونسرد، شجاع و آماده نبرد باشند.





تمبر شرکت اسب پیشتاز

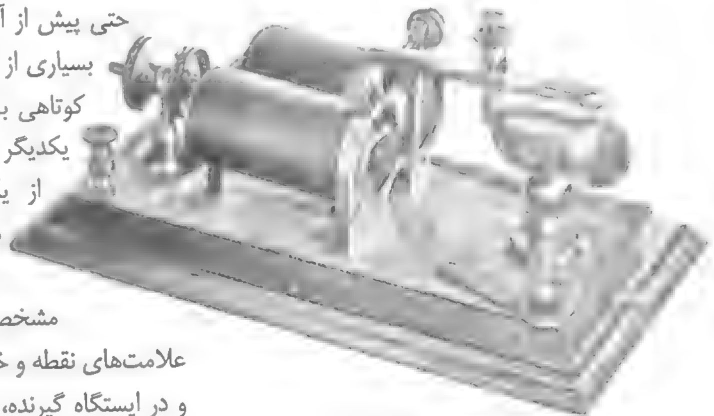
تصویر جنگ داخلی آمریکا که روی پاکت پستی چاپ شده

تمبر اداره پست دولتی آمریکا

پست بین کشوری

تمبر اداره پست دولتی آمریکا و علامت پستی شرکت اسب پیشتاز که روی این پاکت دیده می‌شود از سان فرانسیسکو به سنت جوزف میسوری ارسال شده و سپس شرکت خدمات پستی آمریکا آن را به نیویورک رسانیده است.

گیرنده تلگراف



حتی پیش از آماده شدن خطوط تلگراف سراسری، بسیاری از شرکت‌های کوچک، خطوط تلگراف کوتاهی برای مرتبط ساختن جوامع محلی به یکدیگر ساخته بودند. تلگراف الکترومغناطیسی از یک سری کدهای رمزی تشکیل می‌شد. به این نحو که هر حرف الفبا با ترکیبی از کلیک‌های کوتاه یا بلند مشخص شده و با فشردن دکمه‌ها، این علامت‌های نقطه و خط تیره به جای حروف ارسال می‌شد و در ایستگاه گیرنده، با خواندن و رمزگشائی آنها، پیام به شخص مورد نظر تحویل داده می‌شد. یک تلگراف در یک دقیقه می‌توانست ۳۵ کلمه را ارسال کند.

دلیجان‌ها

تا ظهور قطار و راه‌آهن، سریع‌ترین شیوه ممکن برای جابجائی مسافر و کالا در غرب، دلیجان‌ها بودند. دلیجان‌ها به شکلی ساخته می‌شدند که بتوانند در مقابل خرابی‌های جاده‌ای مقاومت کنند. آنها باید از جویبارها، کوهستان‌ها و صحراها عبور می‌کردند و گاه باران و برف باعث ناپدید شدن‌شان می‌گردید. دلیجان‌ها بعد از طی هر ده یا بیست مایل، در ایستگاه توقف می‌کردند. کنکورد نام معروف‌ترین دلیجان در غرب بود. بدنهٔ سبک دلیجان روی نوارهای چرمی ضخیم قرار داده می‌شد که بخش زیادی از تکان‌های شدید ناشی از دست‌اندازهای جاده را به خود جذب می‌کرد و مانع از ناراحتی سرنشینان دلیجان می‌گردید. معروف‌ترین دلیجان رانی‌ولز، فارگو و می‌او نام داشت که به خاطر جابجائی محموله‌های ارزشمند در جعبه‌های پراستقامت معروفیت داشت. اداره پست با شرکت‌های دلیجان رانی برای نقل و انتقال مرسولات پستی قرارداد می‌بست. کیف‌های پستی معمولاً زیر صندلی راننده قرار داده می‌شد.



◄ مناسب برای حمل بار

دارائی‌های بسیار ارزشمند مسافران در یک صندوق چوبی محکم که داخل آن پارچه‌ای بود، بسته‌بندی می‌گردید. این صندوق‌ها در مقابل ضربه مقاوم بودند.



قفل شرکت ◄

علامت W.F روی این قفل نشان‌دهنده آن است که شرکت ولز فارگو از محموله ارسالی حفاظت می‌کند.



◄ شاخ روغن

یک شاخ گاو حاوی روغن، بین چرخ‌های دلیجان آویزان می‌شد. روغن قطره قطره چکیده و محورهای دلیجان را نرم می کرد.



ایستگاه کنار جاده‌ای ▲

در خطوط راه دلیجان‌ها ایستگاه‌هائی در طول جاده وجود داشت که اسب‌ها تعویض و مسافران استراحت می‌کردند. در تصویر، یک دلیجان با یک گروه شش اسبی از ایستگاه دیل ویرجینیا در کلرادو در حال عزیمت است.



◀ ساقط کردن سردسته

هنرمند معاصر فردریک رمینگتون (۱۹۰۹-۱۸۶۱) نحوه موفق شدن سرخپوستان در حمله به یک دلیجان مسابقه‌ای را با کشتن یک نفر از اعضای گروه به تصویر کشیده است. چنین حملاتی به دلیجان‌ها اندک بود و اغلب آنها می‌توانستند از سرزمین سرخپوستان به سلامت عبور کنند.



اسکورت نظامی ◀

این دلیجان کنکورد، که حدود سال ۱۸۶۹ از آن عکس گرفته شده، اسکورتی نظامی دارد. سربازان گاهی از دلیجان‌های حاوی محموله‌ها یا مرسولات پستی ارزشمند حفاظت می‌کردند.

باربند و محموله دلیجان
چراغ‌های جانبی
صندلی راننده
اهرم ترمز پایی
فضای خالی جلویی برای محموله‌های ارزشمند
ترمز
اسپوک چرخ
حلقه اتصال دلیجان به اسب

مرحله گذر از خشکی ▲

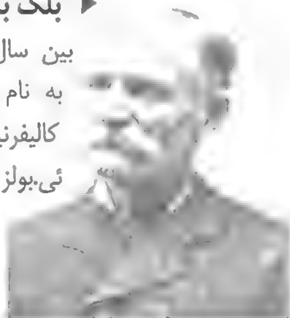
این دلیجان متعلق به شرکت ولز فارگو، بود که به افتخار شهری در نیو همپشایر، شهری که این دلیجان در آن ساخته شد، نام‌گذاری گردید، دلیجان سبک ولی بادوام و مقاومی بود. چرخ‌های بزرگ آن باعث دور ماندن اتاقک از گل و لای و نیز دست‌اندازهای عمیق می‌گردید. دلیجان‌های ولز فارگو که بی‌نهایت مورد رسیدگی و مراقبت قرار می‌گرفتند، حدود ۲ تن وزن و ظرفیت جابجایی نه مسافر را داشتند.

تنها در راه ◄

راننده دلیجان مجبور بود مراقب دست‌اندازهای جاده و عبور گروه همراهش در مسیرهای باریک کوهستان باشد.



► بلک بارت



بین سال‌های ۱۸۷۵ و ۱۸۸۳، راهزنی به نام «بلک‌بار» به ۲۸ دلیجان در کالیفرنیا دستبرد زد. اسم اصلی او چارلز ئی.بولز (۱۹۱۷-۱۸۳۰) بود و پس از آن که ناگهان دستمال خود را با علامتی که نام بلک‌بارت روی آن حک شده بود، روی زمین انداخت شناسایی و دستگیر شد.

گسترش راه‌آهن در سراسر قاره

نخستین راه‌آهن سراسری، همانند نوار بلند پولادینی که ساحل غربی را به شهرهای میانی غرب پیوند می‌داد، در سال ۱۸۶۹ تکمیل شد. در عرض ده سال، ساخت راه‌آهن رونق گرفت و هیچ عامل دیگری تا این اندازه و با این سرعت موجب تغییر و توسعه غرب نگردید. راه‌آهن در عین حال که موجب گسترش سریع شهرها و روستاها شد و پیشرفت کشاورزی، گله‌داری و معدن‌کاری را به همراه آوردخ و باعث رونق زندگی مردم بومی گردید. اما به محیط زیست و حیوانات بومی آسیب های فراوان رساند. بوفالوها که قبایل سرخپوست به شدت به آنها وابسته بودند نابود شده و از بین رفتند، زیرا شکارچیان حرفه‌ای به راحتی می توانستند با استفاده از راه‌آهن به منطقه سرازیر شده و بوفالوها را شکار کنند و این باعث کشتار میلیون‌ها راس بوفالو گردید. گسترش راه آهن همچنین جنگجویان سرخپوست را در مقابله با مهاجران و سفیدپوستان ناتوان کرد. برتری سفیدپوستان فرا رسیده و جنگجویان سرخپوست و سوار بر پشت اسب نمی‌توانستند رقیبی برای حرکت سریع سربازان سوار بر «اسب آهنین» یعنی همان قطار به شمار آیند. راه‌آهن دشت‌های بزرگ و دشوار غرب را نیز درنوردید، و بالاخره در سال ۱۸۹۰، طاقت‌فرساترین مسیرها به غرب به سفرهای پرسرعت، کاملاً راحت و عادی تبدیل شده بود.



مستقیم به سوی افق

در میانه دهه ۱۸۶۰، در حالی که عده‌ای به تماشا ایستاده‌اند، گروهی از کارگران چینی در حال نصب خطوط راه‌آهن در صحرا هستند. زمین برای ریل‌گذاری آماده می‌گردید. سپس، تیرک‌های چوبی روی زمین قرار داده می‌شد و روی آنها خطوط آهنی نصب می‌گردید. برای محکم شدن خطوط آهنی، میله‌هایی از درون سوراخ‌های خطوط آهن رد می‌شد و سپس در درون چوب با چکش کوبیده می‌شد و محکم می‌گردید.



کیف سفر

کیف‌های چرم بوفالو بین پزشکان، فروشندگان و مسافران در قرن نوزدهم بسیار محبوب بود. در بازشو آن از بالا باعث راحتی باز و بسته کردن کیف می‌شد. استفاده گسترده از چرم بوفالو برای ساختن کیف و روکش و به ویژه برای ساخت کمربندهای حامل در کارخانه‌ها، باعث کشتار گله‌های بوفالو گردید.





پرومونتوری، یوتا ▲

بعضی از مهاجران چینی که بسیاری‌شان برای یافتن طلا به کالیفرنیای ایالات متحده آمده بودند، در راه‌آهن سازی شغلی برای خود پیدا کردند. از این چینی‌های شاغل در خط آهن‌گذاری در سال ۱۸۶۹ در پرومونتوری یوتا عکس گرفته شده است. به دلیل تعصب نژادی و فشار اتحادیه‌های کارگری سفیدپوست، جریان کارگرِ ارزان در سال ۱۸۸۲ قطع گردید زیرا در این سال کنگره عملاً مهاجرت از کشور چین را قدغن اعلام کرد.

نماد موفقیت ▲

این میله یا میخ طلائی برای گرامیداشت تکمیل خط آهن میان قاره‌ای ساخته شده است. مقامات در حالی که عکاسان از آنها عکس می‌گرفتند، وانمود کردند که میخ طلائی را در آخرین خط آهن فرو می‌کوبند، البته سپس میخ طلائی خارج شد و به جای آن از یک میخ آهنی معمولی استفاده گردید.

ژوپیتر مغرور

ژوپیتر یکی از لوکوموتیوهای مراسم سال ۱۸۶۹ در پرومونتوری یوتا بود. سوخت این لوکوموتیو تجاری چوب بود که در انباری پشت قسمت موتور ذخیره می‌شد. مهندسان راه‌آهن سنترال پاسیفیک به ژوپیتر به شدت مغرور بودند، آن را برق می‌انداختند و رنگ آن را تجدید می‌کردند. نرده جلوئی آن «گاوگیر» نامیده می‌شد و برای کنار زدن سنگ و کلوخ از روی ریل طراحی شده بود. با این وسیله حتی گاه نیز با حرکت ترن از سر راه کنار زده می‌شد.





◀ سرتاسر قاره

گروهی از کارگران راه‌آهن از شرق و گروهی از غرب شروع به ریل‌گذاری کردند تا آن که در محلی به نام پروموتوری، در ایالت یوتا، به یکدیگر رسیدند. در ۱۰ مه ۱۸۶۹ به هنگام گذاشتن آخرین قسمت از ریل مراسمی برگزار شد. دماغه لوکوموتیو UP در سمت راست به دماغه لوکوموتیو CP در سمت چپ چسبانیده شد تا این واقعه به صورت نمادی تاریخی ثبت گردد.



گسترش تجملات ◀

در میانه دهه ۱۸۶۰، کارخانه‌دار شیکاگوئی، به نام جرج پلمن نوعی خودروی راه‌آهنی اختراع کرد که صندلی‌های آن به تخت‌خواب تبدیل می‌شدند. در آگهی تبلیغاتی راه‌آهن شیکاگو و آلتون تضمین شده است که صندلی خواب پلمن راحت‌ترین روش سفر در خشکی می‌باشد.



ساعت جیبی یک دلاری ▲

این ساعت جیبی ارزان قیمت که از ورقه نقره ساخته شده و تصویر یک قطار روی درپوش آن دیده می‌شود، به «ساعت جیبی یک دلاری» معروف بود. رشد و گسترش خطوط راه آهن و راحتی مسافرت با این وسیله نقلیه جدید، باعث شده بود تا عکس و تصویر آن بر روی هر چیزی حک شود.

مقصد سان‌فرانسیسکو

در سال ۱۸۶۹، شرکت اتحادیه راه‌آهن پاسیفیک مسافرت با قطار را به کالیفرنیا تبلیغ می‌کرد. آنها در آگهی خود نوشته بودند: «اوماها... با سفر به سان‌فرانسیسکو در کمتر از چهار روز، از خطرات سفر در دریا در امان بمانید.»

دیگ ذوب کننده مهاجران

یک سوم افرادی که بین سال‌های ۱۸۴۶ و ۱۸۸۰ به غرب آمدند، متولد یک کشور خارجی بودند. اکثر آنها قصد داشتند روی زمینی مرغوب، کشاورزی کنند و خرج خانواده خود را تامین کنند. برخی دیگر، مثل منونیتس‌های آلمانی ـ روسی به دنبال آزادی مذهبی بود. سنت‌لوئیس دارای جمعیت آلمانی بزرگی بود، اسکاندیناوی‌ها بیشتر در مینسوتا و ویسکانسین ساکن بودند و جوامع پویای چینی و ژاپنی در کالیفرنیا به چشم می‌خوردند. در سال ۱۸۷۰، یک چهارم جمعیت کالیفرنیا اصل ایرلندی داشتند و در ساحل غربی نیز ایتالیائی‌ها و پرتغالی‌ها پرشمار بودند. بومیان بخش مهمی از فرهنگ غرب باقی ماندند زیرا آمریکائیان مکزیکی‌تبار در جنوب غربی و کالیفرنیای جنوبی اکثریت داشتند. پس از جنگ داخلی، هزاران خانواده سیاه‌پوست به غرب مسافرت کردند زیرا قصد آنها استفاده از حداکثر آزادی جدید خود بود.

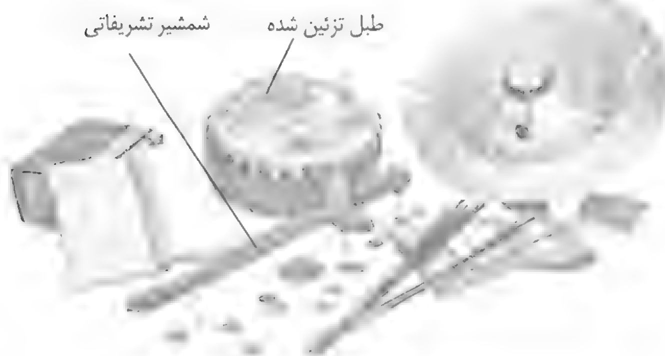


◀ مردم جهان

تجمعی از مسافران غنی و فقیر و از سرزمین‌ها و فرهنگ‌های مختلف در خط آهن یونیون پاسیفیک در سال ۱۸۶۹ به چشم می‌خورد. در این ایستگاه اروپائی‌ها، آمریکائی، افریقایی‌ها، چینی‌ها، سرخپوستان، همچنین گردشگران، تماشاگران، سرمایه‌گذاران، شکارچیان و سربازان تجمع کرده‌اند.

صنایع فرهنگی چینی ◀

یادگارهای تاریخی یادآور زندگی چینی‌ها در غرب هستند که از آن جمله می‌توان از طبل، سنج، کتاب‌ها و آتش‌بازی‌های چینی نام برد. این‌گونه آثار به چینی‌ها امکان داد احساس اشتراک با یکدیگر نموده فرهنگ خود را تداوم بخشند.



چینی‌ها

با کشف طلای کالیفرنیا در سال ۱۸۴۸، ماجراجویان چینی دسته‌دسته ورود خود به جائی که آن را «کوه طلا» می‌نامیدند، آغاز کردند. بسیاری در معدن‌های طلا و در ساخت راه‌آهن برای خود کار پیدا کردند و بسیاری دیگر شروع به کسب و کار نمودند. ابتدا، به خاطر آن که فرهنگ و زبان‌شان درک نمی‌شد، علیه آنها تعصب شدیدی وجود داشت. بتدریج، چینی‌ها، جایگاه خود را در غرب آمریکا پیدا کرده راه را برای ورود دیگر آسیائی‌ها به ایالات متحده هموار نمودند.



آتش‌نشان‌های قهرمان ▲

برای غربی‌ها هیچ چیز جالب‌تر از رقابت بین گروه‌های آتش‌نشانی و مسئولان اطفاء حریق علیه یکدیگر نبود. این گروه آتش‌نشان‌های چینی ـ آمریکائی با یونیفورم‌های تمیز و پاکیزه در مسابقه تیم اطفاء حریق که در ۴ جولای ۱۸۸۸ در داکوتا برگزار شد، برنده گردیدند.

به سوی کاتراس!

از هر روشی برای جذب مهاجران جدید به سوی سرزمین‌های جدید استفاده می شد. از جمله یک پوستر تبلیغاتی در سال ۱۸۷۸، از طرف یک موسسه مخصوص انتقال مهاجران به نام «پاپ» چاپ شد که نام بردهٔ سابق بنجامین سینگلتون به عنوان بانی موسسه بر آن نوشته شده و از سیاهان تنسی دعوت می‌کرد به کاتراس آمده اقامت گزینند.

افریقائی ـ آمریکائی

در بین نخستین مردان کوهستان و مهاجران به غرب، چندین افریقایی ـ آمریکائی نیز وجود داشتند. پس از جنگ داخلی، سیاه‌پوستان جوان در سواره نظام و پیاده نظام در دوران جنگ با سرخپوستان خدمت می‌کردند ولی برخی دیگران به جمع گاوچران‌ها پیوستند. هزاران برده سابق از مزارع جنوب به سوی غرب برای گرفتن مزارع کشاورزی در کانزاس، نبراسکا و اوکلاهما مهاجرت کردند، سیاهان در این شهرها دانشگاه‌های خاص خود را به وجود آوردند. برخی دیگر راه بیشتری پیمودند و به ایالت‌های کوهستانی و ساحل غرب رسیدند در آن‌جا آنها در شهرهای بزرگی همچون دنور و سان‌فرانسیسکو خانه و کسب و کار برای خود دست و پا کردند.



خانه‌ای در زمین آزاد ▲

موسی اسپیز و خانواده‌اش در کاستر کانتی نبراسکا در سال ۱۸۸۸ برای گرفتن عکس گردهم آمده‌اند. در پایان قرن، کشاورزان سیاه‌پوست روی بیش از ۲۰۰۰۰۰ جریب در نبراسکا کشت و زرع می‌کردند.



اوتواندرینگن تیل آمریکا (مهاجرت به آمریکا) ◀

روی این تمبر نروژی در سال ۱۷۹۵ عبارت مهاجرت به آمریکا نوشته شده و به افتخار مهاجرت نروژیها به دنیای جدید (اصطلاح ویژه آمریکا) چاپ شده است. چنانچه در تصویر روی تمبر مشخص است بسیاری از مهاجران، اولین خانه‌های خود را به شکل خانه‌های علفی در دشت‌های عظیم برپا کرده و هیچ گونه امکانات اولیه برای زندگی معمولی برای آنها مهیا نبود.

روس‌ها، اسکاندیناوی‌ها و آلمان‌ها

منونیت‌های آلمانی ـ روسی که به دنبال رسیدن به آزادی مذهبی بودند، سنت گندم‌کاری چندین قرنه خود را به نبراسکا آوردند. گندم از میهن آنها به غرب آورده شد و تبدیل به محصولی پرسود گردید. اسکاندیناوی‌ها و آلمان‌ها نیز ساکنان مهمی بودند و بسیاری‌شان یا دارای مزرعه بودند یا به کار تجارت الوار مشغول بودند. یک اداره مهاجرت در اسکاندیناوی ۱۰۰۰۰ نفر را از دانمارک، سوئد و نروژ به نبراسکا فرستاد. یکی از ماموران مدعی شد خود به تنهایی ۶۰۰۰۰ آلمانی را به کاتراس آورده است.



◀ گلدوزی و آوازخوانی

در دهه ۱۸۹۰ خانواده‌ای با اصالت نروژی ساکن در داکوتای شمالی عکس گرفتند که اوقات فراغت آنها را نشان می‌دهد: زنان به گلدوزی و تکه‌دوزی مشغول و یک چرخ خیاطی پائی هم بین آنها وجود دارد. در حالی که مرد با نواختن گیتار آنها را سرگرم می‌سازد.

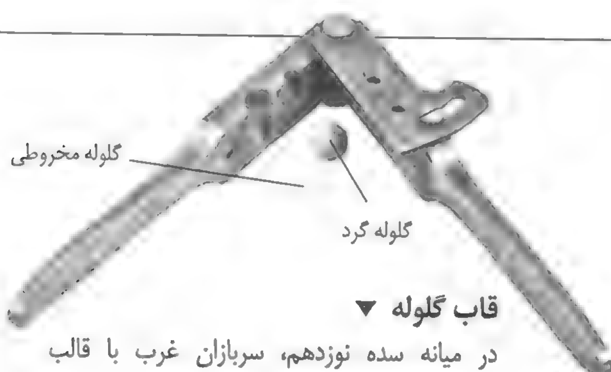


ساختن بدقواره منونیت‌های روسی ▲

کاتراس مرکزی دارای مجامع آلمانی ـ روسی بود که مراسم دینی منونیت را اجرا می‌کرد در حالی که قبل از مهاجرت به دلیل انجام این‌گونه مراسم در زادگاه خود تحت تعقیب قرار داشتند. در ابتدا؛ آنها مکان‌هائی مثل پادگان‌های بزرگ برای خود به وجود آورده و به صورت اشتراکی زیست می‌کردند اما به مرور زمان هر خانواده منزل شخصی برای خود به وجود آورد. ابتدا زاغه‌هائی دارای دیوارها و بام‌های علفی، سپس کلبه چوبی و سرانجام ساختمان‌های زیبا در مزارع سرسبز و وسیع توسط آنها ساخته شد.

سواره نظام

درست پیش از جنگ ۴۸-۱۸۴۶ با مکزیک، سواران زبده پیاده نظام که دراگون نامیده می‌شدند در غرب آمریکا مستقر گردیدند. در ابتدا آنها یا محافظ دلیجان‌ها و کالسکه‌هائی بودند که به سوی کالیفرنیا و اروگون در حرکت بودند و یا در پست‌های نگهبانی دورافتاده به دیده‌بانی و مراقبت از منقطه سرخپوست‌ها مشغول بودند. پس از جنگ داخلی، دراگون‌ها جای خود را به سواره نظامی دادند که گوئی روی زین اسب به دنیا آمده بود، آنها در مسافت‌های طولانی به نگهبانی پرداخته یا حمله‌ای ناگهانی و غافلگیرانه علیه دشمن انجام می‌دادند. سواره‌نظام گاه فقط نقش صلحبان را داشت و بنابراین وظیفه‌اش حفظ آرامش در صدها مایل آن سوتر از محل استقرار سواره نظام بود. در این زمان سواره‌نظام به محافظت از ساخت خطوط جدید راه‌آهن و خطوط تلگراف همچنین محافظت از معدن‌چیان طلا در مونتانا و نوادا و مراقبت از مهندسانی که در کل منطقه غرب مشغول اندازه‌گیری و سنجش بودند، می‌پرداخت. دشوارترین وظیفه این نیروها جنگ با سرخپوستانی که از زمین‌های شاه دفاع می‌کردند بود. ولی بیکاری و به دنبال آن خستگی و کسالت در دژهای دورافتاده، برای این مردان بسیار سخت بود زیرا آنها سربازانی بودند که در سرزمینی وحشی و تنها انجام وظیفه می‌کردند.



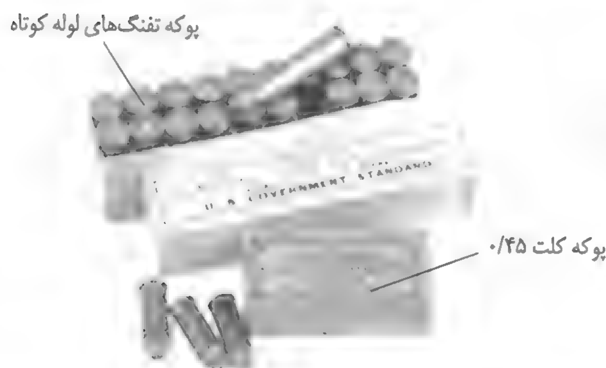
قاب گلوله ▼

در میانه سده نوزدهم، سربازان غرب با قالب زدن سرب و تبدیل آن به گلوله‌هایی که مناسب تفنگ‌هاشان بود، برای خود گلوله می‌ساختند.



نشان خدمت ▲

ارتش برای گرامی داشت سال‌های مبارزه طی جنگ با سرخپوستان از ۱۸۷۰ سال تا ۱۸۹۰ این مدال را به سواره نظام اعطا کرد.



شمشیر سواره نظام سنگین مرسوم به مچ‌شکن

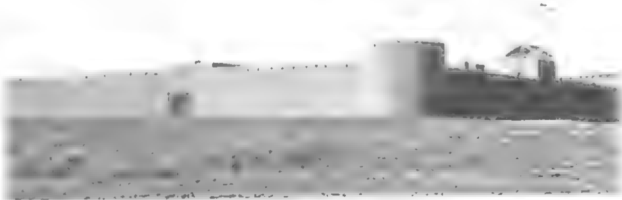
وارهای شمشیر سواره نظام

جعبه فشنگ

کلت جنگی ارتش ۱۸۶۰

تجهیزات نیروی نظامی ◀

نیروی سواره نظام کمربندی چرمی مخصوصی داشت که دارای جلد تپانچه، جعبه مهمات و نوارهائی برای نگه داشتن شمشیر بود. کلت ششلول سواره نظام، سلاح استاندارد این نیرو به شمار می‌رفت. این کلت به شکلی طراحی شده بود که گلوله‌های تفنگ تک‌تیر آن با گلوله‌های کلت وی یکسان باشد.



◀ دیوارهای خشتی

دژ بنت که برای نظامیان و کاشفان بسیار معروف بود در سال ۱۸۳۲ با دیوارهای خشتی خام و کلفتی ساخته شد. این دژ که در کلرادوی کنونی واقع است، مرکزی تجاری در جاده سانتاتریل منتهی به جنوب غربی آمریکا بود.



پرچم سواره نظام ◀

گردان‌های سواره نظام ۱۲ گروهان داشتند که هر کدام دارای یک پرچم امریکا (ستاره و نوار) بودند که موقعیت گروهان در صحنه جنگ را نشان می‌داد.

◀ بهشتی امن

دژ لارامی که در دشت شمالی واقع است برای محافظت از گاری‌ها و دلیجان‌ها در مسیر اورگون ساخته شده بود که در این نقاشی متعلق به سال ۱۸۶۰ تصویر آن را مشاهده می‌کنید. این دژ در سال ۱۸۳۴ توسط تاجران خز ساخته شد و در سال ۱۸۴۹ برای اهداف نظامی به دولت آمریکا فروخته شد؛ این دژ تا سال ۱۸۹۰ مورد استفاده قرار می‌گرفت.





سریع، قوی و مرگبار ▲

نقاشی هنرمند قرن نوزدهمی، فردریک رمینگتون در دهه ۱۸۹۰ به نام «کاوالری چارج» نیروهای کت آبی را نشان می‌دهد که در دشت‌های جنوبی در حال تاختن هستند. این سربازان اسب سوار حریف هر رقیبی در سرزمین غرب بودند. آنها قانون و نظم را در سرزمینی خطرناک و بی‌قانون حفظ می‌کردند.





سربازان بوفالو ◄

پس از جنگ داخلی، دو گردان از نیروهای سیاه‌پوست (سواره‌نظام نهم و دهم ایالات متحده) در غرب خدمت می‌کردند. آنها با جنگجویان دشمن، قانون‌گریزان و متجاوزان مرزی نبرد می‌کردند. سرخپوستان به دلیل موی ضخیم و مجعد و اندام درشت‌شان، آنها را سربازان بوفالو می‌نامیدند.

صد سال جنگ با سرخپوستان

مهاجرت سفیدپوست‌ها به سوی غرب، همراه با درگیری و جنگ با آمریکائیان بومی بود. سرخپوستان به عنوان ساکنان بومی آمریکا در اثر این مهاجرت‌های پی‌درپی، ناگزیر به نقل مکان به سوی نقاط غربی‌تر می‌شدند. اما شورش سیوکس در سال ۱۸۶۲ هزاران مهاجر را به خارج از مینسوتا راند؛ این واقعه هشدار می‌داد که چه بسا نبردهای خشن‌تری در راه هستند. طی دهه ۱۸۸۰ درگیری‌های فراوان بین سفیدپوست‌ها و سرخپوست‌ها روی داد که تقریباً تمامی قبایل از آپاچی‌های جنوب غربی گرفته تا باکیماهای اورگون در آن شرکت داشتند. در سال ۱۸۷۶، جنگجویان و سربازان، در روزباد کریک مونتانا، پابه‌پای هم جنگیدند. سپس چند قبیله با یکدیگر برای پاکسازی قوای سواره نظام در رودخانه شاخ بزرگ کوچولو و نیز در مونتانا متحد شدند. این بزرگترین پیروزی سرخپوستان بود. ولی دولت آمریکا هزاران سرباز دیگر علیه آنها گسیل داشت و اکثر قبایل چاره‌ای جز تسلیم پیش‌روی خود ندیدند. در سال ۱۸۹۰، سربازان در منطقه‌ای به نام زانوی زخمی کریک در داکوتای جنوبی، گروهی از سیوکس‌ها را محاصره کردند و جنگ شدیدی آغاز شد. در این منطقه تقریباً ۲۰۰ مرد، زن و کودک سرخپوست کشته یا زخمی شدند. این آخرین نبرد سرخپوستان بود.

چوگان جنگی سیوکس ◄
این چوگان جنگی که از شاخ الک تهیه شده شبیه پرنده آبی با دو پولک مسی به عنوان چشم‌های پرنده است. جرج کاتلین هنرمند در سفر دهه ۱۸۳۰ خود در دشت عظیم این چوگان را با خود همراه آورد.



مقاومت ▲
۵۰ مهاجر سفیدپوست در سال ۱۸۶۸ به محاصره ۶۰۰ جنگجوی سیوکس و چه‌ینی درآمدند، بنابراین به ساختن سنگر در جزیره بیچر کلرادو دست زدند. مدافعان در برابر سه حمله بزرگ ایستادگی کردند و رئیس قبیله چه‌ینی، رومان نوز را کشتند. به نظر می‌رسید مهاجران محکوم به شکست هستند ولی نیروهای سیاه‌پوست هنگ دهم سواره‌نظام به نجات آنان شتافتند.

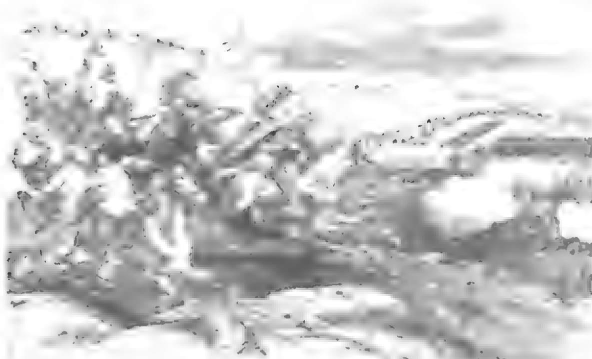
◀ رانده شده

مهاجران سفیدپوست در جنوب مینسوتا پس از حملات شدید قبیله سانتی‌سیوکس در سال ۱۸۶۲ از خانه‌های خود گریختند. پیش از سرکوب شورش توسط نیروی نظامی قدرتمند دولت آمریکا، بیش از ۸۰۰ غیرنظامی و سرباز کشته شده بودند.



سرآغاز رویارویی کاستر ◀

بیش از ۱۲۰۰ سواره‌نظام و پیاده نظام ارتش آمریکا به سختی خود را از حمله همین تعداد جنگجوی چه‌ینی و سیوکس در رودخانه روزباد مونتا در اواسط ژوئن ۱۸۷۶ نجات دادند. چند روز بعد، این جنگجویان سرخپوست به منطقه شاخ بزرگ کوچولو یورش بردند و نیروهای کاستر را از بین بردند.



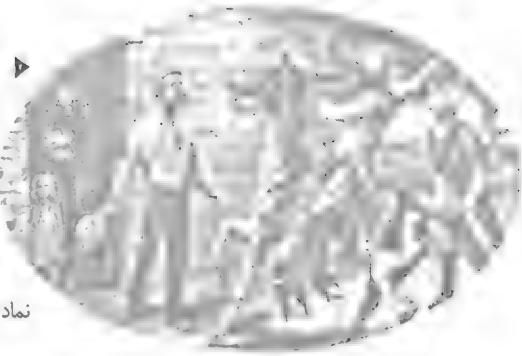
◀ از دیدگاه طرف پیروز

در این تصویرنگاری، اسب سرخ رئیس قبیله سیوکس، نابودی سواره نظام هفتم به فرماندهی سرهنگ جرج‌ا.کاستر متشکل از ۲۶۴ سرباز را نشان می‌دهد. اسب سرخ در معروف‌ترین نبرد و جنگ‌های سرخپوستان که در نزدیکی منطقه شاخ بزرگ کوچولو در مونتانا روی داد، فرماندهی جنگجویان را به عهده داشت.





بومیان جنگجو در نبرد شاخ بزرگ کوچولو، از تفنگ وینچستر استفاده می‌کردند.



آپاچی‌ها می‌آیند

یک سوار به یک ساکن آریزونا هشدار می‌دهد که آپاچی‌ها در راه‌اند. نقاش، فردریک رمینگتون در زمان نبرد نظامی علیه شورشیان آپاچی در جنوب غربی بود و این نقاشی را کشید.



پیراهن رقص ارواح

در سال ۱۸۹۰، بسیاری از سرخپوستان از جنبش رقص ارواح الهام گرفتند که نوید پیروزی بومیان سرخپوست را می‌داد. پیروان این جنبش نماد خورشید، ماه و ستاره را با خود حمل می‌کردند که عقیده داشتند حافظ بومیان است و آن را «پیراهن ارواح» نامیده و به تن می‌کردند که این نمادها روی آن نقش بسته بود.

زانوی زخمی

آخرین نبردی که همراه با کشتار سرخپوستان بود در سال ۱۸۹۰ در منطقه‌ای به نام زانوی زخمی کریک در داکوتای جنوبی رخ داد و مردان، زنان و کودکان بیشماری در این نبرد کشته شدند. سربازان آمریکائی تلاش می‌کردند سیوکس‌ها را خلع سلاح کنند که تبادل آتش آغاز و به کشته شدن تقریباً ۲۰۰ سرخپوست و ۶۴ سرباز آمریکایی منجر شد. هر سال در این منطقه مراسم یادبودی برای قربانیان این حادثه برگزار می‌شود.



بازسازی حادثه زانوی زخمی در سال ۱۹۹۴



گور دسته‌جمعی

در این عکس سربازان به قبرکن‌هائی نگاه می‌کنند که اجساد سیوکس‌ها را بعد از قتل عام در منطقه زانوی زخمی در گودالی دفن می‌کنند. سفید پوستان مهاجر این چنین به گسترش نفوذ خود پرداخته و بومیان را از بین می‌بردند.

رهبران نبردهای سرخپوستان

دولت آمریکا بهترین افسران خود از جمله سرهنگ دوم جرج ا.کاستر و ژنرال جرج کروک را به جنگ علیه سرخپوستان اعزام کرد. هر دوی آنها طی جنگ‌های سرخپوست‌ها فرماندهی نیروهای دولتی را به عهده داشتند. کیت کارسون، رهبر نیروهای دولتی در جنوب غربی، خودش از مرزنشینانی بود که قبلاً همین وظیفه را به عهده داشت. روسای بومی قبایل سرخپوست اگرچه هیچ تجربه نظامی نداشتند ولی بسیاری‌شان ثابت کرد که رهبران نظامی بزرگی هستند. گاو نشسته، فرمانده نظامی بزرگی در دوران جوانی خود بود. او بخاطر رشادت‌ها و فداکاری‌هایش بعداً به مرد مقدسی تبدیل شد که الهام‌بخش سیوکس‌ها در دفاع از خودشان بود. رئیس جوزف، از قبیله نزپرسس مخالف جنگ با سفیدپوستان مهاجر بود، اما وقتی توسعه طلبی و ظلم و ستم مهاجران و دولت آمریکا را دید، دست به شورش زد. کوانا پارکرهم یکی دیگر از فرماندهان نظامی بود، اما همچون سایر رهبران قبایل نتوانست در برابر سربازان تا بن دندان مسلح آمریکا مقاومت کند. در سال ۱۸۸۶، ژنرال کروک، با حیله گری و توسط پزشک قبیلهٔ آپاچی یکی از بزرگترین روسای قبایل سرخپوستی ژرونیمو را دستگیر کرد و او آخرین سرخپوستی بود که به دولت تسلیم شد. ژرونیمو از دولت آمریکا درخواست کرد تا با او نه به عنوان یک خیانتکار و شورشی که مخالف مردم خودش می‌باشد برخورد نشود و با او به عنوان یک اسیر جنگی برخورد گردد.

ژرونیمو ◄



ژرونیمو یکی از رهبران برجسته سرخپوست در آمریکا بود که در سال ۱۸۲۹ در قبیله آپاچی‌های بدونکوهه در نزدیکی رود تورکی در ایالت امروزی نیومکزیکو که در آن زمان بخشی از خاک مکزیک بود، به دنیا آمد، پدربزرگ او رئیس بدونکوهه‌ها بود.

در سال ۱۸۵۸ گروهی متشکل از ۴۰۰ سرباز مکزیکی به فرماندهی کلنل خوزه ماریا کاراسکو به اردوگاه جرونیمو در بیرون شهر خانوس، حمله‌کرده و دست به کشتار زنان و کودکان زدند. همسر، فرزندان و مادر ژرونیمو نیز از جمله کشته‌شدگان این حمله بودند. پس از این رویداد ژرونیمو به انجام حملات انتقامی علیه مکزیکی‌ها روی آورد. عنوان «ژرونیمو» نیز در همین زمان به او داده شد. این نام به نبردی باز می‌گردد که ژرونیمو به همراه جنگجویانش، بی‌توجه به گلوله‌های مرگباری که به سوی‌شان می‌آمد، مرتب با چاقو به سربازان مکزیکی حمله برده و نام جروم مقدس را صدا می‌زدند. آمریکایی‌ها گمان بردند که آنها نام فرمانده خود را صدا می کنند. و همین نام بر او باقی ماند. جروم یا ژرونیمو پیوسته حملات و جنگ علیه استان‌ها و شهرهای مختلف مکزیک و سپس علیه مناطق آمریکایی در سرتاسر آریزونا، نیو مکزیکو و غرب تگزاس را ترتیب می‌داد تا آنکه سرانجام در سال ۱۸۸۶ و پس از سال‌ها تعقیب و گریز، توسط ماموران مخفی که در نقش پزشک بودند دستگیر و تسلیم مقامات آمریکایی شد. او به عنوان زندانی جنگی شخصی نامدار بود و هرگز به او اجازه بازگشت به زادگاهش داده نشد.

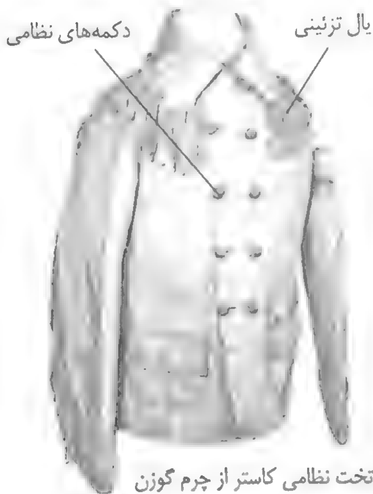
جرج ا.کاستر

فرمانده سواره نظام جرج آرمسترانگ کاستر (۱۸۷۶-۱۸۳۹) در سال ۱۸۷۶ از فرمان سرپیچی کرد و بی‌رحمانه به دهکده بزرگ سرخپوستان در نزدیکی رودخانه شاخ بزرگ کوچولو حمله برد. از سربازان کاستر هیچ کس زنده نماند. این واقعه برای آمریکا تکان‌دهنده بود. زیرا آمریکائیان او را قهرمانی شکست‌ناپذیر تلقی می کردند. برای کاستر یادبودهای بسیاری مانند مرثیه یادبود ژنرال ژئو ا.کاستر ساخته شد؛ این مرثیه آهنگی بود که به افتخار او تصنیف شد و در آن از درجه نظامی او در جنگ داخلی آمریکا تجلیل شد.



◀ افسران کاستر

گروهان سی و هشت نفری سرهنگ دوم جرج ا. کاستر و یک گروه علمی در اردوگاه باکس الدر کریک، واقع در داکوتا، در سال ۱۸۴۷، برای گرفتن عکس دسته جمعی حاضر شدند دو سال بعد، نیمی از این مردان در جنگ شاخ بزرگ کوچولو کشته شدند.



تخت نظامی کاستر از چرم گوزن

دسته تزئینی چاقو

گیوه‌های گاو نشسته



◀ گاو نشسته

رهبر جنگی لاکوتاسیوکس در زمان جوانی تاتانکا ایوتاکه به معنی گاو نشسته (۱۸۹۰-۱۸۳۱) نام داشت که بعدا به مرد روحانی و رئیس قبیله سیوکس تبدیل شد. بعد از آن که افراد او در سال ۱۸۷۶ به شکست کاستر کمک کردند، گاو نشسته به معروفیت رسید. در سال ۱۸۸۵، او به نمایش غرب وحشی بوفالو بیل ملحق شد. او در سال ۱۸۹۰ در جریان درگیری با پلیس مخصوص اسکان سرخپوستان کشته شد. پس از مرگ، اموال شخصی او به عنوان آثار هنری مربوط به عصر گذشته به موزه واگذار شد.



◄ کیت کارسون (۱۸۶۸-۱۸۰۹)

مرد کوهستان، مزرعه‌دار و سرباز، کیت کارسون، رهبر تلاش‌هائی بود که باعث مطیع شدن قبایل ناواهو، مسکالر و آپاچی و کیووا گردید. وی در مقام نماینده دولت مامور مذاکره با سرخپوستان در شمال نیومکزیکو شده و موفق به جلب اعتماد و احترام این قبایل شد.



کوانا پارکر (۱۹۱۱-۱۸۴۵) ◄

کوانا پارکر جوانی دو رگه، از پدری سفیدپوست و یک مادر کومانشی بود که به ریاست قبیله کومانش رسید. او در سال ۱۸۷۵ قبیله کومانش را به سوی محل اسکان در اوکلاهوما رهبری نمود. وقتی سرزمین سرخپوستان در سال ۱۸۸۹ به مهاجران جدید واگذار شد، کوانا پارکر برای بدست آوردن بهترین شرایط ممکن به سود قبیله‌اش، با دولت به سختی چانه‌زنی کرد.



◄ رئیس جوزف (۱۹۰۴ -۱۸۴۰)

«آذرخش کوهستان» نام بومی این رئیس صلح جوی قبیله نزپرسس بود که از ورود اجباری قبیله‌اش به محل اسکان دائمی خودداری ورزید. در سال ۱۸۷۷، جوزف ۳۵۰ تن از افراد خود را ۱۲۰۰ کیلومتر دورتر فراری داد، ولی بالاخره توسط ارتش دستگیر شد.



سلحشور، اما بی‌باک ◄

الکساندر لوری در سال ۱۸۷۶ تصویر جرج ا.کاستر را نقاشی کرد.

◀ بهترین ژنرال



ژنرال جرج کروک (۱۸۹۰-۱۸۲۸) با آگاهی از این که «مسائل سرخپوستان» ناشی از عدم پایبندی دولت به قول‌های خود بوده است، در ابتدا سعی می‌کرد با دیپلماسی و گفتگو به حل مشکلات میان دولت آمریکا و سرخپوستان بپردازد و وقتی نمی‌شد به جنگ روی می‌آورد. کروک، به عنوان یک قهرمان در احقاق حقوق بومیان، صلح را در جنوب غربی و شمال غربی حاکم نمود. او را بهترین فرمانده ارتش در جنگ‌های سرخپوستان تلقی کرده‌اند.



نشان پلیس آپاچی

جنگجویان فراری آپاچی ▼

رهبر جیریچائووا آپاچی به نام ژرونیمو در کنار تعدادی از گروه ۵۰ نفری جنگجویان در نزدیکی مرز آمریکا با مکزیک در سال ۱۸۸۶ ایستاده است. هزاران سرباز سعی کردند ژرونیمو را دستگیر کنند. ولی او با مقاومت خود مانع از این کار شد. اما سرانجام ماموران مخفی ارتش در نقش پزشک موفق شدند او را تعقیب و دستگیر نمایند. همچنین پلیس مخصوص اردوگاه‌های سرخپوستان نیز به کمک ارتش شتافت. این نیروها به عنوان سربازان شهربانی سوگند یاد کرده بودند حافظ قانون و نظم در محل اسکان سرخپوستان باشند.



یاغیان و مردان قانون

در اوایل دهه ۱۸۹۰، باندهای جنایتکار در سراسر غرب فعال بودند. آنها به گله‌دزدی، سرقت از بانک‌های شهرهای کوچک و راهزنی از دلیجان‌ها و قطارها دست می‌زدند. مقابله با یاغیان نیازمند وجود تفنگ‌چیانی مانند بیل هیکاک وحشی، یعنی معروف‌ترین مرد قانون در آن روزگار بود. بعضی از کلانترها خود از قانون‌شکنان اصلی بوده و از طریق قانون‌شکنی زندگی می‌کردند. در شهر گاوچران‌ها، داج‌سیتی، اشرار و هفت‌تیرکش‌های معروفی مثل لوک شورت و برادران ارپ از جمله کلانترهای شهر بودند. شخصی به نام روی بین که یک قاضی بود، چندین رستوران و مرکز تفریحی داشت و به قاضی خودخوانده مشهور بود. او مسابقات غیرقانونی بوکس برگزار می‌کرد و معروف بود که احکام دادگاه خودش را برای فروش نوشابه‌های زیانبار زیر پا می‌گذارد. علی‌رغم افسانه‌هایی که نقل می‌شود، حتی یاغیان بسیار شناخته شده معمولا سرانجام به زندان می‌افتادند. خیلی از هفت‌تیرکش‌ها مانند بیلی کوچولو، دچار مرگ زودرس و خشنی گردیدند. آخرین دسته تبهکارِ معروف، «باند وحشی» منطقه ویومینگ بود که در دزدی از قطار تبحر داشتند ولی سرانجام توسط کارآگاه آلن پنکرتون تعقیب و دستگیر شدند.



مارشال راهنما، تفنگچی و مرزبان ▲

جیمز باتلر، «وایلد بیل» هیکاک (۱۸۷۶-۱۸۳۷) راهنمای گروه‌های شکار بود. وی در شهرهایی که دامپروری رواج داشت، به هفت تیرکشی متبحر و مرد قانون معروف بود. هیکاک خوش‌اندام با موهای مجعد در نمایش غرب وحشی بازی کرد و روی صحنه، نقش خودش را بازی نمود. وی در شهر معدنی ددوود، در داکوتا، از پشت مورد سوءقصد قرار گرفت و کشته شد.

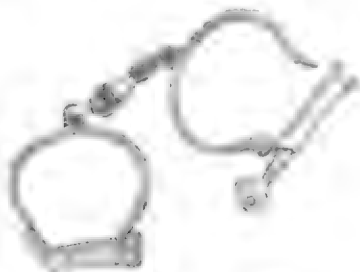


ماموران نظم ▲

برای حفظ قانون و نظم، مرزنشینان برای رفع مشکلات خود هفت‌تیرکش‌هایی تند مزاج و سرسخت را استخدام می‌کردند که قادر بودند با دو دست شلیک کنند. تفنگدارانی همچون ویات ارپ، لوک شورت و بت ماترسون از جمله رهبران این کمیسرهای برقراری صلح در شهر داج سیتی کانزاس در دهه ۱۸۷۰ بودند.

دستبندهای نیکلی اولیه معروف به هیات (Hiatt)



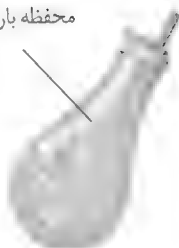




نشان اقتدار ▲

در اکثر جوامع غربی کلانتر به شکل انتخابی توسط مردم مشغول به کار می‌شد. این نشان به عنوان نمادی از اقتدار و احترام جامعه به کلانتر، به وی داده می‌شد.

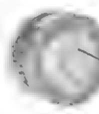
کلیدهای زندان کلانتر



محفظه باروت



کلاهک‌های ضربه‌ای



محفظه کلاهک‌های ضربه‌ای



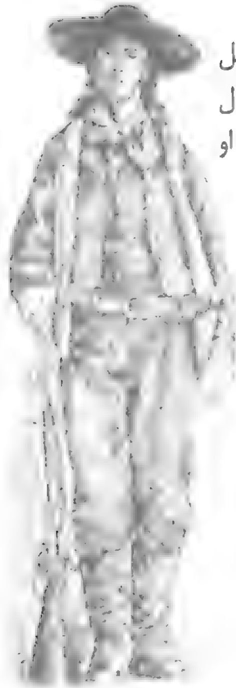
وسایل تجارت ▲

کُلت کالیبر ۳۶ میلی متری ناوی مدل ششلول، اسلحه‌داری کلاهک ضربتی بود، کشیدن ماشه باعث انفجار باروت در منطقه کلت و سپس انفجار باروت در پوکه فشنگ می‌شد و گلوله با سرعت از لوله تفنگ خارج می‌گردید. مدل ناوی بعدا در سال ۱۸۷۳ جای خود را به اسلحه دیگری در ارتش داد که دارای محفظه فلزی بود و نیازی به کلاهک ضربتی نداشت.



قانون غرب در منطقه پکوس ▲

در دهه ۱۸۸۰، قاضی «روی بین» (۱۹۰۳-۱۸۲۵) در تگزاس غرب و کنار ساحل رودخانه پکوس رستورانی افتتاح کرد و خود را قاضی ایجاد نظم نامید. در عکس او را در حال محاکمه یک دزد اسب می‌بینیم، بین به دلیل قضاوت اغلب صحیح مورد احترام بود ولی بعضی از تصمیمات وی به نفع دوستانش گرفته می‌شد.



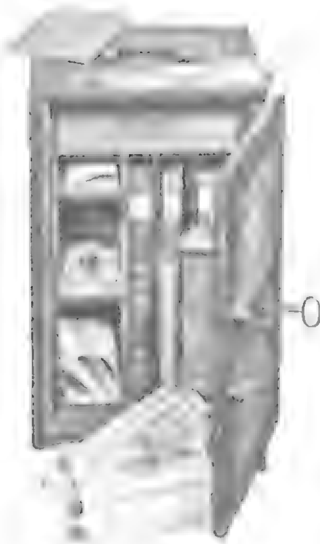
بیلی بچه ◄

هفت‌تیرکش افسانه‌ای، ویلیام اچ.بونی (۱۸۸۱-۱۸۵۹) با نام مستعار بیلی‌بچه، اولین قتل خود را در سن فقط ۱۷ سالگی انجام داد. بیلی بچه در درگیری‌های خونین و اعمال قانون‌شکنانه در جنوب غربی شرکت می‌کرد و سرانجام توسط کلانتری که روزی با او دوست بود، از پای درآمد.



دزدی از ایستگاه راه‌آهن ▲

یاغیان راه بر مردم می‌بستند، مسافران را غارت می‌کردند و به دلیجان‌های پستی حمله می‌بردند، یکی از معمولی‌ترین کارهای آنها دستبرد به ایستگاه‌های راه‌آهن در مناطق دورافتاده بود. در این نقاشی از ایستگاه قطار یونیون پاسیفیک، سارقان گاوصندوق‌ها را برای دستیابی به اشیاء ارزشمند درون آنها شکسته‌اند.



وسوسه داخل صندوق ◄

در این گاوصندوق فولادی دارای دیواره ضخیم، پول نقد، طلا و جواهر نگاهداری می‌شد که توجه باندهای تبهکار را به خود جلب می‌کرد، تبهکاران با استفاده از دینامیت در این گونه گاوصندوق‌ها را می‌شکستند.



کلت کالیبر ۴۱ میلی متریلوله کوتاه

کلت «توئر» سومین مدل از تپانچه‌های تک گلوله‌ای

ما هرگز نمی‌خوابیم ▲

قانون شکنی و قتل و غارت در بیشتر شهرها و روستا ها بیداد می کرد و نیروی پلیسی برای حفاظت از مردم وجود نداشت. مردم ناچار بودند برای دفاع از خود به هر روشی متوسل شوند. بتدریج کاراگاهان خصوصی و آژانس‌های مخصوص دفاع از مردم تشکیل شدند. این نیروها نیز همانند باندهای یاغیان و تبهکاران خشن و بی‌رحم بودند و در قبال حمایت از مردم پول دریافت می کردند یکی از مشهورترین آژانس های کاراگاهی «آژانس کارآگاهان پینکرتون» بود که توسط یک مهاجر اسکاتلندی به نام آلن پینکرتون در دهه ۱۸۵۰ تاسیس شد. آژانس پینکرتون بتدریج حوزه فعالیت خود را گسترش داده و در چندین شهر بزرگ غرب ادارات و دفاتری باز کرد. مردم وفادار به قانون، این کارآگاهان را تحسین می‌کردند. ولی مجرمان از آنها هراس داشتند.

لذت بردن از غارت ▼

باند تبهکار معروف به «باند وحشی» که به خاطر سرقت از بانک‌ها و قطارهای در حال آمد و شد از ویومینگ به نیومکزیکو شهرت داشت، هیچ ترسی از قانون نداشتند و در سال ۱۹۰۱ در فورت ورث تگزاس گرد هم آمدند و عکسی به یادگاری گرفتند. رهبران اصلی آنها بنام رابرت ال پارکر و هری لانگبو هیچ وقت به دست کارآگاهان خط آهن نیفتادند و برای ادامه زندگی مجرمانه خود به جنوب آمریکا گریختند.



شهرهای پررونق

سکونت‌گاه‌هایی که به ناگهان و با سرعتی خیره‌کننده ظهور یافته و رشد کرده و به «شهرهای پررونق» معروف می‌شدند، به ناگاه بعضی از این شهرها در ظرف چند ماه از رونق به کسادی می‌گراییدند. برخی دارای منابع طلا یا نقره بودند، در برخی دیگر پایانه‌های راه‌آهن مستقر بود و محل عرضه دام به بازار محسوب می‌شدند و در برخی دیگر کارخانه‌های چوب‌بری وجود داشت که چوب را به الوار تبدیل می‌کردند. وقتی معادن فلزات قیمتی ته می‌کشید، یا پایانه‌های بهتری ساخته یا همه درختان بریده می‌شدند، مردم شهرها نیز جابجا می‌شدند. پس از چند سال، شهر ارواح با گورستانی متروکه تنها چیزی بود که از شهر باقی می‌ماند. سکونت گاه‌هایی که روزی به دلیل وجود منابع معدنی جذابیت داشتند، مانند شهر ویرجینیا، مونتانا و بودی در کالیفرنیا تبدیل به شهر ارواح شدند. شهرهای گاوچرانی در کانزاس مانند داج‌سیتی و آبیلن بقا یافتند و سان فرانسیسکو و دنور از شهرهای کوچک پررونق تبدیل به کلان‌شهرهای عظیم گردیدند.



ایستگاه راه‌آهن

امکان داشت با ساخته شدن یک دستگاه راه‌آهن، سکونتگاه و زمین‌های متروکهٔ مردی که معمولاً بیکار بود و پشه می‌پراند ارزش فراوانی پیدا کند و تبدیل به شهر پررونقی گردد.

با گسترش خطوط راه‌آهن، انتقال گوسفندهای شاخ دراز و محصولات کشاورزی به بازارهای فروش، آسان‌تر شده و سود فراوانی را نصیب ساکنان مناطق دور افتاده می‌کرد.



ابزار ساختن زین

این ابزارهای چرم‌کاری برای ساختن، تعمیر و تزیین زین اسب مورد استفاده قرار می‌گرفت. وقتی یک دسته کابوی اسب سوار وارد شهر دامپروری می‌شد، کابوی‌ها همیشه به خدمات این زین‌سازها نیاز پیدا می‌کردند تا زین جدیدی برای آنها بسازند یا زین‌های قبلی را تعمیر کنند.



بطری



شهر بودی، از رونق تا کسادی ▲

در دهه ۱۸۷۰ طی چهار سال، شهر بودی واقع در کالیفرنیا از شهری جذاب برای معدن‌چیان نقره به شهر ارواح تبدیل شد. زیرا معدن‌چیان به مکان‌های بهتر نقل مکان کردند. بودی در اوج رونق خود ۱۰۰۰۰ سکنه، ۲۰۰۰ ساختمان و ۶۵ سالن داشت. خیابان میلز که در تصویر مشاهده می‌شود، مکان شلوغی بود، بودی در وسط صحرا واقع بود و زمانی که نقره آن تمام شد چیز جذابی برای مردم دربرنداشت.

سالن‌های پذیرایی در غرب وحشی ▼

سالن‌ها برای کابوهای از راه خسته شده یا معدن‌چیان تازه ثروتمند شده‌ای که برای استراحتی موقتی به شهر می‌آمدند، بسیار جذابیت داشتند. در این مکان‌ها، افراد با سرگرمی‌های مختلف وقت گذرانی می کردند. انواع غذاها و نوشیدنی‌ها در این رستوران‌ها و سالن‌ها که غرق در دود چپق بود، به فروش می‌رفت.



مدرسه متروکه ◄

وقتی ساکنان شهر کالیکو در ایالت کالیفرنیا، این مدرسه را برای کودکان خود ساختند، امیدهای فراوانی برای ادامه اجتماع کوچک خود در سر داشتند. اما همه مردم آن شهر مجبور به مهاجرت به ایالت های دیگر شده و در نتیجه از هم جدا شده و این سکونت گاه تبدیل به شهر ارواح به همراه مدرسه‌ای متروکه گردید.



► خیابان بلیک، دنور

در خیابان اصلی دنور کلرادو، در زمان وقوع جنگ داخلی آمریکا، رونق و شادابی قابل مشاهده بود. دنور از سیلاب‌های عظیم و آتشی که بسیاری از ساختمان‌های اصلی آن را ویران کرد، دوباره سربرآورد. حتی چنین فجایعی هم نتوانست ماجراجویان، بازرگانان و جویندگان طلا را که به سوی دنور سرازیر شده بودند، مایوس سازد. این شهر بزرگترین شهر بین سنت‌لوییس و کالیفرنیا محسوب می‌شد.

داج‌سیتی در سال ۱۸۷۸ ▼

شاید معروف‌ترین شهر پررونق غرب، داج‌سیتی باشد که پس از جنگ داخلی به عنوان شهر دامپروری در ایالت کانزاس رونق یافت. داج به خاطر وجود پلیس‌های سرسخت مانند ویات ارپ، بت ماترسون و بیل تیلگام معروف بود. گاهی شهرت رعب‌انگیز آنها برای حفظ آرامش در سالن‌ها و خیابان‌ها بدون نیاز به هفت‌تیرکشی کافی بود.



پزشکان خوب و فروشندگان روغن مار

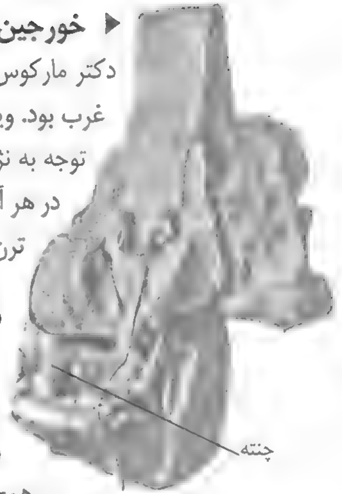
بسیاری از پزشکان غرب دارای تخصص رسمی نبودند. بنابراین دانش آنها حاصل تجربه و مطالعه کتاب و انجام مشاوره‌های پزشکی برای خوددرمانی بیماران بود. در بیشتر مناطق ایالات متحده که مدرسه‌های پزشکی بسیار کمی وجود داشت، وضعیت همین‌گونه بود. پزشکان، تحصیل کرده یا نکرده، بسیار با وجدان و سخت‌کوش بودند و گاه مسافت‌هایی طولانی برای عیادت بیماران از منزلی به منزل دیگر را می‌پیمودند. گاهی، بیماران بی‌بضاعت به جای پول به آنها کالاهایی مانند مرغ تخم‌گذار، میوه یا هیزم می‌دادند. معمولاً فقط برای درمان جراحت‌های مهم یا بیماری‌های جدی که با خوددرمانی در منزل مثل خوردن سولفور و سنگ آهکی، یا مصرف شیره درخت فان درمان نمی‌شدند، از پزشکان دعوت می‌شد. بسیار از مردم «داروهای دارای پروانه تولید» که برای فروش ساخته می‌شد مثل اکسیر، قطره، پماد مسکن، شربت، بلسان، روغن‌های درمانی و سایر ترکیبات دارویی را ترجیح می‌دادند. برخی از به اصطلاح پزشکان در سراسر کشور مسافرت می‌کردند و با تبلیغ این که داروهای آنها داروهای سنتی سرخپوستان می‌باشد، این گونه داروها را به فروش می‌رساندند.



◀ طبیب روستایی
طبیب روستایی با اسب زین کرده و آماده برای ادامه ملاقات بیماران، با یک زن نگران صحبت می‌کند و شاید برای یک عضو بیمار خانواده‌اش نسخه‌ای تجویز می‌کند.

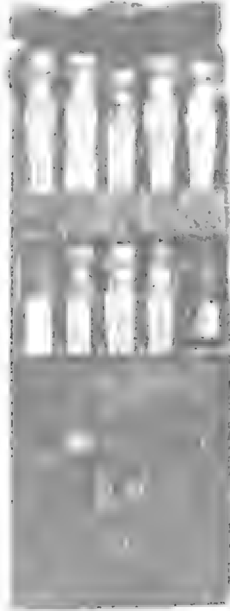


آسیاب کردن و مخلوط ساختن ◀
هاون و دسته آن برای آسیاب کردن هر چیز از غلات گرفته تا گیاهان دارویی برای تهیه کردن داروهای تجویز شده پزشک مورد استفاده قرار می‌گرفت. داروها، مواد معدنی، عصاره گیاهان، علف‌های دارویی و پوست خشک شده درختان در هاون، ریخته شده و کوبیده می‌شد تا براساس تجویز پزشک، مخلوط دارویی مناسب تهیه شود.



◀ خورجین دکتر ویتمن

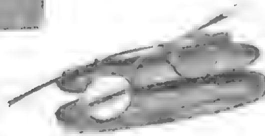
دکتر مارکوس ویتمن (۱۸۴۷-۱۸۰۹) از شهر اورگون، نمونه ایده‌آل پزشک خستگی‌ناپذیر غرب بود. ویتمن هزاران مایل سوار بر اسب و گاه بعد از هفته‌ها راهپیمایی، مردم را بدون توجه به نژاد آنها ویزیت می‌کرد. در خورجین او ابزار پزشکی و دارو وجود داشت که وی در هر آب و هوا و از دهکده‌های سرخپوست گرفته تا سکونت گاه‌های سفیدپوست و تا ترن‌های در حال حرکت این ابزار را با خود حمل می‌کرد.



داروهای پزشک ◀

داروهای اساسی تجویز شده توسط پزشک معمولاً جیوه سفید، ملین‌های قوی برای رفع شکم درد و اپیکا بود که برای ایجاد تهوع استفاده می‌شد. همچنین در قفسه داروی پزشکان مورفین برای کاهش درد، جوهر گنه برای درمان مالاریا، و کافور وجود داشت که به عنوان محرک یا مسکن مورد استفاده قرار می‌گرفت.





عینک و جعبه عینک پزشک

دفتر دندان‌پزشک ▲

دکتر گرین واردیمن بلک، که مطب شلوغ وی را در این نمونه‌سازی دفتر او در سال ۱۸۵۵ مشاهده می‌کنید، به «پدر دندانپزشکی مدرن» معروف است. بلک محقق و استاد دندان‌پزشکی دانشگاه‌های ایلینویز و میسوری بود. وی مقالات مهم بسیاری در مورد دندان‌پزشکی نوشت و روش‌های پیشرفته‌ای برای رفع پوسیدگی و پرکردن دندان ابداع کرد.



داروهای سرخپوستی ◀

داروهای سنتی مورد استفاده مردم بومی، شهرت خوبی از نظر شفابخشی برای همه بیماری‌ها در بین سکنه مهاجر داشت. در این همایش دارویی سال ۱۸۹۰ با عنوان «کیکاپوی سرخپوستی» سخنرانی‌های زنده و جذابی ایراد شد که هدفش اقناع مردم به قدرت این دارو موسوم به کیکاپو بود.

فروشندگان روغن مار

پس از موفقیت «واگن دارویی» داروهای موسوم به اکسیر برای افرادی که نسبت به خواص درمانی آنها اقناع شده بودند، به معرض فروش گذاشته شد. این داروها متنوع بود و از «صاف‌کننده خون» که گفته می‌شد هر چیزی مثل سرفه و ورم روده تا صرع و حتی سرطان را درمان می‌کند، تا دیگر داروها را دربرمی‌گرفت. ترکیب آنها سری بود. ولی برخی از آنها حاوی الکل و بسیاری از آنها بی‌مصرف بود. کسانی که به این گونه داروها شک داشتند، نام «روغن مار» را بر آنها گذاشته بودند.



آلو و سلامت ◀

یک قاشق تونیک بی‌مزه سرد از درختان به صورت منظم خورده می‌شد و تصور می‌شد برای بزرگسالان و کودکان مفید است و باعث می‌شد آنها مثل گاو چاق شوند. خپل بودن نشانه سلامت تصور می‌شد و سازندگان دارو مدعی بودند که این دارو بیش از ۲۰ سال با موفقیت امتحان خود را پس داده است.

گاری دارویی ▼

ساکنان غرب از فروشندگان دوره‌گرد دارو که در گاری‌های رنگی خاصی اقدام به فروش دارو در سر راه خود می‌کردند، انتظار داشتند حتماً از شهر آنها دیدن کنند. این گاری دارویی متعلق به سال ۱۸۹۰، متعلق به داروسازی به نام پیتر مارک اهل میسوتا بود. مارک وسیله خود را با کشیدن عکس هاون و دسته آن روی گاری‌اش که نماد طبابت محسوب می‌شد، تزیین کرده بود. دادن آدامس و شکلات به کودکان در صورت خرید چند دارو توسط والدین آنها از وی باعث شد بچه‌ها پشت سر گاری او شروع به دویدن کنند.



◀ برای کبد

ناهنجاری‌های داخلی گاه به درستی گاه به اشتباه ناشی از کبد تشخیص داده می‌شدند و درمان‌کننده دردهای کبدی داروی شفابخش مهمی در آن روزگار محسوب می‌شد.

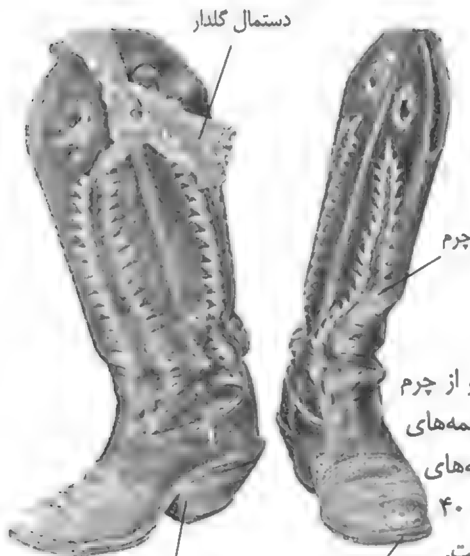
زندگی کابوی

تخیلی‌ترین شخصیت غرب کهن، کابوی بود که در زندگی روزمره‌اش هر چیزی غیر از تخیل به چشم می‌خورد. زندگی کابوی سخت، نکبت‌بار و خطرناک بود. او برای حقوقی اندک کار می‌کرد و ساعت‌هایی طولانی از عمر خود را تنها بر زین اسب سپری می‌نمود. کابوی‌ها ناچار بودند سوارکاران ماهری باشند، در کمنداندازی تبحر داشته، و بتوانند از ابزار داغ زدن (علامت گذاری) روی احشام استفاده کنند. البته در زندگی آنها لحظات مرگباری نیز پیش می‌آمد، برای مثال گاه در اثر آذرخش هزاران راس گوسفند یا گاو شاخ بلند رم می‌کردند و پراکنده می‌شدند. تنها زمان واقعی استراحت کابوی در چند ساعت بیکاری پس از یک توقف کوتاه بود که غذایی را در گاری کهنه‌ای صرف می‌کرد. کابوی‌ها دور آتش یا در یک کلبه محقر گرد آمده برای هم داستان تعریف کرده آواز می‌خواندند و از دوستی با دیگران که در مرارت‌ها و خطرهای روزمره با آنها شریک بودند، لذت می‌بردند.

◄ داستان کابوی

چارلز سیرینگو با کتاب کابوی تگزاسی، در سال ۱۸۸۵، نخستین نویسنده‌ای بود که درباره سبک زندگی کابوی‌ها کتاب نوشت. او کارآگاه نیز بود و در جنگ‌های طولانی بین گله‌داران و گاوچران‌ها شرکت داشت.





چکمه‌های سوارکاری ◄

چکمه‌های مخصوص سوارکاری اغلب زیبا و مزین شده و از چرم مرغوب ساخته می‌شدند. کابوی‌ها، پرجنب و جوش و چکمه‌های ضخیم را به چکمه‌های نازک ترجیح می‌دادند. زیرا چکمه‌های نازک در رکاب، پای آنها را آزار می‌دادند. بلندی چکمه‌ها به ۴۰ سانتی‌متر هم می‌رسید که دو پاشنه بلند ۵ سانتی هم داشت. پاشنه بزرگ جلوی لیز خوردن از رکاب اسب را می‌گرفت.

زین کالیفرنیایی

پیراهن بی‌یقه

جلیقه چرمی

لبه‌های بال خفاشی

◀ پوشیدن لباس کار

این کابوی لباسی خوش‌نما به تن کرده است که بیشتر شبیه لباس سوارکاران است تا لباس گاوچران‌ها، ولی، هر قطعه از این لباس عملا به دلیل خاصی تهیه شده و برای کابوی‌های غرب کهن اهمیت اساسی داشت. لبه پارچه‌ها از پا در برابر شاخه‌های تیز بوته‌ها و سوزن‌های کاکتوس محافظت می‌کرد، و کلاه لبه بلند او برای محافظت صورت در برابر آفتاب و باران ضرورت داشت.

استتسون ▲

در دهه ۱۸۶۰، کلاه‌دوز اهل نیوجرسی به نام جان بی. استتسون کلاه لبه بلندی طراحی نمود که باید در هوای آزاد به سرگذاشته می‌شد. این کلاه‌ها به کلاه استتسون معروف شد واستتسون محبوب‌ترین کلاه در غرب بود و تا سال ۱۹۰۰ شرکت او بیش از دو میلیون کلاه در هر سال تولید می‌کرد.

سیخ جینگل جینگل ◀

روی پاشنه چکمه کابوی‌ها سیخ‌های مدوری وجود داشت که به وی اجازه می‌داد اسب را کنترل کند. برای جلوگیری از زخمی شدن اسب، کابوی‌ها نوک سیخ‌ها را تا زمان کند شدن‌شان می‌ساییدند. زمان سوارکاری او سیخ را به حرکت درمی‌آورد که صدای زنگ داری تولید می‌کردند، این صدا برای غرب‌نشینان آشنا بود، آنها نام آن را «موسیقی زین» گذاشته بودند.

◀ طناب و آهن داغ‌زنی

مهارت در کمنداندازی برای کنترل و گرفتن دام اهمیت اساسی داشت. در زمان داغ‌زنی، کابوی طنابی را به پای حیوان می‌بست سپس آن را به یک طرف می‌خوابانید. بعد آهن داغ‌زنی سرخ شده‌ای را روی ران او می‌گذاشت تا پوست حیوان بسوزد و علامت دام مخصوص وی روی بدن او برای همیشه باقی بماند.



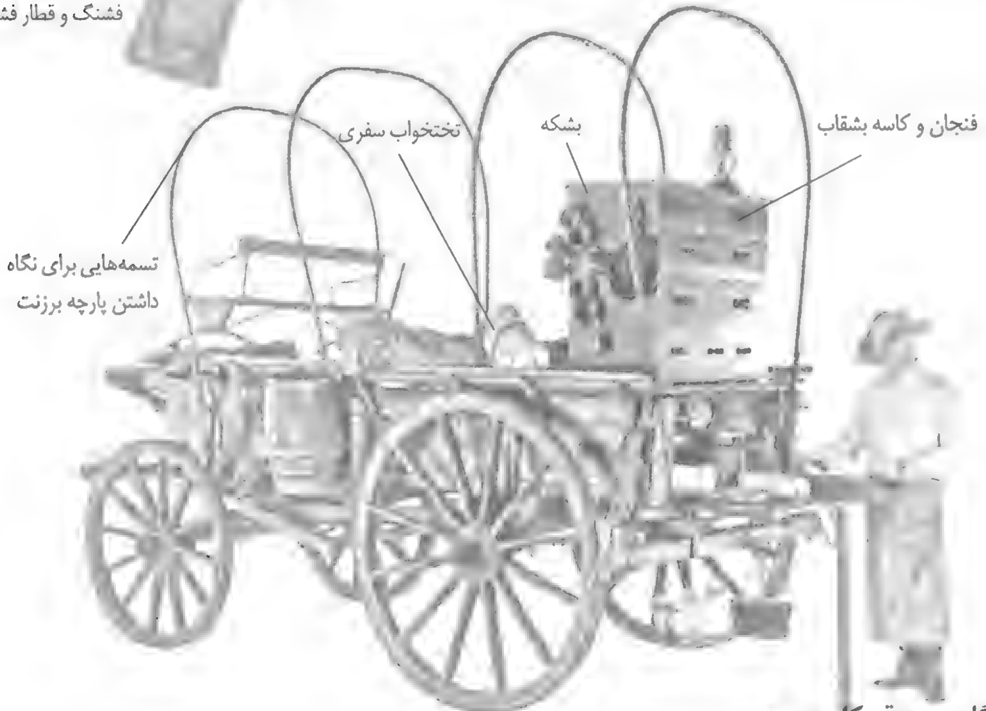
به دنبال شاخ بلند ◄

گاوهای شاخ بلند نیمه وحشی در مسیرهای خشن و دشوار زندگی می‌کردند و گوشت آنها ریش‌ریش و سفت بود. گوشت جانوران اهلی‌تر مانند این گاو شش ماهه هرفورد در بازارهای شرقی به گوشت شاخ بلندها ترجیح داده می‌شد. توسعه راه‌آهن انتقال این نوع دام به بازارها را آسان‌تر نمود و این گونه گاوها به تدریج جای شاخ بلندها را در دامپروری‌های غرب گرفتند.



ششلول ◄

در بی‌قانون‌ترین عصر غرب وحشی ـ بین دهه ۱۸۵۰ تا اوایل دهه ۱۸۸۰ ـ کابوی‌های سخت‌کوش گاهی تفنگی ششلول را در جلد چرمی روی کمربند خود حمل می‌کردند. پس از جنگ داخلی، معروف‌ترین هفت‌تیر کلت ۴۵ میلی متری مدل ارتشی بود.



گاری محقر کابوی ▲

در مسیرهای طولانی، یک کابوی چهارده ساعت در روز کار می‌کرد. بنابراین خوردن غذای داغ برای او بسیار لذت‌بخش بود. نشستن یا خوابیدن نزدیک آتشی صحرایی در کنار گاری کوچک تنها وقت فراغت کابوی بود. در این زمان بود که کابوی‌ها برای هم داستان یا لطیفه تعریف می‌کردند و غذای خود را با نان خمیر ترش، گوشت، لوبیا و قهوه صرف می‌کردند از بسیاری جهات این گاری کوچک خانه «گاوچران‌ها» محسوب می‌شد.



فراوانی نعمت در غرب ▲
این آگهی خیال‌انگیز متعلق به شرکت هالستد و کمپانی عرضه گوشت در نیویورک دسته‌ای دام را نشان می‌دهد که کابوی‌ها برای تغذیه جمعیت رو به رشد ایالات متحده، جمع‌آوری و آنها را جهت استفاده از گوشت و پوست‌شان به سوی کشتارگاه هدایت می‌کنند.



مسیرهای اصلی گاوچران‌های غرب

جابجایی هایِ سخت

کابوی‌ها معمولاً چندین هزار راس دام را برای سفری طولانی گرد می‌آوردند. این سفرها معمولاً سه ماه طول می‌کشید و گاهی ممکن بود مسیر حرکت تا ۱۲۰۰ مایل به درازا بیانجامد. گله به چراگاه‌ها یا بازارهای جدید آورده می‌شد یا به سوی شهری که کشتارگاه داشت و یا ایستگاه بارگیری راه‌آهن آورده می‌شد. پس از جنگ داخلی، کابوی‌های این مسیر، از نژادهای مختلف بودند. مکزیکی‌ها، سیاهان و سرخپوستان و تعداد بی‌شماری مهاجر انگلیسی و اسکاتلندی در بین این گاوچران‌ها به چشم می‌خورد. هنگامی که یک گله به مقصد می‌رسید، کابوی‌ها با خوردن غذاهای لذیذ در هتل یا رستورانی خوب جشن می‌گرفتند. گاه، آنها تمام دستاورد تلاش خود را در یک شرطبندی از دست می‌دادند.



در کوهستان ◄

گاوهای شاخ بلند قوی هیکل، از نژاد مکزیکی، آزادانه در کوه‌ها چرا می‌کردند و با شرایط آب و هوای خشک جنوب غربی و دشت های منطقه سازگار شده بودند. کابوی‌ها هر ساله شاخ بلندها را جمع‌آوری می‌کردند تا آن که گله‌ای عظیم شکل گیرد و آنها بتوانند به فروش یا انتقال آنها به بازار اقدام کنند.

خطرات مسیر

گاوچران‌ها در مسیر طولانی خود با خطرات بسیاری مثل احتمال ترسیدن و رمیدن گله در اثر طوفان روبه‌رو می‌شدند. گاه احتمال حمله سرخپوستان نیز وجود داشت و یا حیوانات وحشی ممکن بود به این گله‌ها حمله کنند. اما هراس‌انگیزترین خطر گذشتن از عرض رودخانه‌های بزرگی بود که در طی مسیر وجود داشت. وقتی کابوی‌ها در حال عبور دادن گله از عرض رودخانه بودند، گله و سواران کابوی گاهی دچار لغزش می‌شدند و ممکن بود جریان سریع آب آنها را با خود برده و غرق سازد.



رمیدن! ◄

همیشه در صورت تحریک، حتی در بیابان اصلی داج سیتی کانزاس، گله آمادهٔ رم کردن بود. کابوی‌ها ناچار بودند در جلوی گله رم کرده سوار بر اسب حرکت کنند و گلوله شلیک کرده، شلاق، سوت یا فریاد بزنند تا رهبران گله به کناری متمایل شده و گله متوقف شود. وقتی گله دچار خستگی و سردرگمی می‌شد، از دویدن باز می‌ایستاد.



◄ گوسفندها در چراگاه‌ها

گله‌داران شکایت داشتند که گوسفند علف را از ته جویده رشد مجدد آن را سخت می‌کند و باعث نابودی گودال‌های آبخوری احشام دیگر می‌شود. گاهی بین گوسفندداران و گاوچران‌ها بر سر تصاحب زمین درگیری روی می‌داد.



◄ سارقان و تبادل آتش

این رویداد گرچه فراوان نبود ولی ممکن بود دزدان گله به شکل ناگهانی دست به حمله زنند. در این‌جا، کابوی‌ها به سوی دزدان مکزیکی که می‌کوشند با گله دزدیده‌شده در تگزاس بگریزند، آتش می‌گشایند.



گم شده در مسیر ◄

جمجمه خشک شده شاخ بلندها در مسیر حرکت گله‌ها به چشم می‌خورد که حکایت از وجود شرایط سخت و احتمال مرگ ناگهانی گله در طی مسیری طولانی را داشت.

پایان زمین‌های بی‌صاحب

در ابتدا، گله آزادانه در محیط‌های باز به چرا مشغول بود ولی در پایان سده نوزدهم، هزاران کیلومتر حصار سیمی ساخته شد. هم گاوچران‌ها و هم گوسفندداران خواستار کنترل حرکت دام‌های خود بودند. در بعضی مناطق، مجادله بر سر حق حصارکشی در محیط‌های باز باعث درگیری‌های مسلحانه شد و گاه رقبا حصارهای سیمی یکدیگر را می‌بریدند. رشد شهرها و گسترش کشاورزی در مقیاس بزرگ باعث محدود شدن فضاهای باز در سراسر منطقه غرب گردید.

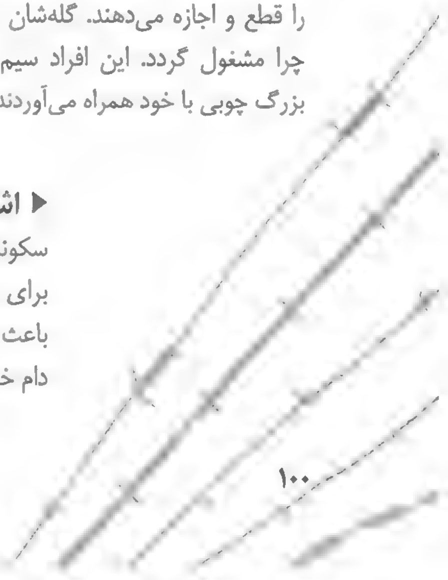


در دستان خود آنها ◄

نبراسکایی‌ها نشان می‌دهند که چگونه گاوچران‌ها نقاب زده، قانون را در اختیار خود گرفته به صورت غیر قانونی سیم‌های خاردار را قطع و اجازه می‌دهند. گله‌شان آزادانه به چرا مشغول گردد. این افراد سیم‌چین‌های بزرگ چوبی با خود همراه می‌آوردند.

◄ اشکال گوناگون سیم خاردار

سکونت گاه‌های غرب و توسعه کشاورزی منجر به کشیدن هزاران مایل سیم خاردار برای جداسازی اموال خصوصی توسط مهاجران جدید گردید. حصارهای سیم خاردار باعث ناراحتی گاوچران‌ها می‌گردید که عادت داشتند در هر جایی که علف می‌روید دام خود را به چرا وا دارند.



کشاورزی در غرب

سیاست دولت در زمینه واگذاری زمین، خرید زمین در غرب را آسان نموده و رشد سریع آبادی‌ها و شهرها را موجب گردید. معمولا اکثر کشاورزان تنها با کمک خانواده خود زمین هایشان را کشت می‌کردند و فقط هنگام برداشت محصول، که کاری پر مشقت بود، با سایر خانواده‌ها همکاری می‌کردند. توسعه تجهیزات مکانیزه برای شخم‌زنی، کاشت، برداشت و خرمن‌کوبی باعث شد کشاورزی در زمین‌های بزرگ و کشت محصولاتی مانند ذرت و گندم امکان‌پذیر گردد. در همه جا آسیاب‌های بادی که آب‌های زیرزمینی را برای مصرف مردم، دام و زمین‌های کشاورزی پمپاژ می‌کردند دیده می‌شد. زیرا معمولاً آبهای سطحی کمیاب بود. در سال ۱۸۶۷، بسیاری از کشاورزان متحد شدند و اتحادیه‌ای ملی را به وجود آوردند که سازمان سیاسی نیرومندی برای نمایندگی مجموعه کشاورزان غرب بود.



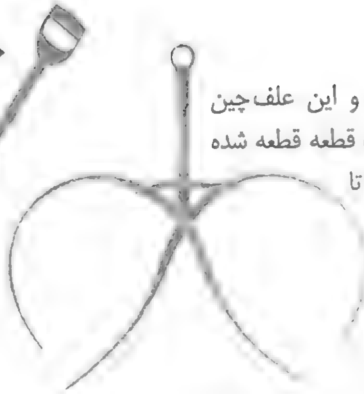
◀ نابود کردن علف‌زار

غربی‌هائی که خاک بکر را شخم می‌زدند اصطلاحاً «نابود کننده علف‌زار» نامیده می‌شدند. در عکس سمت راست، یک کشاورز اهل داکوتای جنوبی با کمک دو گاو که به خیش دستی وی توسط یوغ متصل هستند، در حال کار است. از پودر استخوان بوفالو برای غنی کردن خاک استفاده می‌گردید.



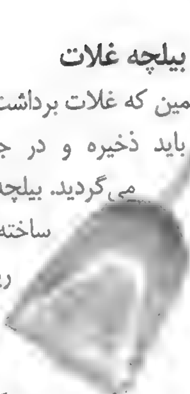
درو کردن ◀

در این آگهی، ویژگی‌های دروگر پرسرعت کیلماکس معرفی شده که توسط شرکت ماشین‌سازی کوری در شهر کوری پنسیلوانیا تولید شده بود. این دروگر اسبی، می‌توانست روزانه ۸ تا ۱۵ هکتار از زمین‌های کشاورزی را درو نماید.



قلاب علفی ◄

به یاری نیروی بازو و این علف‌چین فلزی، ساقه‌های علف قطعه قطعه شده به انبار برده می‌شد تا برای تغذیه دام در زمستان مورد استفاده قرار گیرد.



◄ بیلچه غلات

همین که غلات برداشت و از غلاف جدا می‌شد باید ذخیره و در جای خشک نگاهداری می‌گردید. بیلچه از قطعه چوب واحدی ساخته شده بود که برای ریختن غلات به انبار یا برای انتقال به بازار مورد استفاده قرار می‌گرفت.



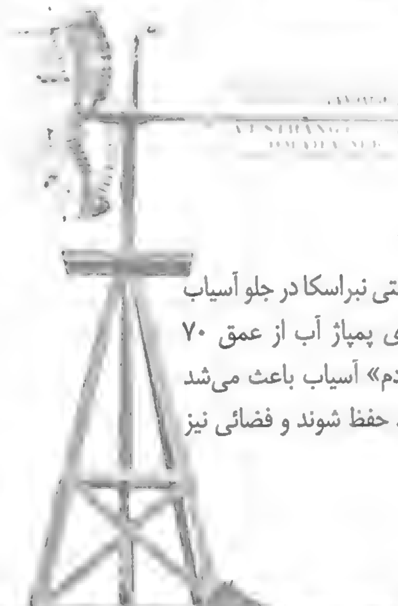
◄ به افتخار کشاورزی

تمبر دو سنتی ایالات متحده که در سال ۱۸۹۸ به چاپ رسید، کشاورزی در آمریکا را گرامی می‌دارد؛ این صنعتی بود که روز به روز با ابداع تجهیزات جدید شخم‌زنی، بذرپاشی، خرمن‌کوبی و جمع‌آوری مکانیزه‌تر می‌گردید.



گندم برای نان ▲

منونیست‌های روسیه بعضی گونه‌های گندم را به آمریکا آوردند که در دشت‌های عظیم غرب طراوت و زیبائی خاصی را موجب شدند.



آسیاب بادی خانوادگی ▼

خانواده مک کارتی‌ها از کاستر کانتی نبراسکا در جلو آسیاب بادی خود جمع شده‌اند که برای پمپاژ آب از عمق ۷۰ متری یا بیشتر ضروری بود. «دم» آسیاب باعث می‌شد پره‌های آن همیشه در جهت باد حفظ شوند و فضائی نیز برای تبلیغ به وجود آید.





کشش همزمان کمباین توسط ۳۳ اسب   کمباین چند منظوره

خرمن‌کوب کمباین ▲

مکانیزه شدن تجهیزات کشاورزی باعث شد یک خانوار بتواند به تنهایی مقادیر عظیمی گندم و سایر غلامت را زراعت کرده و برداشت کند. این کمباین در حال فعالیت ـ کمباین به معنی آمیخته یا انجام چندین عملیات هنگام برداشت می‌باشد ـ برش، خرمن‌کوبی و تمیز کردن گندم را انجام می‌داد ولی نیروی حرکتی آن از اسب تامین می‌شد. در تصویر اسب‌ها در حال کشیدن ماشین کمباین در نزدیکی والا والا در ایالت واشینگتن هستند.



هدیه برای مزرعه‌داران ◄

این پوستر نمادی از مزرعه‌داران سراسر آمریکاست که در چارچوب سازمان حامیان کشاورزی متحد شدند. این سازمان به لحاظ سیاسی نیرومند و دارای ۸۰۰۰۰۰ عضو در پایان سده نوزدهم بود. سازمان برای واداشتن دولت و حکومت‌های محلی و رفتار منصفانه با کشاورزان و گسترش خطوط راه‌آهن برای حمل و نقل محصولات کشاورزی به بازار، ایجاد شده بود.

غرب در افسانه‌ها

با به پایان رسیدن سده نوزدهم، بخش غربی ایالات متحده دگرگون شد و شهرهای بزرگ، دامداری، کشاورزی عظیم، پارک‌های ملی و چاه‌های نفت پدیدار شدند. شیفتگان طبیعت و طبیعت‌شناسانی فراوانی در آمریکا تلاش‌های موفقیت‌آمیزی برای حفظ منابع طبیعی و حفاظت از زمین‌های بکر و دست نخوردهٔ غرب کردند، ولی غرب برای همیشه در حال دگرگونی بود. با ورود تمدن به «غرب کهن»، افسانه رمانتیک «غرب وحشی» محبوبیت گسترده‌ای پیدا کرد. اصطلاح «غرب وحشی» حاصل نمایش‌های تلویزیونی بود که هفت‌تیرکشی، سوارکاری چیره‌دستانه، بازسازی صحنه شکار بوفالو، جنگ با اسلحه و راهزنی را به تصویر می‌کشیدند. «رمان‌های آبکی» که برای میلیون‌ها نفر جذابیت داشت، باعث شد تخیل‌پردازی درباره غرب هر چه بیشتر در بین عوام تقویت شود. نخستین فیلم‌های جذابی که در مورد غرب وحشی ساخته شدند، به نام فیلم‌های «وسترن» مشهور هستند. البته این فیلم ها درباره «غرب کهن» مبالغه کرده و تصور «غرب وحشی» را رایج ساخته‌اند. این فیلم ها مردم آمریکا را مفتون خود کرده و زمان و مکانی را به تصویر کشیده اند که هرگز باز نخواهد گشت و به این زودی هم به فراموشی سپرده نخواهد شد.

نمایش غرب وحشی

اکتشاف‌گر سابق دشت‌ها، ویلیام اف. کودی «بوفالوبیل»، در سال ۱۸۸۳ نمایش غرب وحشی را به راه انداخت و به مدت سی سال در آمریکا و اروپا به گشت و مسافرت پرداخت. ستاره‌های نمایش غرب وحشی بوفالو بیل آنی اوکلی در تیراندازی و کابوی‌های معروف بودند. تماشائی‌ترین هنرنمائی‌ها، نمایش مسابقه دو امدادی اسب‌های تیزرو، نمایش برقراری مجدد قانون در «نبرد نهائی کاستر» و حمله سرخپوستان به دلیجان جنگل مردگان بود. حتی رئیس قبیله سیوکس، گاو نشسته، به نمایش پیوست و در تابستان سال ۱۸۸۵ چند سفری به نقاط مختلف داشت. گاو نشسته نام مستعار معروف آنی اوکلی یعنی «شلیک دقیق کوچک» را به سر زبان‌ها انداخت.



◀ تیراندازی اوکلی

آنی اوکلی (فوئب آن موسس ۱۹۲۶–۱۸۶۰) به خاطر انجام تیراندازی‌های دقیق و خیره کننده در نمایش غرب وحشی به شهرت دست یافت. وی در بخشی از نمایش خود یک سکه را بین انگشتان همکارش مورد هدف قرار می‌داد. یک بار او موفق شد ۹۴۳ عدد از ۱۰۰۰ لیوانی را که به هوا انداخته شد، هدف قرار دهد. زندگی او در کتاب‌های تخیلی و کمدی، تلویزیون و سینما و در قطعه موزیکال معروفی به نام «آنی تفنگت را می‌گیرد»، به تصویر درآمده است.

◀ بوفالو بیل (۱۹۱۷-۱۸۴۶)

مرد پیشاهنگ، ویلیام اف. کودی همه کار کرد. مسابقه اسب‌سواری، مبارزه در جنگ داخلی، دیده‌بانی ارتش، و جنگ با سرخ‌پوستان در کارنامه او وجود داشت. کودی در مقام شکارچی، برای سازندگان راه‌آهن گوشت بوفالو تهیه می‌کرد و به همین دلیل نام او را «بوفالو بیل» گذاشتند. رمان‌های عوامانه درباره ماجراجوئی‌های او باعث شهرت وی گردید. به همین سان نمایش غرب وحشی توسط خود وی باعث شهرتش گردید. بوفالو بیل در آمریکا و جهان تبدیل به معروف‌ترین الگوی قهرمان افسانه‌ای «غرب وحشی» گردید.



◀ کشتی با خرس

جذابیت ماجراهای غرب باعث شد تماشاچیان بسیاری برای مشاهده نمایش‌ها تئاتری مثل «سرقت بزرگ قطار» رهسپار مسافرت شوند. این پوستر نوید انجام مسابقه کشتی بین یک کابوی و یک خرس گریزلی را می‌دهد.



سرخپوستان وکابوها، سوارکاران زبده ▲

تبلیغ داستان‌های هیجانی و اجرای نمایش غرب وحشی بوفالو بیل، در این آگهی تجاری باعث جلب توجه پیر و جوان شد که شهرها را برای تماشای این نمایش‌ها پشت سر می‌گذاشتند. «سوارکاران زبده» در بین عرب‌ها و مکزیکی‌ها و نیز در بین سرخ‌پوستان، سواره نظام ارتش، کابوی‌ها و بعضی از خانم‌های خوش سیما وجود داشته‌اند.



سرخ‌پوست شریف ◄

پای گوزن، نام یک سرخ‌پوست تائوس اهل نیومکزیکو بود که برای این عکس در سال ۱۹۰۹ جلو نقاش حاضر شد اینگر ارونیگ کاوس نقاش «چوبه ضربت» را به دست او اضافه نمود که سرخ پوستان غرب با خود همراه می‌بردند ولی تائوس آن را با خود همراه نمی‌آورد. شنل از انگلستان و چکمه‌ها از استودیو تهیه شده بودند. با این حال، ویژگی‌های برجسته پای گوزن فراتر از ابعاد خاص این نقاشی بود و تصویری خیره‌کننده و ماندگار از مرد جوان سرخپوست را نمایان می‌ساخت.

رمان‌های عوامانه ده سنتی

آمریکایی‌ها از کتاب‌های جیبی که تحت عنوان «رمان‌های ده سنتی»، منتشر می شد، استقبال فراوانی می کردند. در این کتاب ها داستان های ماجراجویانه‌ای که قبلاً در مجلاتی مثل «قهرمان‌های غرب» درج شده بود، گردآوری و تحت این عنوان از سال ۱۹۳۶ منتشر می‌شد، آمریکائیان از این کتاب‌ها لذت فراوانی می‌بردند.



شلوارهای کابویی یک رئیس جمهور ◄

تئودور روزولت، اهل نیویورک، مزرعه خودش در ایالت داکوتا را بسیار دوست داشت. وقتی او به مقام ریاست جمهوری ایالات متحده رسید، پارک‌های ملی، زمین‌های جنگلی و منابع طبیعی مثل گراند کانیون راکه در سال ۱۹۰۸ یادبود ملی نامگذاری شد، مورد حمایت و حفاظت دولتی قرار داد.



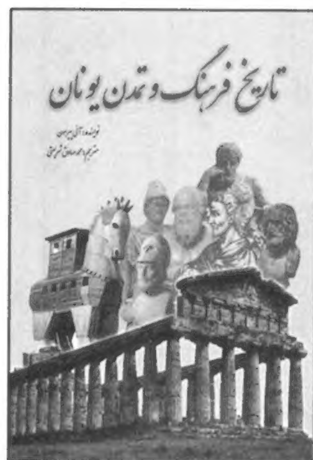
► یادبود نیروهای سیاه‌پوست

این مجسمه برونزی تصویری از «سرباز بوفالو» یعنی اسمی که سرخ‌پوستان روی سواره نظام سیاه‌پوست گذاشتند، می‌باشد. تصاویر محبوب، نوستالژی و روایات گوناگون درباره غرب کهن الهام بخش مجموعه آثار هنری بسیاری بوده است.

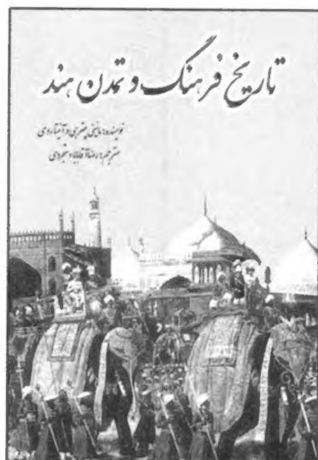
سوارکاران دنیای ارواح ▼

این سوارکار، همچون شبحی متعلق به دنیای مردگان، در برابر افق غرب یورتمه می‌رود. او هنرپیشه‌ای در حال اجرای نقش مرد قانون در ایالت اوکلاهما در دهه ۱۸۸۰ است که گاه به تنهایی برای حفظ نظم و آرامش سوار بر اسب در دشت‌ها نگاهبانی می‌داد. هنرپیشه‌ها به نوبه خود، خاطره غرب وحشی را زنده نگه داشته و به خاطره آن برای نسل‌های آینده آمریکا حیات می‌بخشند.

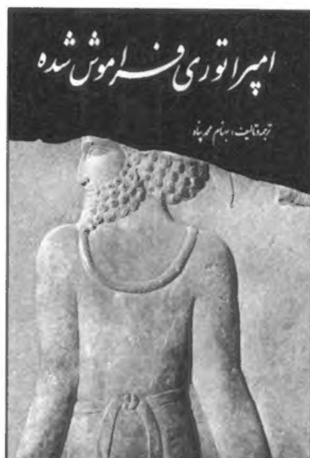


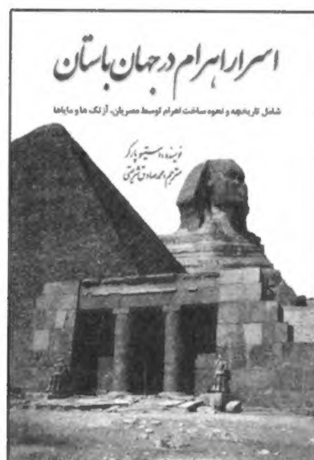

تاریخ فرهنگ و تمدن یونان


تاریخ فرهنگ و تمدن مصر

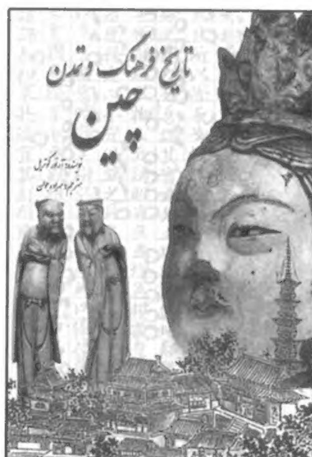

تاریخ فرهنگ و تمدن هند


تاریخ فرهنگ و تمدن
آزتک، اینکا و مایا


امپراتوری فراموش شده
ترجمه و تالیف: بهنام محمدپناه


اسرار اهرام در جهان باستان
شامل تاریخچه و نحوه ساخت اهرام توسط مصریان، آزتک ها و مایاها


تاریخ فرهنگ و تمدن روسیه


تاریخ فرهنگ و تمدن
چین


تاریخ فرهنگ و تمدن بین النهرین

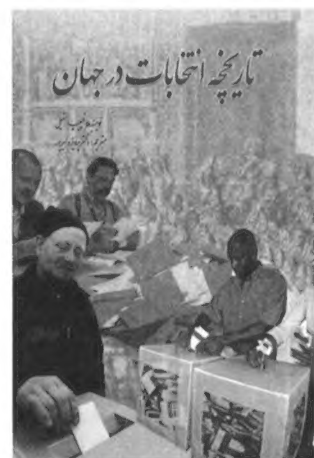

تاریخچه سینما

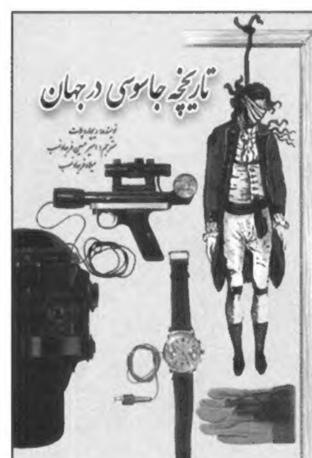

آفریقا

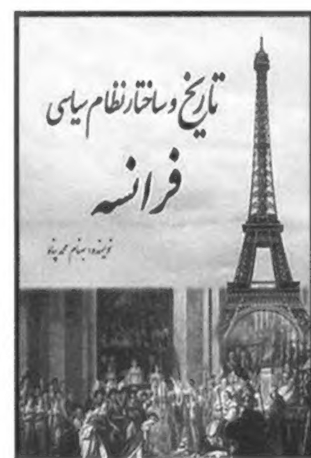

تاریخچه پیدایش خط و نوشتار

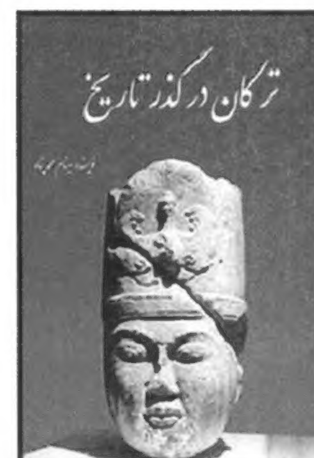

اروپا در قرون وسطی


انقلاب آمریکا

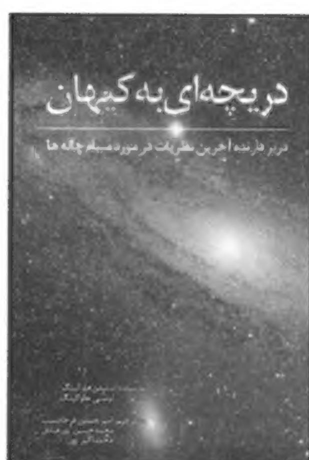

تاریخچه انتخابات در جهان


تاریخچه جاسوسی در جهان

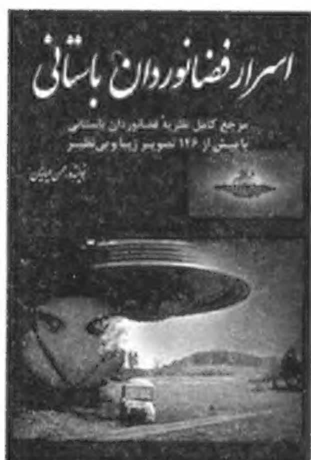

تاریخ و ساختار نظام سیاسی
فرانسه


ترکان در گذر تاریخ

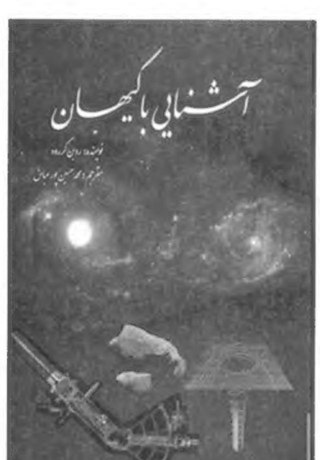

گنجینهٔ کیهانی
استیفن هاوکینگ - لوسی هاوکینگ

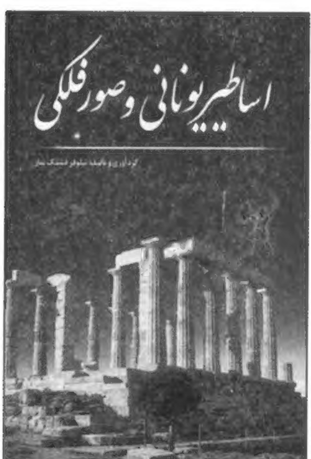

دریچه‌ای به کیهان


ماهیت کیهان
نویسنده: مارتین ریس
مترجمین:
دکتر مهدی خاکیان قمی
محمدحسین پورعباس

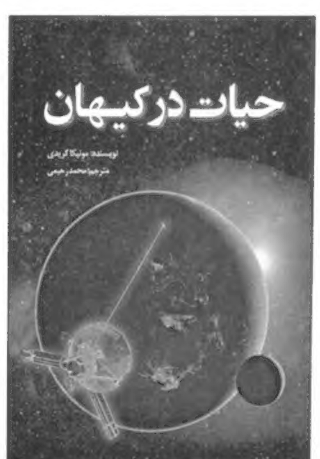

اسرار فضانوردان باستانی
مرجع کامل نظریهٔ فضانوردان باستانی
با بیش از ۱۲۶ تصویر زیبا و بی‌نظیر


اسرار کیهان


آشنایی با کیهان


اساطیر یونانی و صور فلکی


دنیای ستارگان
"نگاهی به ساختار و تحول ستارگان در کهکشان راه شیری"
نویسنده: مارتین ریس


حیات در کیهان
نویسنده: مونیکا گریدی
مترجم: محمد رحیمی

از مجموعه دانستنی ها / جلد ۳۹





جاده اشک

چروکی ها، ناگزیر از نقل مکان به سوی غرب و تحت تأثیر محاصره سربازان سفیدپوست، سفر سخت و غمبار خود را در جاده‌ای که جاده اشک می‌نامیدند، آغاز کردند. از ۱۵۰۰۰ مردم چروکی که وطن خود را ترک کردند، حدود ۴۰۰۰ نفر در این راه جان باختند. سایر قبایل نیز چنین وضعیتی را داشتند؛ از گروه ۱۰۰۰ نفری چاکتاوها فقط ۸۸ نفر زنده ماندند.



نبرد دریاچه اوکی چوبی

اکثر جنگ‌های سمینول حالت جنگ و گریز داشت. تنها نبرد رودرو در سال ۱۸۳۷ در ساحل دریاچه اوکی چوبی روی داد که ۱۰۰۰ سرباز آمریکایی و ۵۰۰ سمینول در آن شرکت داشتند. فرمانده ارتش آمریکا که بعداً رئیس جمهور این کشور نیز شد، سرهنگ زاخاری تیلور بود. ارتش شمار زیادی از بومیان را در نزدیک پادگان نظامی که در نقاشی دیده می‌شود، از پای درآورد.



جنگجوی شاونی

هیچ قبیله ای همچون قبیله شاونی که در بخش بالایی رودخانه اوهایو ساکن بودند، در برابر سفیدپوست ها مقاومت نکردند. رئیس آنها تکومسه نام داشت و سعی کرد با متحد کردن سرخپوستان، از سرزمین های خود دفاع کند و سرخپوستان اعتقاد داشتند این زمین ها را روح بزرگ به آنها اعطا کرده و آن را مقدس می دانستند. مقاومت آنها تا سال ۱۸۲۵ ادامه داشت. این تصویر متعلق به جنگجوی شاونی به نام پی تا کوتا است که نشان می دهد مردم این قبیله چهره خود را با رنگ روشن نقاشی می کردند ولی پوشیدن لباس سبک را ترجیح می داده اند.

سبزان

www.iiketab.com فروش اینترنتی و online از طریق سایت آی آی کتاب

ISBN 600-117-068-1

9786001170683

Designer: F.Imani